

۹۰



نشانه علمی تخصصی
سازمان نظام مهندسی ساختمان
اسانگ

۲۵

سال ششم
شماره بیست و پنجم
جمهوری اسلامی ایران

ساخت جاده در تپه های رملی



مهندسی، در هیچ زمانی از دفاع مقدس بیکار نبود

مهندسی جنگ و جنگ مهندسی در دفاع مقدس

مهندسی رزمی و وظایف آن

دوره مهندسی

قصیری
برای مهدی ...

نقش مهندسی رزمی در آزادسازی خرمشهر





یک نکته در زمینه‌ی مسائل مریوط به مهندسین کشور، نقش مجموعه‌های جوان مهندسی در مسائل انقلاب بود؛ هم در دوران مبارزات انقلابی، دانشکده‌های فنی ما در همه جای کشور جزو پیشوaran مبارزات بودند؛ هم بعد از پیروزی انقلاب، بهخصوص دوران دفاع مقدس، مهندسین واقع‌آنجاسربازان ارتجان‌گذشته‌ای بودند که همی توانایی خود، نیروی خود، استعداد خود، هتر خود، نوع خود را به کار گرفتند که مادر جنگ اینها را دیدیم، من توان گفت هر روزی یک پدیده‌ی نوازین جوان‌های با استعداد که رشته‌های مهندسی را طی کرده بودند، پیروز بپادامی کرد؛ بعد از دوران دفاع مقدس هم همینچور.



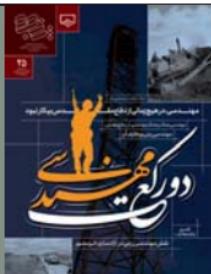


نشریه علمی تخصصی سازمان نظام مهندسی ساختمان استان قم
سال هشتم، شماره بیست و پنجم، تابستان ۱۴۰۰



دوره‌نامه تکنیکی

- ویرایش نامه پرسنل نقش مهندسی در دفاع مقدس و پژوهه کنگره ملی شهدای استان قم
- مدیر مسئول سید محمدعلی سیجانی
 - سردبیر امین مقومه
 - مدیر اجرایی محمد شکراللهی
 - مدیر روابط عمومی مهدی بخشی
 - مدیرهنری صطفی سلیمانی



مهندسی
درجنگ

شهردای
مهندسی

۲	پاداشت سردبیر
۵	دو رعایت مهندسی
۶	مهندسي جنگ و حنجگ مهندسي در دفاع مقدس
۱۰	مهندسي زرني و وظایف آن
۱۳	ویژگی های مهندسی رزمی در دوران دفاع مقدس
۱۴	مهندسي در هیچ زمانی از دفاع مقدس بیکار نبود
۱۶	رشدمهندسی در جنگ
۱۸	نقش مهندسی رزمی در آزادسازی خرمشهر
۲۰	ساخت جاده در تپه های رملی
۲۲	هنرچهادسازندگی در جنگ
۲۵	نقش مهندسی رزمی در قبیل
۲۶	مهندسي دفاع مقدس و آموزه های آن
۲۸	آشنایی با ویژگی ها و نموده ساخت پل شهید هزار دستان
۳۲	بیویس بزرگراه سید الشهداء
۳۵	رازیک جاده گمنام
۳۶	خوبی اوری و امید، در جنگ به ما کم کرد
۳۸	جاده عشق
۴۰	شموع صراط
۴۳	اسم این جاده را یگذارید جاده شهید صفوی ...
۴۶	قصصی برای مهدی
۴۸	عروسوی در ماووت
۵۰	عصر روز سوم
۵۴	جاده ماوصل شد قلب امام شاد شد
۵۸	هدف های بزرگ داشته باش
۶۰	معرفی کتاب
۶۱	معرفی کتاب
۶۴	پوستر

نشانی: قم / بلوار امین / بخش کوچه ۲/ سازمان نظام مهندسی ساختمان استان قم
تلفن: ۰۲۵-۳۲۹۱۹۸۴-۶
نمبر: ۰۲۵-۳۲۹۱۹۸۴-۶
www.nezamqom.com □ nashriehpanjreh@gmail.com

- پنجه در در پویا شی و کوتاه کردن مطالعه آزاد است.
- آثار مندرج در نشریه تنها بیانکر نظرات نویسندهان آن ها می باشد.
- نقل و اقتباس از مطالعه نشریه فقط با ذکر مأخذ مجاز است.

یادداشت سردبیر

امین مقومی

سال‌های هشت سال دفاع مقدس از درخشان ترین دوران تاریخ تمدن ایران اسلامی و هویت ازشنیدن و ملی ما به شماری رود که جذا از شکوفایی ارزش‌های والای انسانی همانند ایثار و رشادت و فتح از زوط، از منظرهای دیگر همانند دستاوردهای مهندسی و ظلامی خاص و بی نظیر بوده است.

مهمنترین دستاورده دفاع مقدس، پدید آمدن قدرت بازاراندیگی بود؛ ایران که در دو قن گذشته بخش‌های سیسایر از سرزمینش را در چند کهوار و قراردادهای دست داده بود و در دوران بهلوی دوم محل حضور بیش از ۵ هزار مستشار خارجی شده بود، در دوران دفاع مقدس اجازه نداد، بخشی از ایران در اشغال شدند مبنی باشند و شمن متاجوز بعیت معمور شد به قرارداد ۱۹۷۵ و مزهای رسمی ایران و عراق بازگردان و تبیجه بهره‌مندی از ظرفیت نیروهای متعهد و متخصص و امکانات داخلی است.

مهندسان در نیروهای مسلح تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی امری فرعی در جنگ به شمار می‌رفت، اما این مقوله در دوران پراختخار دفاع مقدس دچار تحولات اساسی و بنیادین شد و فرآیندی تکاملی را سیزی کرد. مهندسی در جنگ در مراحل ابتدایی، شامل اقدامات اولیه سنجک‌سازی و احداث تاکتیک دفاعی بود و علیرغم فقدان تجهیزه‌جنگی، مددودیت ماشین آلات و تجهیزات و سازمان مناسب، در سپریوند تکاملی خود، اقدامات سیاسی‌عظامی را بیدار و بالند شد، چنان‌چه در عملیات بزرگ فتح المکان، مهندسی مانند لشگر های رزمی پیاده و زرهی، نقش مهم و تعیین کننده ای ایافت و حقیقت در بخش موقعی، عملیات مهندسی کمودو شکر های عملیاتی را جیان می‌کرد و گاهی نیز، مهندسی با یک‌گلگی یک سری اتفاقات به عنوان عملیات فربی علیه دشمن بکار گرفته‌ی شد و فرماندهان نظامی ایران برای عملیات‌های خود بسیار به نیروهای مهندسی برای زدن پل، جاده، سیگرو... نیاز داشتند و متخصصان ایرانی با تعهدی مثال زدن ایده‌های مهندسی خود در این راستا به کار گرفتند.

نشریه پنجره در این شماره خود در آستانه هفته دفاع مقدس و همچنین به بهانه برگزاری کنگره ملی شهرهادر استان قم به موضوع مهندسی در جنگ می‌پردازد و ضمن نزد که داشتن یادداشت و خاطره شدید، اتفاقگران و رزمندگان، گوشی‌ای از تجربیات مهندسی در صحنه دفاع مقدس را پایگین نماید.

مهندسی در جنگ



صفحه ۱۲



صفحه ۱۰



صفحه ۶



صفحه ۴



صفحه ۲۰



صفحه ۱۸



صفحه ۱۶



صفحه ۱۴



صفحه ۲۸



صفحه ۲۶



صفحه ۲۵



صفحه ۲۲



صفحه ۳۸



صفحه ۳۶



صفحه ۳۵



صفحه ۳۲

دورکع

مفهوم مهندسی دینی و مهندسی غیردینی

سینا قارس نسب

با ظهور انقلاب اسلامی و ظهور راده مردمی در احیای ساختار دینی، مطالعات اطلاعاتی هنرها را به مفهوم علم دینی شدت گرفت. لزوم ایجاد رشد علمی در جامعه اسلامی در کنار پاسداشت توحید به عنوان روح معنوی جوامع اسلامی، ضرورتی به نام «مطالعات علم دینی» را در جامعه مسلمان ایجاد کرد و نظریات بسیار متنوعی در این زمینه مطرح شده است. قریب به نواد بیان، مستلزمی تحت عنوان تأسیس دانشگاه اسلامی مطرح شد. این نوع نظریات با اندیشه‌های مختلف و اختلافی بسیار، همه از یک عنوان آن هم «علم دینی» استفاده می‌نمایند. گستره این نظریات از دینی دانستن همه علم را منتفی نمایند حتی امکان علم دینی، نشان دهنده فاصله بسیار زیاد آنهاست. قبل از ورود به مهندسی دینی، اشاره‌ای به مفهوم علم دینی لازم است.

ادعای تحقق علم دینی یا تقریب به آن

تنوع ملک‌های علمی دینی آن قدر زیاد است که موجب شدن گاهی اختلاف برخی نظریه‌ها از اختلاف تعاریف اثاء شود. اما به بسیاری در شاخت ماهیت علم دینی شمرده شده، اما به نظر مرسد بهتر آن است که به جای سخن گفتن در علم دینی و غیره‌یعنی سخن از تقریب به علم دینی و غیر دینی امرا طرح کیم و به عبارت دیگر، سخن از امکان، سخن از آن است که اگر بخواهیم به علم دینی نزدیک شویم، چه راهی را بپیماییم.

مهندسی چیست؟

مهندنس عبارت است از روش و حرفة کاربرد علوم فنی که با اسقاطه از داشن فنی‌کی به ساخت و طراحی مواد ساختارها، ماشین‌ها، ابزار و سیستم‌ها و یا پردازش‌ها من پردازد و بنابر تعریفی دیگر مهندسی تخصصی است که عهد دارد ایجاد، اصلاح و بهبودگری از مجموع طبیعی، چهت طراحی و ساخت بناها و انتفاع از آفته‌های علمی، چهت مدل‌سازی و حل مشکلات به وجود آمده است.

آنها که با داشن مهندسی سروکار داشته‌اند، می‌دانند که این علم کافی شامل فرمول‌های کاملاً تجزیه، روابط کاملاً انتزاعی و علاوه ابزارهایی است که جدا از هدف جزئی تعیین شده برای آن، مثل محاسبه‌دمای ذوب یک کامپوزیت، کاربرد دیگری در بیرون جهان مهندس ندارد. نسبت و تفاوت مهندس با فیزیک، آن است که وظیفه مهندس، کشف فیزیکی نیست: «اما از محصول فیزیک و شاخه‌های وابسته آن در مدل‌سازی، طراحی و... استفاده می‌کند.

مطالعاتی درباره فلسفه مهندسی

شاید تصور شود که مهندسی تنها یک ابزار برای افزایش رفاه بشریت است و تنها کاری که نسبت به مهندسی می‌توان انجام داد، تسلط بر آن و کنترل مزه‌های توانایی در همین زمینه





دسته



طراحی انجام شده توسعه مهندسی، می‌تواند از ارات
ضد فرهنگی داشته باشد. وقتی چیزی با طراحی
مهندنسین ما معانی هم‌شود، نحوه استفاده از آن
و نحوه برخورد با آن توسط خود مخصوصاً منتقل
می‌شود و این به معنای همراهی فن با فرهنگ
است. حال گویند من تو این طراحی مهندسی فاقد
کارشناسی فرهنگی را توان این مقدمه داشتم؟
۳. شفقتکنی فن اقروی ۷ که اکنون به عنوان یکی از
آسیب‌های متداول فن شناخته می‌شود، نیاید
محبوب شود که اسیب‌های احتمالی آن بر زندگی
آنده بشریات نایابه گرفته شود. متأسفانه گاهی
آن قدر علاوه بر تولید محصولات تراز داده است که
تاثیر آن بر فرهنگ عمومی، مناسبات خانوادگی،
سلامت سلامتی و ... تواند گرفته می‌شود و این
به علت جایگاه انسانی معمولی فن در میان ماست.
فنی که قرار است خدمت‌کاری شویت باشد، نایاب در
جهت حاکمیت برآورده بیش رود.

۴. سلطنت فلسفی فن اقروی بر دیگر علوم، یکی از آسیب‌هایی، به اینه در
جامعه ایران است. باید این را با خواهای را بنشاند و بر اساس حوزه
توانایی خود، تجویزی خوش را علم نمایند. اکنون مهندسی در جامعه
ما، جایگاهی بسیار پر فیض از علوم انسانی یافته است: تا ان جاکه بسیاری از
متوانی فرهنگی از این مهندسی انتخاب شده‌اند که تخصص کافی
در زمینه فرهنگ داشته و تها ب خاطر علاوه بر عنوان مهندسی و نیز
اشتباع با تفکر انتزاعی رایج‌ترین، وارد این عرصه‌ها شده‌اند.

۵. فن اقروی می‌تواند برعی از اهداف دست نیافرته فرهنگ را تأمین کند.
همان طور که گفته شد، کند. برعی از خود خود، خواجه را به سوی
فرخای طلاقه دهایت کند. برعی اهداف از طرفی فرهنگی از طریق باری فن اقروی
مناسب خود، می‌تواند زودت و استوارتر تتفق بیدا کنند برای نهونه.
می‌توان به طراحی محصولات و بیزه استفاده معلولان و نابینایان در جامعه
اشاره کرد که می‌تواند جامعه را به رایعت حقوق و کرامت این عزیزان و طرح
اماکن بهره‌مندی برای از فرم استهای جامعه تشویق کند.

**هر پیش طرح مهندسی،
با فهم یک نیازگاری فنی این
آغاز می‌شود؛ یعنی این
موضوع که آیا مسئله
پیش روی ما، یک نیاز
حقیقی است و گر هست،
او لویست آن چه مقدار
است، بستگی به مناسبات
فرهنگی دارد و در این
جهت باید بر اساس جهان بینی
جامعه، به طراحی مهندسی
پرداخته شود.**

خواهد بود؛ در حالی که مطالعات عمیقی درباره مهندسی تحت عنوان
فلسفه مهندسی، به عنوان شاخه‌ای از فلسفه
علم، انجام شده و امروزه به بررسی ریشه‌های آن
به عنوان موضوعی مهم تکثیر شده و در همین
راستا نیز آثار سینمایی و هنری زیادی تولید شده
است. بنابراین، فلسفه مهندسی در بی شناسایی
پیامدهای فلسفی علم در کاربرد آن در مهندسی
است.

مفهوم فیزیک و علم تجربی دینی

مطالعات علم شناسانه شنان مددکه فیزیک به
عنوان ابزار اصلی مهندسی، دارای پیش‌فرض هایی
است که موجب شود داشتنمود، تظریه‌ای را بر
نظریه دیگر، ترجیح دهد. از این جهت، جهان بینی
داشتنمود برعلم تولیدی او تأثیر می‌گذارد. از سوی
دیگر، چنین علمی دارای پیش‌فرض تئوریکی
متاثر از جهان بینی ندانشمند تجربی و جامعه است
و قبی در جامعه مورد استفاده قرار می‌گیرد. می‌توانند این پیش‌فرض
بنهان خود را به عنوان گواهی صحیح، به خطاب خود تحمیل نمایند؛ زیرا
مخاطب تصور می‌کند که این گواه نیز در علم، اثبات شده است.

از نگاه دیگر، می‌توان آن گشته‌های فیزیک و مهندسی را که مبنی بر
آزمایش و تجربه است، به عنوان گشته‌های فیزیک و فعل حضرت حق
در نظر گرفت و بنابراین که اغلب از م關注ه مورد اعتماد این دین است، در دارای
معرفت مورد اعتماد این دین وارد سازده اما در این گذار نایاب فراموش کرد
که علم تجربی طبقیتی داشته و وارد داشتنست آن در اداره معرفت دینی.
نهایتاً زمان است که است دست به درست آن اطمینان نسبی داشته باشیم.

به سوی مهندسی دینی

اگر به جای سخن گفته از مهندسی دینی و غیر دینی، از تقریب به ملاحظات
دینی در مهندسی سخن کوییم، می‌توانیم با اطمینان بیشتری سخن
برانیم؛ هرچند شاید بتوان عرصه‌هایی از مهندسی را تصور کرد که به پیروی
از فیزیک جای ملاحظه دینی و غیر دینی در آن وجود نداشت باشد؛ همچوین
نظرياتی که صرفاً جنبه توجیه بدبده داشته‌اند و با یافته‌هایی که بنوان آن
راکشف واقع در نظر گرفت.

عرضه‌ای تقریب به مهندسی دینی

برخی از عرصه‌های مهندسی که امکان و ضرورت در نظر گرفتن ملاحظات
دینی در آنها وجود دارد، عبارتند از:

۱. هر پیش طرح مهندسی، با فهم یک نیاز فنی آنکه می‌شود؛ یعنی این
موضوع که آیا مسئله پیش روی ما، یک نیاز حقیقی است و گر هست.
۲. اولویت این آن که مقدار است، بستگی به مناسبات فرهنگی دارد و در این
جهت باید بر اساس جهان بینی جامعه، به طراحی مهندسی پرداخته شود.
۳. باید تلاش شود در طراحی‌ها، توصیه‌های دینی در آن موضوع، به عنوان
پیوست فرهنگی طراحی مهندسی ملاحظه شود و در غیر این صورت،

پیوست‌ها:

۱. مکلکشی، از علم سکوای نال دین، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ص ۱۴۵

۲. دکتر رشد معاشر علم دینی، فصلنامه ذهن، ص ۲-۵

۳. از علم سکوای نال دین، ص ۷

۴. Agassi, J. (1964). *The Nature of Scientific Problems and Their Roots in Metaphysics*. In M. Bunge, *Critical Approaches to Science and Philosophy* (pp. 189-211). ...: Transaction Publishers. P.191

۵. ایت الله جوادی آملی، منزالت عقل در هندسه معرفت دینی، مرکز نشر اسلام، ص ۱۴۳

۶. همان

۷. دکر، نیل است، نکوپولی، ترجمه طباطبائی

۸. منزالت عقل در هندسه معرفت دینی، ص ۲۶



مهندسی جنگ و جنگ مهندسی در دفاع مقدس

علم رسانه اندیشه

در تاریخ کشور ما (به ویژه در چند قرن اخیر) اکثر پدیده‌های را می‌توان یافته که مانند دفاع مقدس، دارای اهمیت باشد. قرن‌ها بود که ملت ما از اینکه تیک یک هجده موقع در مردمیریت یک حرکت ملی در کشور را درگیر نماید، محروم بود و قاعده مقدس را پایه‌گذاری تحریمه معاصر در ایجاد او را یک حرکت ملی در کشور به شمار آورد.

از این رو، می‌توان بررسی فعالیت‌های مهندسی جنگ و میزان نقش و اهمیت آن را به عنوان یکی از تجربیات موفق فعالیت‌های مهندسی پس از پیروزی اقلاب اسلامی، به شمار آورد. در این دوره، انجام پیوسته‌ترین طرح‌ها و مخاطره‌مندترین اقدامات فنی، در شرایطی به اجرآرد که محدودیت‌ها شامل ابعاد زمانی، محیطی، فیزیکی، چهارقایابی، تاکتیکی و استراتژیکی بوده است.

انجام تختین ترین راه‌های مهندسی در شرایط آتش بازن دشمن، شرایط دشوار آب و هوای اسپیار سرد یا بسیار گرم، وجود هف夸张ی طبیعی منتوغ، مانند کوههای صعب العبور را واجه همچنین زیست‌هایی رمل و پالایشی از جمله محدودیت‌های فوقی می‌باشد. همچنین مقابله با اقدامات و فعالیت‌های مهندسی دشمن که به فناوری‌های برتر نسبت مسلح و مسلح بودند، علاوه‌ی از «جنگ مهندسی» را به نمایش می‌گذاشت. جنگی که در یک سوی آن، خردمندان طراحان، کارشناسان و مستشاران سراسر دنیا به خدمت گرفته شده بودند و با کامل تجهیزات و تسلیحات مهندسی، پشتیبانی می‌شدند و در سوی دیگر، ایثارگرانی که بدون پیشوایه خارجی و متکی بر انگلیه‌های ایمانی و الهی، در بی بایخ سلاح داشتند نظری و علم تخصصی و مهندسی به پیشوایه تحریر و پروخواه از قوه ایکتار و نیروی خستگی ناپدیدی به جنگ مهندسی دشمن رفتند. رقتیک پیرور به در آمدند.

سر تحویل و تکامل مهندسی جنگ در دفاع مقدس

«تا قیل از انقلاب، در نیروهای مسلح، مهندسی به عنوان یک امر فرعی

در جنگ محسوب می‌شد. در حقیقت، در حاشیه آتش‌های توپخانه و تانکها، در حاشیه پیاده‌ها و سواره‌ظام، توجه اندکی هم به مهندسی می‌شد. در جنگ تحمیل ایران و عراق، این دیدگاه عوض شد و مهندسی، نقشی بسیار فعال به خود گرفت و جایگاه و نقش مهندسی در زمین، تغییر پیدا کرد. البته در روزهای اول، مهندسی زمزی، فقط به صورت سنتگزاری نمود داشت. مهم این بود که پس از حمله، سینکر ساخته شود و در مقابل حمله دشمن، ساخت سینکرها مهم بود. به مرور زمان، خاکریز هم مفهوم پیدا کرد. در عملیات‌های بزرگ، زیندانگان تیاز به احداث جایگزین داشتند و در صورت احداث، پیشروی‌ها ادامه می‌یافت. به تدریج به این نتیجه رسیده‌یم که درست گردید میان اینها میان، جزو عملیات‌مهندسی و موردنیاز جهنه است، لذا درگاهان را شناسایی و تخریب هم تشکیل شد. پس از این‌گهی و این ترتیبه رسیده‌یم که گاهی پایدگرد شکن‌های عملیاتی را با عملیات مهندسی جبران کنیم، مثلاً برای یک عملیات، ۱۰ لشکر خواستیم؛ اما به جای ۱۰ لشکر، ۵ لشکر باید داشتم. پس باید آن کمودر را با عملیات مهندسی روشن کنم. می‌دانم که این روش می‌دانم که این طور بود. در عملیات قلعه‌المیین، به نظر می‌رسید اکرا مازیک در پشت رقایه درآییم و دشمن را به محاصره درأوریم، کمودر آن سه لشکر ماده را با عملیات مهندسی روشن کنم. می‌دانم که این طرح‌البیان این طور بود. در این عملیات قلعه‌المیین، به نظر می‌رسید اکرا مازیک در پشت رقایه درآییم و دشمن را به محاصره درأوریم، کمودر آن سه لشکر جبران خواهد شد. عددی از دوستان مهندسی اعلام کردند این کار ۲۰ تا ۳۰ ماه طول می‌کشد؛ در حالی که این کار مهم توسط نیروهای مهندسی، ظرف حدود ۵ روز با تکمیل از مواد محقق شد، یعنی تندگی ای که قطع با موتور قابل تردید بود را طوری شکاگفتم که ماشین هم می‌توانست آزان عبور کند. خاصیت این تندگی این بود که ما را بست سر نیروی دشمن می‌سازند. همراهان با حمله چند شکر از خط مقدم، به طبق این ابتکار مهندسی، لشکر ای که ایم احمد کاظمی فرماده‌اند بود از زیلان عنور دادیم که به پشت سر دشمن نفوذ کردند و عملیات انجام شد.

بعد از عملیات‌فاو، عملیات مهندسی طور در پوشش و اختلافهای



نشدیم، مگر اینکه مهندسی رزمی در آن نقش تعیین‌کننده داشت.^۲ در واقع، یکی از جزویهای مهم چند مهندسی دفاع مقدس بود که در ابتداء با نظریات محدود، مأشین آلات اندک و تجربه مختصر، آغاز شد؛ ولی به سرعت پیش‌گرد و سبب خلق ابتکارات عظیم و واشکوهی شد که از نظر نوع، اندازه و موقعیت اجرای آن، در طول جنگ‌های دلیا، به نظری بود. عملات‌های مهندسی رزمی دوران دفاع مقدس، شاهکارهای از جنس اراده و خواستن و درنهایت توانستن بود.

سازمان‌های اصلی و موثر

در تبیین سیر تحول سازمان مهندسی جنگ در دوران دفعه مقدس، اشاره به سازمان‌های اصلی و مؤثر در صحنه‌های نبرد، قابل توجه است. عمدتاً نیروهای مسلح شامل سپاه و ارتش از یک سو و چهاد سازاندگی، از سوی دیگر، در این ارلین، نقش تعیین‌کننده‌ای داشتند. تاسیس چهاد سازاندگی، قبل از چند و براز رسیدگی به مناطق محروم کشور بود، اما وقتی چند بر ایران تحریم شد، نیروهای چهاد سازاندگی، با عنوان «استنگاسازان» یعنی سنگرهای بسیار بجهه‌ها رفتند و با همان امکانات محدود، به گم رزمندان شناختند که از سنگرسایی گرفته تا ساخت حاکیز و حتی قرارگاه‌ها و سنگرهای بتونی و سولوهای بزرگ و متفعلی برای پیامگاه، خدمات پیغایی داشتند؛ اما ارتشد و سپاه هم در سازمان خود، امکاناتی برای این نیازها اشتند. یکان مهندسی سپاه، فعالیت خود را با یکی دو دستگاه شروع کرد و در حصار آبدان، با سازماندهی اولیه، در شکل تیم

گرفت که دشمن متوجه آن نشد و در کنار آن، عملیات مهندسی برای فریب دشمن در منطقه خبر را اخراج دادیم؛ یعنی توجه دشمن را به منطقه عملیات خبری جلب کردیم و در قاآ، عملیات شبانه مهندسی انجام دادیم که اینکه دو عملیات مهندسی همزمان نیز داشتمیم؛ یکی اینکه در خبری جاده می‌کشیدیم، سترگر و سوله می‌زدیم و وامنود می‌کردیم که می‌واهیم حمله کنم؛ در حالی که عملیات اصلی ما ۲۰۰ کیلومتر پایین تر بود و در آن نقطه، کار مهندسی شبانه، حتی با چراغ‌های ناموش، انجام می‌شد. هرگز چندین چیزی ساقمه نداشت و در هیچ آینین‌نامه‌ای نمی‌تواند بینید که مهندسی، توان خور را در قالب یک عملیات فریب علیه شدم؛ من به کارگریه باشم^۳.

در جنگ تحملی عراق عليه ایران، جایگاه مهندسی رزمی در نیروهای ساحلی به تبع شرایط خاص جنگ تغییر کرد و در تمام مراحل نبرد، شامل مراحل انتباش و احتمام اقدامات اولیه تا ساخت سترگ، احداث خاکریز، جاده بل و نظایر آن، دارای نقش فعال و تعیین‌کننده گردید. مهندسی رزمی، دارای کارکردی چندمند نظره و چندگانه گردید که می‌توانست با پالپیهای انعطاف‌پذیر، در هر صحنه‌ای حاضر شود و به تناسب شرایط، به نیازمندی‌های باسخ در مردم ارائه نماید.

اپیروزی ما در دفاع مقدس، مرهون عوامل مختلفی بود که یکی از آنها ابتکار عمل و خلاقیت زرمدگان ما بود که محور ابتکار عمل را مهندسی رزمی، به پهلوانی شکل ممکن در دست داشت. یکی از ستون‌های اصلی این پیروزی بود، ها به نظر من

پیروزی ما در دفاع مقدس، مرهون عوامل مختلفی بود که یکی از آنها ابتکار عمل و خلاقیت زرمدگان ما بود که محور ابتکار عمل را مهندسی رزمی، به پهلوانی شکل ممکن در دست داشت. این پیروزیها به نظر من

پیروزی ما در دفاع مقدس، مرهون عوامل مختلفی بود که یکی از آنها ابتکار عمل و خلاقیت زرمدگان ما بود که محور ابتکار عمل را مهندسی رزمی، به پهلوانی شکل ممکن در دست داشت. این پیروزیها به نظر من



رژیم نگاه کنیم و آن هم متناسب با جنگ خودمان! ۴

به این ترتیب، با وجود نبود تجربه کافی در این زمینه، محدودیت های سعده و پیشرفت خود را به موازات مراحل مختلف نبرد، ط نموده و روز به روز دارای نقشی فعال تر و حضوری پر فایده تر در عرصه های مختلف دفاع مقنس کرد. بدین صورتی که بگفته فرانسه ها اصل حجه نبرد، تو است در پرخواهی عملیات ها مانند فتح المبین، همچون لشکرهای رزمی، دارای نقش تعیین کننده شد. همچنین در سیاسی موادردگیر نیز تو است خلا ناشی از تمدید لشکرهای علیمانی را جبرا نموده و پادر نقش خطشکن آها اقدام نماید. علاوه اقدامات مهندسی می تو است در مناطق تقیق شعلمنی فریب را ایفا کرد و با انجام فعالیت های دشمن را به سوی دیگر و چجه های مهندسی سپاه، با نیروهای جهاد سازندگی و وزارت خانه دولت و پشتیبانی از شعبه های رزمنده وارد عمل شده و سنبولت انتقال و پور از مواعن ساخت کوششانی و آن را بر مهد کرد. بر جسته زیرین و پیزی که مهندسی مهندسی مرا در طول مذاقع مقدس و دوران پس از جنگ، از مهندسی سایر عرصه های نبرد و همچنین کشورها تمایز می کند، اخلاص عمل و دلسوزی آنها بود.

آنواع مهندسی جنگ

در یک رویکرد کلی، فعالیت های مهندسی جنگ را متناسب با نیازهای مقاطعه زمانی مختلف این، می توان به دو بخش عمده «مهندسي دفاع» و «مهندسي هجوم» تقسیم نمود:

۱. مهندسی دفاع

این مهندسی همچون سندی در برایر دشمن و حصني برای نیروهای خود عمل می نماید. لذای منظور فراهم کردن شرایط مناسب برای تأمین پشتیبانی های زمینی، حمایت های فرودگاهی در موقعیت های مقاعده جهه های نبرد، از طریق جنگ آئی و با کمک به نیروهای مدافعه سرمهزنی با برخی از اقدامات مهندسی، همچون استحکامات کمرنده ای قفاره، مانع آنی بر سرمه شدن، سبب زمین گیر شدن زره دشمن گردید. همان گونه که در مرحله اولیه تهاجم افقای کردنده دشمن در شروع جنگ تحمیلی، مهندسی به عملیات انتقال آب به دشت هوتوسانتن توپه سد سد سد شریف کمال شهید چمران و کمال غبار و نظری آن، با ایجاد مواعن آبی بر سرمه شدم، سبب زمین گیر شدن دشمن، سلیمان شده و دشمن مجوره توقف شد. همچنین پس از تقویت پیشوی دشمن، مهندسی با عملیات اجرای خاکبریز تعجیلی، کمال در، راههای دسترسی سنگر و مواضع دفاعی نیروهای خود را راهی داده، به گونه های که هر گونه تحرك از دشمن، سلیمان شده و دشمن مجوره توقف شد.

۲. مهندسی هجوم

شامل پشتیبانی رزمی نیروها در دو گام می شود.

مهندسي و در طریق القدس با گروهان مهندسی و در فتح المبین و بیت المقدس، به صورت گردان مهندسی در خبر و بدر، به صورت تیپ ها و لشکرهای مهندسی، وارد صحنه عملیات شد. در مقطعی همراه با گردان های ارتش، ادامه شدند تا با توجه به نوع عملیات و محیط های فریابی، مشغول به کار شوند. ترکیب اقدامات مهندسی جهاد سپاه و سازمانهای باعث ایجاد راه را توسعه یافت که کارشان حتی پس از جنگ هم ادامه یافتد.^۵

وکی و کار مهندسی در سیستم تکاملی پایگاه اعلامی و فنی مهندس رزمی، برخورد تکنیکی آن است. اینکه چطور از مواعن سیمهمی های خاردار عبور کردد و ایجاد چشمگیر پل تصب کردد و نظاری آن، اینها بسیار ارزشمندند و از این این اوضاع را زاده در این اوضاع مخصوص وجود دارند: اما چنین بخود را تأثیرگذار باشدند.

راده همین ساخته ها و مشقات جنگ باید جست. اکر امام را اورده بودند حرفت کنیم، بعضی بر از جمهور از مهندسی رزمی را دید و هم جنبه نقشی که مهندسی رزمی در این نقش را نداشتند را در جنگ ایران و عراق نهادند. استفاده از علم و مهندسی مطلوب ننمی گرفتند، استفاده از علوم مهندسی رزمی در سازمان نیروهای انقلابی، تنک، باستی ارتباطاتگذانگ با مسائل اعلیمانی و تجارب تأثیرگذار و عملیات هشت سال دفاع مقدس داشته باشد. نقشی که مهندسی رزمی در جنگ غربی دارد، با نقش مهندسی رزمی ما مقاولات است. باید هم جنبه تکنیکی و تأثیرگذاری مهندسی رزمی را دید و هم جنبه عملیاتی آن را در جنگ ایران و عراق نایاب شد که مهندسی، تنها در تأثیرگذاری و تأثیرگذاری از دیدگاه ایجاد و حفظ شرایطی، ممکن است از دیدگاه استراتژیک هم به مهندسی رزمی نگاه کنیم و آن هم متناسب با جنگ خودمان!



۳. جنگ مهندسی با هجوم دشمن

شامل فراهم ساختن شرایط مقابله و دفاع در برابر هجوم دشمن و کاهش تاثیر سلاح‌های آتش باری.

☆☆

همان طور که مشاهده شد اقدامات و فعالیت های مهندسی جنگ، در شرایط بحرانی و درگیری صحنه های نبرد، قابل شناسایی است. وجود مهندسی جنگ، در سپاهی خود را به دلیل غیرقابل پیش بین دادن احیاط بین زمان و مکان و مامکانات، در اختیار حرث مقابله است و این در حالی است که تعداد بیرون از تعداد غیرموقعه شناس از تغییرات ایجاد شده بسیار بزرگ است. این اتفاقات بروز خواهد شد و مهندسی جنگ، خودی باشد و تغییر در پیش فرض های عملیات نیز موجب تغییرات اساسی در انجام فعالیت های آن می گردد. به این دلیل و نیز قابلیت تغییر و انعطاف در زمان اندک، مطابق با شرایط و مقتضات عملیات، مهندسی جنگ، اهمیت خاصی می پیدا. به عبارت دیگر، مهندسی جنگ، برخلاف مهندسی غیرنظامی، در پیش تواریخ، دارای ماهیتی پویا شرایط غیرابتدا و غیر قابل پیش بینی است.

در مواجهه با چنین شرایط دشوار و استثنایی میدان نبرد، طراحان متخصصان و مهربان طرح‌های مهندسی جنگ، توانستند با درک نیازمندی‌های دفاع به نزهاتی‌های فلک اعماق، با ساخت اسکله‌ها و انگوشه‌ها و پویا آتوماتیک‌های موچب دشکاف بینی علم، تجزیره و ایمان، به شاستگی ب درستی این راه را ایجاد کردند. می‌توان گفت این ایجاد ابتدا باشد.

- ۱- رضایی، مهندسی چنگ، گزیده مقالات اولین همایش مهندسی زیری سپاه، استفتاد، ۱۳۷۶ ص. ۱۴-۱۳.

۲- مهندسی چنگ، گزیده مقالات اولین همایش مهندسی زیری سپاه، استفتاد، ۱۳۷۶ ص. ۱۴۵-۱۴۳.

۳- علی ابراهیمی، روزبه مختاران، طرح افزایش پهنای پل، ۱۳۷۶ ص. ۱۴۵.

۴- رضایی، مهندسی چنگ، گزیده مقالات اولین همایش مهندسی زیری سپاه، استفتاد، ۱۳۷۶ ص. ۱۴-۱۳.

۵- علی اکبر هاشمی، فتحنخا، خبر آنلاین، ۱۳۹۵ ص. ۱۰-۹.

در کام پکم، با شیوه‌نامه زمزی نیروها از طریق کمک به بازیس گیری مناطق اشغال شده از دست شمن می‌شود که در این عملیات‌ها نیز از توانمندی هندوزیان یک جزئی اساسی به شمار رود. به گزینه‌ای که امکان پذیر است، ارتباط رزمی چون جنگ ایجاد پشتیبانی از پیشوای رژیم‌دانان، تامین گرد و فربود از این مهمات را ایجاد کنید و احتمالات ایجاد سریعه روزانه‌ای از عملیات قربت داشته باشد. از افراد توپل و سوت گردید و بین گوئه هندوزیان، با اقدامات خود، از پس گیری مناطق اشغالی، شروع بهی اتفاق نماید.

در کار بعدی مهندسی همچوں، رومزدگان مهندسی، باقه ایکار و خلاصتی
بنی تغیرات، محنت‌های بیداری در طول چنگاه دنیا کردند.
ساخت و نصب پل شناور خیرپا در سال ۱۹۰۲ کیلومتر بر روی دریاچه هر بری
در سالهای تغیر و بعد این احداث چاده بربری دریاچه هر بری
اتصال به جزایر مجنون و همچنین ساخت و نصب پل شناور و متحرک و
تیر پل مطمئن لوله‌ای و فخر بر روی سستر رودخانه خوش آمدند.
همچنین چه کاهش فاصله زمانی درمان مجموعین از خطا مقدمات
عمل، عمل ایرانستانه امن و مستحکم و مجهز مانند مقدمات ایرانستان
فاطمه‌الزهرا، علی این ابیطالب به صورت قطعات بتی با فلزی پیش
ساخته، طرحی و احداث کرد که در هیچ یک از چنگاه‌های دنیا ساخته

مباحث حضور مهندس دی حنگ

از منظر دیگر، نقش مهندسی جنگ را می‌توان به سه مرحله ماموریت تقسیم نمود:

۱. اقدامات قبل از عملیات یا مهندسی، آماده سازی

شامل احداث و ترمیم جاده های پشتیبانی، ساخت مواضع و سکوهای آتش، احداث استحکامات و ساخت بیمه رسانه های صحرابی، قرارگاه های عملیات، راهگاه های مهمات و پیش بینی های لازم جهت مراحل بعدی عملیات، منداد آمدگی نصب پل و غورا کار آثارهای همواره مصنوعی دشمن ...

۲. اقدامات حین عملیات یا مهندسی رزمی

شامل اقداماتی از قبیل جنگ آبی، احداث معابر در میادین مبنی احداث شده دشمن، ایجاد موانع و مواضع تعبیلی و تا خیری در حرکت نیروها، مانند حاکریز، جاده های موقت پشت خطوط مقدم جبهه و احداث استحکامات در خط احداث باهای عینه و ...

۳- اقدامات بعد از عملیات

شامل اقداماتی از قبیل تکمیل و تحکیم موضع دفاعی، جاده‌ها، استحکامات پایاچاد موقعت جدید و...
انواع حنگ مهندسی
بر اساس آنچه هنگه شده، می‌توان سه نوع «حنگ مهندسی» را در هر یک از
محاجه‌ها، پروژه‌ها، فرآیندهای انسانی، داده‌ها، نمونه‌ها،
...

Digitized by srujanika@gmail.com

شامل جنگ با مواد مصنوعی ایجاد شده توسط مهندسی جنگ دشمن می‌باشد. این اقدامات عمدتاً نتیجه اتفاقاتی از اقدامات دشمن است و معمولاً در پی این اقدامات دشمن کارهای سیاسی

خادمان، خاکبز، دزهای مستحکم

۲- جنگ مهندسی بامواون طبیعی

شامل فراهم ساختن شرایط عبور از موانع طبیعی یا در حیطه نیروهای خودی قرار دادن آنها همچوین عبور از ازلاقات سخت و صعب العبور یا باستانی آنها نباید باشیان، نباید با اتحاد تسمیلات دفاع، آن...

- ◆ ایجاد و توسعه گارها و فراهم کردن طردها و پلها
- ◆ راهنمایی‌های لازم در مورد عبور از پلها و گدارها
- ◆ نصب موانع حفاظتی در پهلوی نیروهای تکاور
- ◆ تهیه اطلاعات مورد لزوم مهندسی فراهم کردن آب قابلحمل و ناتی برای پیگانها
- ◆ فراهم کردن و بروکردن پیهگاه‌ها
- ◆ وظایف مهندس زمزی در حرکت برای اخذ تماس، عبارت از:

 - ◆ هدایت شناسایی‌ها
 - ◆ کاهش موانع با برداشتن و یا تخریب آنها
 - ◆ کمک در عبور از تنگه‌ها و شکافها
 - ◆ ساختمان و احداث راههای قابل دورزن
 - ◆ مرمت و توسعه جاده‌های موجود
 - ◆ استقراریل برای عبور از بریدگی‌ها
 - ◆ احداث راههای فرعی برای حرکت و تخلیه نقرات و آدانهای مهندسی در عملیات پدافندی، چهار نوع کار اساسی زیر را انجام می‌دهد:

 - ◆ تحرک
 - ◆ ضدتحرک

- ◆ کاربرد گانه‌های مهندسی مأمور به تیپ:

 - (۱) اجرای شناسایی مهندسی؛
 - (۲) ساختمان، مرمت و نگهداری راهها، گذارها، گدارها و پل‌ها (شناثور و تابات)؛
 - (۳) ایجاد تأسیسات پدافندی و پناهگاه‌های پست فرمادنی؛
 - (۴) تهیه ایندیشان (آزمون) و تخصیص لازم می‌توانند مقابله در برای حرکت دشمن (اضطراری) باشد.
 - (۵) تهیه تجهیزات لازم و اعزام افراد مهندس آموختن دیده برای عبور از رودخانه و حمله به مواضع مستحکم؛
 - (۶) تهیه و تدارک آب و سایر خدمات آمدادی مهندسی؛
 - (۷) کمک به حرکت گانه‌های زمزی در زمین‌های سخت و ایجاد معبر در مواعده؛
 - (۸) احداث و برداشت انواع موانع مصنوعی، از جمله میدانهای من، شبکه‌های خاردار و خندق‌های دستگاه و غیره.
 - (۹) مهمترین منظور از کاربرد سیستم‌های مهندسی در آنقدر، از داده تحرک گانه‌های خودی (از داده تحرک) است و برای این کار لازم است در سیستم مهندسی در عملیات اقدامی، به شرح زیر است:

 - ◆ شناسایی فنی و مهندسی
 - ◆ تعمیر جاده‌ها و تسهیل عبور و مورور
 - ◆ تعریض کوره‌ها و توسعه جاده‌ها

از جمله عوامل فیزیکی (محسوس)، زمزی که قطب‌آزاد، کلیه برد هم وارد استفاده قرار می‌گیرند، گانه‌های پشتیبانی زمزی و از جمله گانه‌های مهندسی زمزی هستند که با بهره‌گیری از توانندگی‌های امکانات و تخصصات لازم می‌توانند با تسهیل حرکت دشنهای خودی (تحرک) و مقابله در برای حرکت دشمن (اضطراری)، باعث افزایش توان زمزی گانه‌های مانوری در عملیات‌های اقدامی و پدافندی گردند. این گانه‌ها، عناصر سامانی تیپ‌های پیاده، زرهی، هوابرد، پیاده مکانیزه و گردان‌های مستقل (در صورت وجود) می‌باشند. مأموریت اصلی این گانه‌ها، افزایش قدرت زمزی تیپ‌های گردان می‌باشد.

وظایف

- به طور کلی، سیستم مهندسی، سه وظیفه اصلی و عمده‌دار نزدیک به هدف دارد که عبارتند از:
- ◆ افزایش و حفظ مانور نیروهای خودی (از داده تحرک)
 - ◆ محدود کردن مانور نیروهای دشمن (اضطراری)
 - ◆ افزایش قابلیت بقا و دوام نیروهای خودی (مانگاری)
 - ◆ وظایف کلی گانه‌های مهندسی زمزی، عبارتند از:
- (۱) تهیه طرح‌های ستادی مهندسی و نظارت در



مهندسی زمزی و وظایف آن

ابراهیم ایجادی، عباس ابراهیمیان





عملیات می‌شود. کلیه یگانها در ارجاد و بهبود موضع مهندسی شرکت می‌کنند، اما یگان مهندسی، کار تخصصی مربوط به این موضع را انجام می‌دهد. با توجه به توان رزمی نیروهای فراموشکاری، کلیه طرحهای مهندسی باید بر اساس استفاده از صیغه از زمین، طرح ریزی و از نتش زمین به عنوان یک عامل برترساز در مقابله با این نیروها، استفاده کرد.

وظایف مهندسی رزمی در جنگ شهری

خلاصه اقدامات مهندسی رزمی در جنگ شهری، می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

- ◆ خروج گذاری لوله‌های گازیزبرخواز، به نحوی که قابلیت انفجار از راه دور را داشته باشد.
- ◆ خروج گذاری و مین و مکانیم مخفی مادین ورزش، میادین شهر، محروم حیاطهای نزدیک، و پشت بهامیه مناسب برای قروه، فروگاهها و پشت بهامیه مناسب برای قروه، جهت مقابله با بالرد و هوابرد دشمن، به نحوی که قابلیت انفجار با تکنریز راه دور را داشته باشد.

- ◆ خروج گذاری مدخل رویدی و پلهای شهر در هر بخش معجزاً از انفجار از راه دور.

- ◆ خروج گذاری طبقات و راه پلههای مختلف برای پاکسازی به نحوی که امکان انفجار از راه دور را داشته باشد.

- ◆ خروج گذاری مدخل رویدی متزهوها، زیرگردرهای کانالها و آگوی اتصالات برای ممانعت از نفوذ دشمن از طرق آتیها.

- ◆ تهیه موضع مستحکم در زمین خانه‌ها.

- ◆ آماده نمودن بلوهای سیمانی و سامانه‌های سد موضع برای مقابله با ادوات رزنه و مکانیزه دشمن.

- ◆ خروج گذاری کناره‌های خیابانها، زیرگرهای و کوچه‌های برای انفجار از راه دور در هنگام هجوم دشمن.

- ◆ تعیین و خروج گذاری سازه‌ها که با پیش آنها ایجاد موضع عمده در تحرک زرهی و پیاده دشمن به وجود آورد.

- ◆ تعیین و تهیه راههای تفرقه و عقب‌نشینی در حومه و داخل شهر برای مدافعین.

بهره‌مند گردد؛
◆ در صورتی که قبل از اشغال موضع لازم باشد به وسیله یگانهای انزویر، موافع آماده گردد؛
◆ ساختمان موضع خارج از محدودات یگانهای پیاپی گذند باشد.

در پیاپی موضعی ای، برای اینکه هنگام استقرار در کارگاههای پیاپی گذند، مراحت و مشکلات ایجاد نشود، باید همکاری و معاونی ایجاد نمایند. چنانچه موقوفتی اجازه دهد، تا ماده شدن موضع، برای جلوگیری از نفوذ دشمن و اوراردن نفلات زدای نیروهای خودی، می‌توان این روش را معمولی پیشنهاد را وسیله موضع معنوی سیک ایجاد کرد. برای این موضع، روش مؤثر برای ایجاد موضع در زمینهای غصون، تیربیز بل روی رودخانه‌ها می‌باشد. در این مرحله، شناسایی روی محلهای تخریب، ایجاد موضع و ساختمان راههای مورد نیاز برای نیرویی که ماموریه تک می‌شود، انجام می‌گیرد.

۲. سد موضع: معمولاً هر یگان رزمی، مستول ساختمان آن قسمت از موضعی است که در داخل موضعی موضعی واقع شده است. این موضع معمولاً برای یگانهای پیاپی بازره، پیاپی دشمن، به مقارت و نگهبانی شوند. در پیاپی موضع، ایجاد و ساختن موضع، به در پیاپی تأخیر، یکانهای مودون مدمم به کار می‌روند، ولی برای حفظ از ادای و حرکت نیروهای مانور گذند. بايد توجه داشت که معمار و شکافهای کافی برای حرکت یگانهای خودی به تطبیق گردد. بايد توجه داشت که معمار و چلو با عقب و یا مناطق مجاور به منظور حفظ موضع موجود و آماده باشد.

سامانه مهندسی در جنگ ناهمتران

◆ تحرک، امکان ایجاد یگانی برای دشمن در عملیات مقابله با رزمکاهی برای رزمکاهی دشمن یکی از اصل ترین وظایف یگان مهندسی است. یگان مهندسی باید بتواند مسیرهای امن و پوشیده برای حرکت یگانهای خودی ایجاد کند.

◆ عملیاتی، شامل برقراری موضع در زمین ناسیس، تهیه موضع جنگ‌آفرهای و خوبی بل و جاده‌ها و کمین‌های انفجاری.

◆ اجرای طرح پیاپی گذنده و همچنین عملیاتی دو دشمن غیرعامل و همچنین سد گذنده.

◆ حفاظت از آمادگی رزمی یگانها تا قبل از درگیری قطعی با دشمن.

◆ پشتیبانی عمومی؛ شامل تهیه آب آشامیدنی و تهیه اطلاعات فتنی در مورد زمین منطقه

◆ مدام است کار
◆ پشتیبانی عمومی

از جهات عمل الای، عمل ضدتحریک، بیش از همه در بیان مورد نظر است؛ اما در نظر گرفتن سه عامل دیدگیری تأثیره سرایی در توان زمین یگان پشتیبانی شده دارد.

پیاپایهای مهندسی در تهیه موضع دفاعی و استقرار سیستم سد موضع در منطقه پیاپی، به طور پیوسته و مدام این روش ایجاد و نظارت این موضع انجام می‌گیرد.

۱. شناسایی؛ شناسایی مهندسی در عملیات پیاپی، همانند شناسایی مهندسی در عملیات ایندی، باید به طور پیوسته و مدام این روش در این مرحله، شناسایی روی محلهای تخریب، ایجاد موضع و ساختمان راههای مورد نیاز برای نیرویی که ماموریه تک می‌شود، انجام می‌گیرد.

۲. سد موضع: معمولاً هر یگان رزمی، مستول ساختمان آن قسمت از موضعی است که در داخل موضعی موضعی واقع شده است. این موضع معمولاً برای یگانهای پیاپی بازره، پیاپی دشمن، به مقارت و نگهبانی شوند.

یگانهای مهندسی، پیاپایهای موضعی و ساختمان موضع، راههای امن و پوشیده و مصروف تهیه و ایجاد موضع، به صورت تهیه و قن و در راه ایجاد از موارد، با ایجاد ایجاد کرد. می‌مانند. ضمناً در موضعی که بکی از شرطیت زیر وجود داشته باشد، یگان مهندسی ممکن است راساً مستول انتخاب محل و ساختمان موضع و با موضوع سد گذنده گردد.

◆ هنگامی که ساختمان موضعی با موضوع سد گذنده، به تجهیزات ویژه و تخصصی نیاز داشته باشد؛
◆ چنانچه و عقب باز پیاپی ایجاد یگان دیدگیری ممکن نیاشد؛
◆ همه یگانهای از کار مهندسی که انجام می‌شود



ویژگی‌های مهندسی دفاع مقدس

در دوران دفاع مقدس، مهندسی رزمی، اقدامات گستردگای را در تمام خصوصیت نزدیک و عقبه منطقه برای کاهش تلافات نیروهای خودی و استحکام صحنه دفاع و تراکم انسان تردد و پشتیبانی رزمدگان انجام داده است. علت این حجم وسعت خدمات رسانی، ناشی از ویژگی‌های خاصی بوده است که مهندسی رزمی و نیروها و مدیران آن داشته اند که در این نوشتار تبیین شده است.

مهندسي رزمي در شکل گيری خط دفاعي، پشتيبانی در عمليات و زين و بعد از عملياتهاي رزمدگان و نيز مناطق پدافندی و نقاط استقراري يگانها داشته و تأثير زيادي در سهوفات امر دفاع و نيز ارتقا امنيت جان و خسارات مادي دارا بوده است.

مهندسي رزمي در دفاع مقدس داراي ويزري هاي بود که شايد بتوان گفت نسبت به سایر مهندسي رزمي هاي ارتش هاي جوان مقاومت بود و آن اينکه به دليل پيوند خود را مهندسي رزمي با روحيه ايمان و توکل الهي رزمدگان، با توقفيات از سوي خداوند معالم همراه بود که اين توقفيات اغلب در قاب خاقيتها و ارادات گواگون بروزگر و البته بايد گفت که از ظرف علمي نيز موادر مختلف همچومن كمده مهندسان، روابط خوب ميان فرماندهان و رزمدگان و نيز روابط بين رزمدگان، ارتباط ميان پيگان هاي مهندسي رزمي ارگان هاي مختلف و... عوامل گوكانوبي بود که ببيب مهيا شدن زمينه نصر الهي گردیده بود. لذا مهندسي رزمي رزمدگان در دوران دفاع مقدس، با خلاقيت هاي گواگون در عرصه هاي مختلف و استفاده همه جانبه و بهينه از مکان، زمان و امكانات موجود تلقيق یافته بود. علاوه بر اين، جهان بیني که هرگونه ايشانگری از خود بروز داده و در اين راه نهاي تلاش خود را به کار گيرند و اساس پيرهيزند.

در اين يادداشت به برضي از ويزري هاي حاكم بر خواصي مهندسي رزمي در دوران دفاع مقدس که متأثر از تعاليم اسلام بوده و به مهندسي رزمي در دوران دفاع مقدس اثرات مثبت گذاشته و به آن ويزري هاي خاصي بخشیده بود. اشاره مي گردد.

ویژگی‌های نیروهاي انساني مهندسی رزمي در دفاع مقدس

نیروهای انسانی در مهندسی رزمی، مهمترین نقش را دارا می‌باشند و اگر با احساس رضایت از کار و تلاش بر وقفه، مستمر، ایثارگرانه و خلاقانه به کارشان پردازند، می‌توانند سبب خلق اثمار بديع در امر مهندسی رزمی گردند. برضي از ويزري هاي نيزرو انساني در دوران دفاع مقدس چنین بوده است:

- تکلیف مداربوون فعالیت افراد، به اهداف کمک به جهه حق در برآيد دشمن
- آگاهی افاده از هدف كل رزم و اعتقاد و ايمان به آن هدف
- توکل به خدا و استعداد ازاو
- اميد



دف داران در رزمی سی

مهندسی رزمی و مهندسی پشتیبانی رزمی به طور همزمان و با در یکی قابلیت زمانی کوتاه در عملیاتها و کسب قابلیت‌های انعطاف‌پذیر متناسب با فضای نزدیک رفتار متفاوت عملیاتی که منجر به مریت رزمندگان اسلام بر مقدور است بزرگ شدنی می‌باشد. پیشنهاد در ساختار سازمانی و پژوهه مهندسی رزمی دارد. اهم این ویژگی‌ها به طور اختصار جزئی است:

- ساختار سازمانی انعطاف‌پذیر متناسب با شرایط و نواحی جنگ
- همکاری مطلوب بین تیمهای مختلف مهندسی

نوع خاص ارتباطات سازمانی بین افراد و واحدهای سازمانی

- ارتشی‌های فرهنگی سازمان (همچون فرهنگ ایثارگری، اطاعت‌پذیری، تعهد و ...)
- شناختی، کشف و رشد نیروهای بالقوه موجود در رزمندگان

افزایش انگیزش درونی و کاهش انگیزش بیرونی

- تحمل نزدکی یک الگوی خاص
- حمایت، پشتیبانی و تشویق نیروهای خلاق

مبادله آزادانه اندیشه‌ها و تفکرات

- پژوهش از بروکارهای اداری
- استفاده از تبروهات مردمی و سازماندهی آنها
- ایجاد روندی تکاملی

- ۹ -

سخن باشان

ضرورت دارد این روحیات و ویژگیها، مدون گردیده و پخش آرامش‌بخش مهندسان و مدرسان و غیره بدان احتمال داده می‌شود تا این روحیات معنوی و سازنده در نظام مدرستی و امور مهندسی سازی و جایی منشد. در این صورت از تواند اثکار بوده و بسیاری از مشکلات موجود را مرتکب نماید و تمرات بالندگای را بیش از گذشته برای کشور به همراه آورد.



- احساس رضایت از کار
- وجود فضای عزت بخش برای نیرو
- فرهنگ عمل به طبقه
- دارا بودن هویتی فراتر از مسئولیت شخصی
- اعتقاد به نفس
- فقط روحیه خطرپذیری و حسارت
- اطمینان و آرامش روحی و روان در کار
- خودکنتری ناشی از داداری

ویژگی‌های فرماندهی مهندسی رزمی در دفاع مقدس

فرماندهی واحدهای مهندسی در دفاع مقدس، به نحوی بود که ساختن ترین اقدامات مهندسی در دشوارترین صحنه‌های نزدیک و در کوتاه‌ترین زمان ممکن موروث می‌گرفت و این امر امکان پذیر نبود. مگر به واسطه پرخی از ویژگی‌های فرماندهی در مهندسی رزمی دفاع مقدس، علاوه بر ویژگی فوق، پرخی از این ویژگی‌ها عبارتند از:

- ارتباطات دوستانه و برادرانه بین زیردست و مأمور
- درکریشن شدن فرماندهان در امور اداری پیچیده و بروکارس منفی
- دوری از خودبینی
- مشورت گفتو و پذیرش نظرات
- دادن فرصت برای بیان احساسات مثبت و منفی
- انتخاب و ارتقاء اصلح
- بشکار در بهتر رسیدن مامویت‌های محوله
- ...

اوین ویژگی‌ها، هرگاه را بالا خواهند تقوی الهی، توک، صبر و استقامت نیروهای مهندسی رزمی توان می‌شد. زمینه نصرت نیروهای را فراهم آورده و شاگردی در امر مهندسی رزمی خلق می‌گشته و این چنین بود که همچون پل خیر، پل بعثت، پل خمر و سیپای از طرح‌ها و ابتکارات بزرگ در زمینه مهندسی رزمی آفریده شد و چشم چهانی را خیره ساخت.

ویژگی‌های ساختار سازمانی مهندسی رزمی در دفاع مقدس پویایی و انعطاف‌پذیری سریع در دفاع و انجام سه ماموریت آماده سازی،

مهندسی در هیچ زمانی از دفاع مقدس بی کار نبود

گفت و گو با سردار محمدوفایی، فرمانده سابق قرارگاه سازندگی خاتم الانبیا

سردار محمدوفایی یک از مناسبات‌ترین چهره‌های است که می‌تواند درباره مهندسی جنگ سخن بگوید. سایقه، تخصص، تجربه و مسئولیتی در مهندسی سپاه، به گونه‌ای است که گفته‌هایش اهمیت مغایق‌مندی‌هایی دارد. آن‌تئه تعجبی هم ندازد: زیرا خود را متعاقب به مکان و زمانی می‌داند که معقد است با وجود معجزه‌های توائیست با چنگ، از هیچ به همه پیز برسد؛ به طوری که امروز هم می‌توان با تکیه بر همان مدیریت، سنگین‌ترین پروژه‌های شکور را مدیریت کرد. توائیست مهندسی سپاه در طول هشت سال دفاع مقدس شکل گرفت و تجربیات مهمی از نظر سازماندهی و اجرایی دست اورد.

متن زیر گفتگویی است با سردار و فایی، فرمانده سابق قرارگاه سازندگی خاتم الانبیاء که به عنوان بازوی مشترکی سپاه در سازندگی شکور یکی از بنیگریرین و قویترین پیمانکاران داخلی در اجرای پروژه‌های عمرانی پیش از زمان تأسیس آن در سال ۶۸ تاکنون، توائیست تعداد زیادی قرارداد در شرکت‌های خصوصی تأمین‌سازی و بند انتارafی تولی، شرکت‌های ایاری و زکی، سپاه‌سازی و دریایی، خطوط انتقال، اینی، خدمات فنی و مهندسی و ساخت اسکله و بندرا به اتمام رساند.

مهندسي وظيفه دارد بر روی زمين، اين دو كار مهندسي را انجام دهد. بعد از آن توئن ارضي شکور ما خليج الاصست. از چوگاهاي سريه فاصله کشيده، کرستان گرفته تا دشنهاي جنوب، رمل، بالاتاق، رو دخانه، دريا... .

طبعاً مهندسی بايد فکر حرکت رزمندگان روی زمين با جنگ و پیعنت را يك‌ندي يعني مهندسی يابد امكان عبور را فراهم کند و اساساً معنای کليل که عرض کردم، معنی است: يعني عبور؛ عبور از رمل، کوهستان، بالاتاق، میدان مبن و...

يعني می‌شود مهندسی را در متن عملیاتها دیدی؟

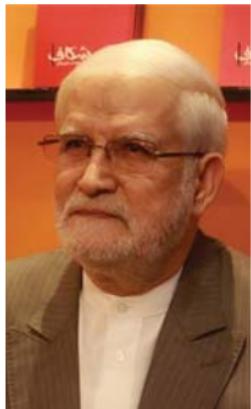
مهندسي در سه زمان مهم در عملیاتها حضور دارد؛ قبل از عملیات، يعني برای آماده کردن؛ حین عملیات و هرمه رزمندگان و بعد از عملیات؛ برای نگهداری و پدازندگان. يعني این بدان معنی است که مهندسی در هیچ زمانی از ۹۶ ماه دفاع مقدس، بیکار نبوده است. به طبعاً مهندسی بايد در روی زمين کار کند و به قلعه‌ها، مهندسی در افق (زمان حمله) استفاده کليلي را دارد که بايد باز در در اخبارداشته باشد سوم بايد حجم بيري در اختیار آن به اشاره‌های باشد که بتواند این چرخه اختیار آن را تأمین کند. يعني معروف است که مهندسی در آنند، کليل و در پاداوند، قفل است.

در اغازار، قدر ضعف امکانات داشتم؟ وقتی که مهندسی آرام آرام شکل گرفت و تخصصی تر شد و ایجاد اراده موبد نیاز خود را تامین کرد، بدیگران‌داند روزهای اول تشکیل خود نبود؛ بلکه به عنصری اثراکار و تامین کننده بدل گردید.

ما از ظرف جنگ‌افزار و امکانات دفاعی، مثل دشمن نبودیم؛ به شکلی که حتی سیم خاردار و موتور قارق را در دنیا به مانم فروختند. این معنی چندین اتفاق و مهمنات، این می‌شد: زیر جنگ بود و لذا اینکارهای فرماداران سپاه بر این بود که از تمام مناصر جنگی برای پوشش‌دان این ضعف‌ها استفاده کنند که یکی از اقامات آنها برای این کار، مهندسی بود.

نقش مهندسی در جرایع اعمالیات‌ها چطور بود؟ چقدر مهندسی، عملیات را تقویت می‌کرد؟

طبعاً مهندسی بايد در روی زمين کار کند و مهندسی در افق (زمان حمله) معمور بودم که واحد‌های را تشکیل بدیم تا پا‌آفند (زمان دفاع) مسؤولیت قفل را رار که دشمن نتواند نفوذ کند. يعني معروف است که شبیه‌ای دفاع کنند. در حالی که از بخش‌های دیگر صحبت می‌شود، این بخش همیشه مغفول مانده است.



اگرخواهید یک تاریخچه کوتاه از شکل گیری مهندسی جنگ بفرمایید، ابتدای شروع کار مهندسی رازگاریماید؟

بنیان مهندسی جنگ در دفاع مقدس، از شکست صحر ایلان، آن هم با یک لودر شروع شد و رفته رفته در طول یک دو سال بعد، تبدیل به یک سامانه مناسیب نسبت به نیاز این رسته از دفاع گردید.

در دفاع مقدس، استثنایاً یک رسته هم داشتیم به نام اشتر-رم، چون دشمن ما خلبان نامد بود و از سلاح‌های شبیه‌ای استفاده می‌کرد، ما معمور بودیم که واحد‌های را تشکیل بدیم تا افرادی ترتیب شوند که بتوانند در موقع حمله شبیه‌ای دفاع کنند. در حالی که از بخش‌های دیگر صحبت می‌شود، این بخش همیشه مغفول مانده است.

جادوگر نیز

البته این استهیا است
که فکر کنید که این کارها
را ممکن نماید. اینها کار
خدا بود و خدا به ما مامکن
نمی‌باشد. این هست بدی
شناختی به این طرق
ساخته شد. این شناور
برای انتقال تانل، لور
و بلدوز در هویر طراحی
نمی‌شود. فکر کردم خدا این
وندیم خود را. فکر کردم خدا این
همه این اندیشه را در موش که
نیز دیگرمه چنین فکر می‌کنند
بدارد.

مات مهم مهندسی، باز کردن
ود. این کار به چه صورتی انجام
می‌گیرد؟ این ساخت مهندسی، باز کردن
بدانی که گاهی عرض آن به ۷۰۰
میدانی با مین و فکوار و دشمنی
نمی‌گذرد. بجهه‌های خوبی باید این
مندگان باز کردنند. این، یکی
از اهداف اصلی این پروژه است.

تنهایی، بجهه های تخریب ماتمام با شهید و زخمی می شدند: دوشکایی دشمن، برای بجهه ها دند. این، وظیفه مهندسی بود.

نی بود.
هندسی در دفاع مقدس، چه عنگهای دنیا داشت؟
دنسی ما در جنگ، خیلی بیشتر
عنگهای دیگر دنیا بود؛ زیرا
عف، عدم امکانات جنگ، این

ف کند. مثلاً ما باید در منطقه‌ای که دشمن تواند تجهیزاتش را میدان بیاورد. به همین دلیل فاعلات شاخ شمیران رفتیم؛ زیرا من را نداشتیم؛ چون دنیا یعنی سمت صدام بودند.

وظیفه مهندسی مادر جنگ، خیلی بیشتر از مهندسی در جنگهای دیگر دنیا بود؛ زیرا میخواست ضعف عدم امکانات جنگی ما را نیز پیشاند و برطرف کند.

دیگر از اقدامات درخشنان مهندسی جنگ، این دادهای پل غیربرروی و دروند برای عملیات و المقر
بود. چرا این کار یک سازمان مهندسی همچو
ی آمد و چه بازتابه‌ای
اشت?

رده شده که برای عبور
برگان روزخانه‌ای مغلوب اند...^۳ که متراز اتفاق
از زد - زد - دل می‌داند و است و ۵۰... ۱ کیلومتر، عرض
ن عبور کند. مادا در عملیات و فجر هشت،
یکان داشتند: ولی یک پل می‌دانشیم.
پس از سه ساعت و قوتی زبان‌های کشورهایی دولت
بودند این این منطقه و ما باید نهادیم که خود را
نمی‌داند. یکی از زیرالباری مثل کسی که ضریبه
غزی شده باشد، ایستاده بود و می‌گفت که
نم نمی‌فهمم که شما می‌کویدیم. پس یعنی این
که روزخانه ساخت، این کار را کردیم و در دنیا هم
هرگز فردی نداشت که فرست کردیم مهدیست اینست.
مر منطقه‌های کوهستانی... و همین طور اصل
ای از این اتفاق باید اتفاق نکند. ولیش نم می‌داند
که این شمشیر از این اتفاق بکار نمی‌رود. این این بود که
پس از این شمشیر، اما هر کاری این اتفاق نمی‌داند.

۱۰) اینکه می‌گویند یکی از تاثیرات مهم هندسی در جنگ، ایجاد روحیه و شهامت در زمینه‌گان بود، به حله معنی است؟

در عملیات والفجر ۲، در منطقه عمومی

پنجم باید خودش را با مراکز علمی، به طور دائم هماهنگ کند تا بتواند از نظرات افراد صاحب نظر اسسه‌فاهده کند.

□ چقدر در انجام کارهای مهندسی از علوم و دانش هنری استفاده شود

کار مهندسی، فکر، محاسبه و اخراج است.
اگر ما مفاهیم پای را احداث کنیم، اختیار به نزول بر جرات نداریم؛ بلکه فکر، تدارک، نیروی متخصصان و رسانه داده دقیق در خواهد و این کار بر سرطایط ساخت جنگ، اتفاق می‌افتد. مثلاً پل خوبی در عملیات خیر باید شرکتیابی منطقه ای احداث شد. اگر قرار بود این پل در زمان عادی احداث شود، هچ شمشکل نبود؛ ولی این قسمه در زمان جنگ، کاملاً فرق نمی‌کند؛ زیرا از همان ایام شروع شدن این پل، تیاست زمین زدید.

با این شرایط حساب کنید که باسته ۳۰٪ کیلومتر
دل در تهران ساخته می شد و حمل می گردید
پس، حتی سازندگان کار نمایندگانه
شوند که این پول برای کجاست. کار در این
تکنیکها طبق سیاست مشکل نمی شود. همین
الان نصب یک ۱۴ کیلومتری روی ماندابی
اماند هواپیروی، کار سخت است: چه برسد
به زمان جنگ، و در حدودیت امکانات و شمن

چه عواملی کارهور را ساخت می‌کند؟

هر کارهور مانداب است؛ یعنی رودخانه‌ای که مسیویس که جلوی آن مسد شده است. در چین، شرابیطی، گاهانی در این رودخانه رشد می‌کنند. اینها برخی مناطق، نیازهای داشتیم که از آنها از طبیعه ۳ متر و مقرن رو خواهند بود. اینها در ارتفاع داشتن و حداچشمی رفته آنها ۱۰۰ میلیمتر و در ارتفاع از ۸۰ سانتیمتر زیر آب قطب کنید تا بشود. حداقل از ۱۰ سانتیمتر زیر آب قطب کنید تا بشود. روی این پل نصب شود و این پل شناور باشد. این پل کلیومتری باید باشد. این کلیومتر باید بین ۱۰ کلیومتر و ۲۰ کلیومتر باشد. این شکل می‌کرد و این خلی خست ساخت بود. همان شب که پل تمام شد، دادو امریکا کنگره کشت که ایرانیها طولانی‌ترین پل تاکتیکی جهان را روی الپهوره ره صب کردند. آنها نمی‌دانستند که این پل، ۱۰ کلیومتر است. نه ۲۰ کلیومتر. دلیل ۱۰ کلیومتر هم این بود که در تهران، دلیل ۱۰ کلیومتر نام یک مقصوم را کاوشته بودیم. ما هر کلیومتر، تار، نام یک مقصوم را کاوشته بودیم و یکی در تهران، باید ۱۰ کلیومترهای را کاوشته بودیم. اینها تمام کارهای انجام داده بودند. در اینجا این کارهور را ساخته بودیم.

رشد مهندسی در جنگ

سیدار عزیز الله یورکاظم، معاون قرارگاه صراط المستقیم در دوران دفاع مقدس

تجهیز سپاه و ارتش تامین کردند به طوری که سپاه تعدادی یگان با تخصص مهندسی تشكیل داد.

هر چند تمام پیگان های رزی سپاه و ارتش یک قسمت مهندسی فعال و توانمند داشتند، اما طور کلی در جنگ اهیت باشد که مأموریت شاخص آنها بوده که هر قشیر هر سرتاسری که بتوانند آمار تلفات خود را کاوش و امارات تلفات دشمن را رفراخیز دهد. رسیدن به اهداف دفاع مقدس را به اهل الموقول کرد که است: با این این این و مهمترین وظیفه را درین رسته های مختلف نهاده اند. نیزه های مهندسی داشتند که میتوانستند با فعلیت ها، اینکار از خلافت های قرار احوال خود تأثیر چشمگیری در

اگر سیر کارهای مهندسی را از ابتدای چنگ تا پایان و پس از آن بررسی کنیم به این نتیجه خواهیم رسید که رشد چشم‌گیری داشته است. در ابتدای چنگ در جهنه آزادان، رزمدگان

از نهرهایی که جهت آبیاری خرسانختن استفاده شده‌اند، عکس‌گیری مکمل استفاده از این مکان برای ایجاد احتمالات کردند؛ در این اتفاق خاکبری و کوهانه و آب‌های زیرزمینی، بالا بود؛ اما مکان خفای در زمین‌های خرسانختن متفقون نبود و سنگرهای مستقرشده با این اتفاق احتمال داشتند که همین و مندانگان امکان حرکت به صورت استفاده از درستگاه‌های اندشتند. نیروهای هجاء سازانگی مرداد ۱۳۶۰ در جوجه آبادان یک سنگر استغفاری احداث کردند که امکان استفاده نمای

با تشکیل بگانهای مهندسی تخریب، بحث ساخت معبر در میدان مین، انفجارات، پاکسازی مناطق آزاده که مین، مواد منفجره و گلولهای منفجر نشده به مهندسی اذار و گذشت: زیرا در عملیات میدانی مشدی پل، جاده، ساختمانی... منفجر شود. هنگامی که این قسمت تحت امر مهندسین بود کارهای خلی سرعت تزریق از جمیع گرفت و مهندسی توانتوسن را برای این اتفاق آماده کرد.

تغییر فعالیت‌های باشروع عملیات خیر

اهواز- خرمشهر و چند کاتال دیگر را دادند و آب را در مناطق «دب حدران»، «جغیران»، «کوکشک»، «پادگان حمیدی»، «پاسگاه زیدی» و... رها کردند که مانع پیشروع دشمن به خصوص نیروهای رژیهی آن بابه سمت اهواز شد.

در طول ۳۴ روز مقاومت زرمدگان اسلام در خرمه شهر جهت شستیان و فرازی که در خط مقدم ایستادند گیردند، برای شش تا هشت سال و اسکان شستن از مراکز عمومی شهر پسران و مساجد جامع، مخابرات، بیمارستان، منازل مسکونی و... استفاده شد. این امیز از سوط خرمه شهر و تشكیل پوپلک بدانندی به مخصوص در جهیه‌های حنوب، براز و سرخ‌رود راهنمایی نداشتند و سرگزنهای آن استراحتگاه، محل استقرار چنان‌گزارهای سگنون و نیمه‌سگنون، بهداری، مخابرات و... ایجاد شد که طبیعتاً این ماموریت‌ها به مهندس‌خواه و اکاران شد.

تاسیس یگانی با تخصص مهندس در سپاه

در تاریخ ۱۳۹۷ شهریور ۵۹ که دشمن بعضی حمله ناجوا نموده اند این را به جمهوری اسلامی ایران از طریق هوا، زمین و ریل شروع کرد. پس از این خبر گنج ایجاد کرد که مهندسین خود را برای مقابله با دشنهای این دشمن بسیاری از آلات مهندسی پیشتر حس سد و از آنچه که از تنشی جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران روزنه توان کمی داشتند، پیشتر با دیوار گوشه انسان های ایشان را ایجاد کردند. فکارها، جایی دشمن را گرفتند و سعی کردند دامنه تجاوز دشمن را گاهش هندن. در این میان افرادی مانند شهید دکتر مصطفی چمران، طرح احداث کالان سلمان از روی خانه





میافت.

- از جمله فعالیت‌های دیگر یگان مهندسی عبارتند از:
 - احداث سد خاکی روی کانال شهید شیردم
 - قبیل از عملیات کربلا ۵ در منطقه پاسگاه زید
 - حجاجی که بین خط پادشاهی ایران و عراق قرار داشت.

- ساخت بیمارستان امام حسین (ع) در
بستان
- احداث جاده‌های گردستان در منطقه حلبچه
عراق و سایر مناطق جنگی.

بازسازی پالیشگاه آبادان، اولین اقدام
مهندسی بعداز حنگ

با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در مرداد ۱۳۶۷ جنگ
حالمه بافت و اولین تلاش جمهوری اسلامی
ایران بازسازی و هفالت کردن پیشگاه آبادان بود
که میگان مهندسی در توانایی زمان چشمگیر
پالیسکانه افغانستان
آبادان را از گلوهای
منفجر نشده و مین از
پاسخگردی کرد. پس از
آن نسبت به تقویت
مرزی و احداث جاده‌های
مرزی یگان‌های
مهندنسی اقدام کرد
و سپس یگان‌های
مهندنسی سپاه
پاسداران در قرارگاه
حاتم‌الانبیاء وارد کارهای
سازندگی کردند و شروع شدند
که مهمنان ادامه دارند.

گان مهندسی یا زدن یل شناور، برج، شناور،

دادات شناور پخت، ساخت بیمارستان‌های
اطممه‌زهرا در اروندکنار و امام سجاد^{علیه السلام} با
عطایات بتُّی پیش‌ساخته در شهر بندری فاو،
اده سازی و زدن حاکیزهای بلند و مستحکم،
دادات سنگرهای بتُّی انفرادی و جمعی و... از
مندگان، شتیبان، گردان.

بعد از عملیات، چون دشمن پلهای روی دخانه بهمن شیر که راه دسترسی به آبادان ود، مهندس کرد، کار پشتیبانی از زمیندگان را فراموشکل کرد؛ چون باید از رو رودخانه

دسترسی‌های مناسب تسهیل شد. مخابرات پنهانی در خطوط قدم ایجاد شده و جاده سازی پیش از تاسیس شهر را بسیار ساده کردند و می‌توانستند این راه را برای حمل و نقل امن و سریع در میان شهرها ایجاد کنند.

در ابتدای
هیات دولت
سیاه پاسده
داد قرارگزین
صراط المساله
به کارگردان
متخصص شد
در جنگ تا
که نقش سپاه
جنگ

در خط
مکان در طوطو
قدم گذاشت
فیکرس می فکند
از این بگان مهندسی
را ادامه چنگ آذنان
کرد و کارگردان
مده بود که در عملیات
برای راهنمایی ۵ مرحله داشت
را برآورد گیرید
نهاده می باشد
امان اسلامی مکار و
به همین ریزمندان خط
مکن در صحنه حضور

از ساخت پل تا بیمارستان

هر چه از زمان چند می‌گذشت، شرایط ناظمی ساخت و پیجیده می‌شد. اما دیگران دنیسی جنگ توسعه کرد و کوپی بیدا نمود. تا بنواند روزی از تبریزهای زمزمه نهادند که تا آنکه در ۶۴ بهمن عملیات والغیر (نصرت فاو و عراق)

رسید.



نقش مهندسی در آزادسازی خرم‌شهر

هدف راهبردی (استراتژیکی، اولیه جمهوری اسلامی ایران در آغاز کار، بیرون از دنی مجاوزه های اشغالی و به شکست کشاندن راهبردی دشمن در تهاجم به خاک ایران بود. منظمهای که عملیات کربلای ۳ برای آن طرح بزری شده بود، در محدوده رودخانه های (کرخه نور) و ننسیان در شمال، رودخانه کارون در غرب، خوشبهر و اوروندود در جنوب و کرانه های هورالعظیم و خط العرب از حوالی نسخه ناصره (دریاچه عراق) در شرق، چای داشت، و سعتش به پیش از ۸۰ کیلومتر مربع مرتبی.

در این عملیات، موانع مختلف و متعددی پیش روی فرماندهان نظامی بود، بعضی از آنها طبیعی و تعداد دیگری نیز از سوی نیروهای ارشح عراق ایجاد شده بود. به لحاظ طبیعی، زمین منطقه طور کلی صاف، هموار و قریباً بدون برجستگی بود که مسطح بودن زمین، انواع حرکات پیاده و خودرویی را تسهیل می کرد و به جز نخلستان های مجاور کارون و اوروندود و چنگل های مصنوعی موقایع استگاه راه آهن و آب تمود در شمال شرقی، منطقه دارای دیدعالی و بدون اختنا و پوشش بود.

مانع منطقه که در حرکات و مانور یگان ها، اختلال و گاهی بازداشتگی ایجاد می کنند، پاره ای طبیعی با مصنوعی، ولی دائمی هستند مانند، رودخانه های کارون، کرخه نور، بیسان، شط العرب، مرداب هورالعظیم و کالانهای مصنوعی آبیاری و پرورش و تکیر ماهی در شرق پرده اما، عملیات بادقتاند (استسهیل می کنند). دسته ای دیگر از موانع طبیعی این منطقه فصلی بودند، مانند، نهر هور شاگکان در شمال آذان و موانع دیگر منطقه که از سوی نیروهای عراقی به منظور بدافند در منطقه ایجاد شده بود، و طبعاً در اجرای عملیات بیت المقدس (تائیر فراوانی داشتند). نیروهای جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۳/۱۳/۱۳ از دروازه های شرق، شمالی و جنوبی در کمین شان بود، از دروازه های غربی، درست از همان جای که نیروهای عراقی به خرم‌شهر وارد شده بودند، شهر را آزاد و نیروهای دشمن را درهم کوپیدند.

در اوایل جنگ، به دلیل اختلافات داخلی و سیاست نظامی بنی صدر رئیس جمهور دلیرانه نیروهای مردمی سقوط کرد؛ اما همواره آزادسازی اش برای مسئولان سراسی نظامی ایرانی اساسی محسوب می شد. بیان این رزم طراحی عملیاتی که آزادی خرم‌شهر را در پی داشته باشد، مدت های نهاده فرمادهان جنگ به خود مشغول کردند. بود. نیزه که با رمز «ای على بن ابي طالب» طرح بزری و به «ام عمليات بيت المقدس» با شرکت یگان های هومدای از بیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران، نیروهای سیسی مردمی، سپاه پاسداران اقلای اسلامی، چهاد سازی و همچنین پشتیبانی نیروی های هوایی و دریایی ازش از تاریخ دهم اردیبهشت ماه تا چهارم خرداد ۱۳۶۱ به مدت ۱۶ روز در جنوب غربی اهواز از روز ۲۷ اردیبهشت تا روز ۱۲ خرداد شانترین کارنازی های عملیاتی نیروهای مسلح ایران علیه عراق به شمار معرفت، افزوختن برایان دادن به اشغال نظامی پیش از جنگ، توان و میل جنگ اش، ضربه ای قاطع و جبران نایابی فرود اورد.

عملیات بیت المقدس از پیزگی های خاصی برخوردار بود که در تندرهای پیشین و پسین بیاندازند. بود که از جمله آنها می توان به امدادی نظامی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در زمانی کوتاه، وسعت منطقه، مدت مداوم، عملیات چشمگیری را باعبور از رودخانه براي تختیستن پار تعداد زیاد اسریان شدت تلفات و خسارت های وارد شده به دشمن، اهمیت و ارزش مناطق آزاد شده و سرانجام دست اوردهای سیاسی- نظامی روان آن اشاره کرد.

انتخاب منطقه نبرد بیت المقدس با وسعتی در حدود ۸ کیلومتر مربع از نظر مساحت در طول جنگ تمکنی بی مانند بود و با توجه به مساحت مناطق آزاد شده در عملیات های «امان الانمہ»، طریق القدس» و «فتح المین»، باید گفت که منطقه «بیت المقدس» بیش از چهل برابر مساحت عملیاتی «امان الانمہ» داشت. برای منطقه بیت طریق القدس بوده است. عملیات ۱۶ روزه «بیت المقدس»، یکی از طولانی ترین نبردها در طول جنگ تحمیلی به شمار می رود.





همراه یگان‌های عملیاتی

نی- مهندسی چند جهاد
۴ اکیپ مکانیک سنجکین،
لدوزرکه در چند ۸۳ نفر با
و سبک مهندسی روز و
مازکرد. هر لشکر از نیروهای
احد مهندسی بود؛ ولی به
مهندسي نیروهای نظامي،
مهندسي در چند به جهاد
۵ بود.

ز جمله مهم ترین کارهای
احمد مهندسی در
جنگ، خاک برداری
و. وقتی نیروهای زمی
عملیات انجام میدادند
منطقه جدیدی را
راز میکردند، برای حفظ
منطقه از آزاد شده، باید
در منطقه استمار میکردند.

۱- بودین ترتیب «خرمشهر» که سی از ۳۴ روز از ۲۷ مهر مطابقاً در پیرامون شهر، مسیر کردند. بدین مدت، از ۲۷ مهر تا ۲۸ آگوست، هفتاد و پنج روز اشغال، در کمتر از ۲۸ ساعت میان ۱۰:۰۰ صبح و ۱۵:۰۰ عصر، طی کارکل از جنوب نبردیها برداشت، ارتش عراق پاکسازی شد. عملیاتی با وسعت و مهارتی که بیت المقدس را همچنانی نمی‌توانست

۲- استراتژیکی بیت المقدس همچنانی نمی‌توانست بودن، پیشیگیری - تدارکاتی - و مهندسی اجام گردید. بنابراین، پیشیگیری - مهندسی جنگ - و تجهیز - نقش پسپاری عده‌ای را در ساماندهی و خدمات سازی در این عملیات بر عهده داشت.

۳- این عملیات بیت المقدس از شرایطی اغراق‌آور که مسئولیت پیشیگیری - تدارکاتی - و مهندسی جنگ، به همراه اسنادی و اکثار شده بود، در توفاق نامه‌ای که پیش از عملیات «بیت المقدس» در تاریخ ۲۳ فروردین ۱۳۶۱ امضا شد، مسئولیت‌های زیر بین جنگجویانه جدا شاندگی را فروخت:

- ۱- مهندسی عملیات بیت المقدس
- ۲- تشكیل شورای از توانیگران سیاسی، ارتش سازندگی و اکثار شده بود. در توفاق نامه‌ای که مسئولیت پیشیگیری برای اعیان فعالیت‌های مهندسی در قرارگاه سازندگی کرایه
- ۳- انتخاب شهید تقی رضوی به عنوان ریيس فرقه‌کاری مکری کرلا

۴- در این توفاق نامه، هدایت و کاربرد وسایل وسایل سانگین مهندسی از سوی یک شورای سه نفره، به شهید سید محمد تقی رضوی داده شد.

۵- هدایه سانذگی؛ بیرونی‌های جهاد سانذگی در مجموعه ۱۰۰ دستگاه بلدوز و لودر برای بهره‌برداری اماده کرده بودند و حدود ۲۰ دستگاه در ۲۳ فروردین سال ۱۳۶۱ در سه قرارگاه به شرح زیربریدند:

- ۱- هدایه سانذگی؛ بیرونی‌های جهاد سانذگی در مجموعه ۱۰۰ دستگاه بلدوز و لودر برای بهره‌برداری اماده کرده بودند و حدود ۲۰ دستگاه در ۲۳ فروردین سال ۱۳۶۱ در سه قرارگاه به شرح زیربریدند:
- ۲- سی اسیدان اسراکل اسلامی؛ بیرونی‌های سیاهه باسیارانه نزد مجموعه ۱۰۰ دستگاه بلدوز و لودر برای بهره‌برداری از داشتن ۴۰ دستگاه در ۲۳ فروردین سال ۱۳۶۱ در سه قرارگاه به شرح زیربریدند:
- ۳- ارشم جمهوری اسلامی ایران؛
- ۴- لشکر ۴۷ رژیه هوازو؛ ۱۱ دستگاه بلدوز، ۱۰ دستگاه لودر،
- ۵- لشکر ۴۶ رژیه قزوین؛ ۶ دستگاه بلدوز، ۱۵ دستگاه لودر،
- ۶- لشکر ۲۱ حمزه؛ ۳ دستگاه بلدوز، ۶ دستگاه لودر؛
- ۷- تیپ ۵۵ هوابرد؛ یک دستگاه بلدوز، یک دستگاه لودر.



ساخت جاده در تپه های رملی

نمونه ای از نقش مهندسی در دوران دفاع مقدس

کامل از لوت دشمن اشغال گیا، سازی شد.
عملیات طرق القدس از چنان همیتی برخودار بود که امام خمینی آن را «فتح الفتوح» نامید.

ویگی اصل عملیات طرق القدس، گذشت از خوبین یاری رملی غیر قابل عبور در شمال منطقه عملیاتی بود که سبب غافلگیری دشمن شد.

منطقه عملیاتی طرق القدس حدود ۷۵ کیلومتری شهر اهواز و در منطقه عمومی دشت آزادگان و در ۱۵ کیلومتری خوب غربی سوسنگرد قرار دارد. منطقه عملیاتی مندور دارای سطح حدود ۳۰۰ کیلومتر مربع بوده، از این همچوینی، دارای جمعیت سرب و فرهنگی عشاری باشد. این منطقه از شمال به سوسنگرد، از جنوب به خوش آستان، از شرق ارتفاعات منشید و ارتفاعات الله اکبر، از غرب به شهر حمیدیه و دودخانه کرده، از شمال به هوالعظیم و از جنوب به هویزه محدود شده. شهر سیستان در مرکز منطقه عملیاتی و مهم ترین قسمت این منطقه قرار دارد. بکی از ویژگی های خفرگانی منطقه عملیاتی طرق القدس، وجود زمین های رملی با آغشته از تل ماسه هاست. این عارضه طبیعی از جمله رسوبات حد اضافی است که در سطح وسیعی، قسمت هایی از اسپاخ منطقه خوش آستان، به ویژه غرب منطقه عملیاتی سیستان را پوشش داده است. این رسوبات از آن نظر که توسعه داده اند، چاهه جام شود، قدرت تحریک زدایی دارد و غالباً داشواری هایی ایجاد روزنامه ها و دیگر مراکز تجمع انسانی به وجود می آورند.

این رمل ها به قدری بود که در مناطقی باز رزمندگان تا زانو در رمل فرو می رفت و روشن است که در چنین منطقه ای، تحرک سریع، بسیار سخت صورت می گیرد.

به طور کلی، متشا شان مول ها در خوش آستان را تخریب کنیکی و سپاهیان بادی ماسه هایی عمل شده به این منطقه و با سینک مادر که همان ماسه سنگ هاست - می دانند. سطح رمل ها در مجموع حدود ۳۰۰ کیلومتر مربع

که جمجمه مه محسوب می شد، نیروهای از ۳۰ شهریور از محورها و معابر متعدد و با به کارگیری نیروهای زمی و مکانیزه مجاهد، باعث تصرف تپه های رملی و سیستان شدند که دشمن تا چند کیلومتری دزفول و اهواز پیشورد و کرد. دشمن متجاوز در اواخر جنگ بیشتر از طبق تنگ چراوه و جاده مزیر غیربرگ برده بکری از لشکر پیاده و بیاد و مکانیزه به سیستان محمله کرد و با اشغال سیستان و ۶۰ روستای اطراف آن دهدای از اهالی این شهر را شهید و عده ای را به اسارت خود آورد و جنایات بی شماری را نیز در این منطقه مرتکب گردید.

در جهه ای این شهر میان خوش آستان، نیروهای بعنی با تصرف شهر سیستان، محله خود را به منظور قطع جاده اهواز - دزفول ادامه دادند و قسمت های شده. شهر سیستان را پیش از تصرف خود درآوردند و در پایین رودخانه کرخه متوقف و مستقر شدند در محور جنوبی رودخانه کرخه، پس از تصرف سیستان و ادامه پیشورد خود، شهرب سوسنگرد را نیز به تصرف ارتفاعات الله شمال و دو رکخه ای را نیز به تصرف ارتفاعات الله اکبر، بادگان ناظمی دشت آزادگان مورد تهدید قرار گرفت، اما در جمهه میان سیستان و ایوان طرفی کسرت هدایت از استان خوش آستان، با وجود اجرای چندین عملیاتی کوچک و بزرگ تا همراه مهارهای رزمندگان مستقر در مناطق عملیاتی جنوب

کشور. عملیاتی از خود نهادند را در باز پس گیری این حملات و دشکاری هایی را در باز پس گیری این مناطق از خود نهادند. در ادامه این نبردها در تاریخ ۶/۲/۱۳۱۴، ارتفاعات

در ادامه این نبردها در تاریخ ۶/۲/۱۳۱۴، ارتفاعات ایران و عراق در تغییر نامه سیاسی نظامی دوکشور، حاکم بر چند کشور داشتند بنیست نظامی دوکشور به شکل کمپ و تقویت این نظریه منجر شد که در طوف دیگری با بهده بکری از قدرت نظیران، توافقی تغییر اوضاع را به سود خود نداشندند؛ با شکل کمپی عملیات های از اساسی مناطق اشغالی و سرانجام قلع خرمشهر، بار دیگر چند ایران و عراق در کانون توجه چهانیان قرار گرفت.

و سرستانته نیروهای ای در منطقه شلمجه که یک جبهه مهم محسوب می شد، نیروهای تسبیح جاده شلمجه و خرمشهر به خرمشهر وارد شوند. نیروهای ای احداث خاکریز، سینگ سازی نیروهای و در همین منطقه وود نیروهای «جاده سازی» ای را در این منطقه و ساخت سرخ ای را در چند فعالیت های پشتیبانی مهندسی

جنگ جاهد در این عملیات، بسیج و اعزام هزار دستگاه مهندسی ای سراسر کشور بود. نقش تعیین کننده ای را در عملیات بیت المقدس ایفا کردند. این اتفاقاتی های نیروهای پشتیبانی مهندسی جنگ جاهد در این عملیات، به شرح زیر است:

۱- احداث ۷۴ کیلومتر جاده

۲- احداث ۷ کیلومتر جاده ای از دزفول و اهواز

۳- احداث ۷ دهنه ای از بزرگ بروی رودخانه کارون

۴- احداث و راه اندیز ۲ سایت موشک اندیز به همراه تمام استحکامات موردنیاز

۵- احداث ۴ دهنه ای از بزرگ بکتر

۶- احداث و نظایر و زون و جهیزت نظامی و زون

۷- احداث و راه اندیز ۱۵ پاسگاه عملیاتی و تاکتیکی به همراه تمام سیگرها و استحکامات

۸- موردنیزه راه های مستقر در این پایگاهها

۹- احداث ۵ مقر پویا خانه به همراه سنگرهای

۱۰- منعدن سکوهای استقرار توب و...

۱۱- احداث و بهر بردباری از ۵ باب حمام مجهز صحرابی

۱۲- احداث و راه اندیز ۱۴ واحد اوزان صحرابی

۱۳- احداث و بهر بردباری از ۴ حلقة چاه عمیق و نیمه عمیق به منظور تأمین آب مورد نیاز زمینگان مستقر در مناطق عملیاتی جنوب

کشور.

عملیاتی بیت المقدس بارتابه های مختلف در داخل و خارج کشور داشتند بنیست نظامی دوکشور، حاکم بر چند کشور از ایواناتونی نظامی دوکشور به شکل کمپ و تقویت این نظریه منجر شد که در طوف دیگری با بهده بکری از قدرت نظیران، توافقی تغییر اوضاع را به سود خود نداشندند؛ با شکل کمپی عملیات های از اساسی مناطق اشغالی و سرانجام قلع خرمشهر، بار دیگر چند ایران و عراق در کانون توجه چهانیان قرار گرفت.

منبع:

هر ۰.۱۰۰ متر، نشانه‌های چوبی و آهنی نصب و قاچوں کارهای هواگردی به آنها اoxنجه شد. این مسیر، امکان نزدیکی و دسترسی به پهلو و خود را برای رانندگان روزهای فردا فراهم می‌کرد.

با شروع عملیات، دشمن از مناطق رملی در حجاج شمالی خود، که اصل‌امکان محله مردانه بود - موره هجوم را رعایت کرد. این راه را بازیگران در ساخت این آمد. مکر رایدی زدن آن ممکن شدن تا جایه رملی و قابل عبور شدن آن بگردید. دشمن از این دستور اذعان نداشت. خجال بود و دشمن از این دستور اذعان نداشت. تمام که احتمالاً این احمد محله نیز منصرف خواهیم شد. تمام

از این طرف زندگان، باران شدید از شب این اهدافها غمی می‌دانستند. دشمن متوجه اتصول می‌کرد و این راه را از غربون شروع شده که هم زمین و هم آسمان را در پنهان داشت. این طرف زندگان اسلام خواهد شد و این

خاذا تکنیک و یزد
واحی عبور از رمل، به
شوان محروم شناسی
ملیات، یکی از روگیریهای
عملیات و ناشی از
نقیت و ابتکار متأثر از
ترش حضور نیروهای
دموی در چنگ بود
موجب غافلگیری
من و تضمین کنندگان
پیروزی عملیات گردید.

رو، حالت آماده باش را که از منتهای پیش در آن به سر می‌رسد، گو کرد و این امر، امکان موقوفیت عملیات را مصاغعف ساخت.

با آزادسازی شهرستان، حدود ۱۲ کیلومتر مربع از خاک میهن، بعد از روز اشغال توسط قوای متجاوز عراقی، آزاد گردید و خطوط تدارکاتی و ارتقابی دشمن در منطقه غرب چوند شد.

است.
غیور موافق رزمدگان از مناطق رملی و تپه های
شیخی، از جمله اینکارانی است که در عملیات
طرقبه طرقی القدس را داد.

آن آگاه که همیت این جاده در عملیات طرق
پس از میان پسران و نیز افسوس‌کننده‌های خود بود. فردانده‌های ازش و
بسیاری از این تنقیب‌گران را که در پل تبریز شدند، که روز شنبه،
جذابیت این جاده را در تهیه‌های رمال سازند؛ اما
که مکتبه کوشش‌کاران مکانات یگان‌های زرهی، همچنین
رسانید. مسافت عمل و شناور که در ایجاد ادامه
پل از این طریق انجام شد، بعد از این‌ها نهاده
فراریان از آن را گردید. فرار شد جهاد سازندگی
و اراده عمل شد. و به این ترتیب کار جاده سازی
شروع شد و حدود ۱۰ کامیون کهپرسی، بدون
توقف، خاک را از بینه ساخته بخوبی حمل کرد.
روزی و ملها من ریختند و بعد از آن به سیله
امانشان های مخلتف راه سازی پوش و در مرل
که مکتبه بودند.

با خلاصه بعدها درجه هفتاد و دیده از طریق روزنامه های خارجی که پایان رسید و به علت وجود مسند های حکم بین اتهاماتی دیگر نیازی به جاده سازی در دستگاه سوم نبود. برای جلوگیری از تبعیت این اتهام راه انتقام گیری از مخالفین را انتخاب کردند. هزاران گیسه شن، کنار سازی شده از این اتفاق بودند. امداد و امدادگران از مخالفین برای اتفاق دسترسی و جلوگیری از کم

هرچهاد سازندگی در جنگ

گفت و گو با سردار دیدل شمایلی، جهادگر پیشکسوت و فرمانده سابق قرارگاه کربلا

۲۷ خرداد سال ۱۳۹۸ چهاد سازندگی به فرمان امام تشکیل شد و در آن مقطع ایشان خواستار رسیدگی و رفع مرمومات روساییان و در اولویت قرار دادن رسانه اشده بودند. چهاد در ابتدای تأسیس خود، یک نهاد مردمی بود و توسط نیروهای خودجوش، بسیجیان و متخصصان اداره می‌شد. با همین رویکرد نیز بر دفاع مقدس و دوپاپت. به عبارت دیگر می‌توان گفت: مردم بوند مندنسی جنگ چهاد، یکی از پیروی‌های باز و مهم این نهاد بود که موقوفیت‌های سپاهی را در طول دفاع مقدس به دنیال داشت. نیروهای چهاد در همه جا و در همه جاهه پوشیده شدند و از سپاهیان در خط مقدم پوشیده شدند. و بدون اینکه خودشان سنگری داشته باشد پرای رزمندگان سنگری از ساختند. پارمین این خدمات، نقش مویری و بی‌بدیل جهاد سازندگی در دفاع مقدس چنان موروث توجه قدر نمی‌گیرد و مجاهدان این عرصه، همچنان گفتم می‌گذرد. برای آشنایی با نقش چهاد سازندگی در دفاع مقدس، با سردار یبدال‌شمایلی که مستنولیت شیخیانی و مهندسی جنگ در چهاد سازندگی را بر عهده داشت، همکلام شدیم که ماحصلش را پیش رو دارید.

■ به روایت این و محرمان و عمران و آبادی
نقاط در دوست کشور بروید. به نظر شما چهاد سازندگی تو انتسیست بد این هدف دست پیدا کند؟

■ امام خمینی بلافضله بعد از پیروزی انقلاب، بود که برای گذران زندگی هم درس بخوانم و هم کارم. بعد از انقلاب قرائیگاه شهید سازندگی، همراه با پرادر سرلشکر شهید یقانی که فرمانده ایجاده ای اسلامی بود، در اتفاقی از شرکت‌های راهسازی ایرانی کاری برازد و رها شدند. شرکت‌های ایالاتی و امریکایی برای روسیهای محروم خوزستان جاده‌یی ساختند. از این رو اندیشه با لودر و بوکسور را خوب بدان و بودنم. این روز در حمیدیه وقتی فرمانده این سوال را پرسید و کسی دست بیلد نکرد، من اعلام امادگی کردم و با لودری که از آن‌ها گرفتم و نظایر تشکیل شده بود. چهاد سازندگی بر اساس انقلاب و عمران و آبادی کارهای دارد و از طریق بود، بلافضله سازماندهی کند و از طریق جذب نیروهای متخصص از دانشگاهیان و جوانان انقلاب و روساییان اقدامات زیادی را در راستای بهبود وضعیت زندگی مردم به عنوان تولیدکنندگان اصلی در کشور انجام داد. امروزه اگر در پیسای از میاخت به خودکافی رسیده‌ایم، تبعه‌اش همان حرکتی است که نیروهای چهاد سازندگی بنی به امام امان آن را اجزایی کردند و تو ایسته‌اند خدمات زیادی را در رسانه انجام دهند و در افزایش تولید هم مؤثر بودند.

■ **جهادگر قراربود کارهای عمرانی و
محرومیت زدایی انجام دهد. چطوری
چیزهای را درود کرد؟**

■ بعد از انقلاب اسلامی، دشمنان قسم خود را تلاش کردند از هر روشنی استفاده کنند که به

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، چند نهاد انقلابی تشکیل شد و چطور شما چهاد را برای خدمت انتخاب کردید؟

■ من با اختخار خود را از خانواده بزرگ چهاد سازندگی می‌دانم. بعد از انقلاب در این نهاد مشغول کار شدم و از اولین نیروهای چهاد سازندگی بودم. با شروع جنگ اسلامی در دست گرفتم و عنوان نیروی زمی وارد میدان شدم. چون تصویرم این بود که جنگ و رزم فقط با اسلحه و ضخور زی و نظامی ممکن است؛ اما بعد متوجه شدم در کنار این ضخور نظامی فعالیت‌ها و اقدامات دیگری هم وجود دارد که فضیلت‌ها و جایگاهش کمتر از زرم و جهاد با اسلام سلاح خانیزیده کارم را شروع کردم.

■ **کی از اهداف تشکیل چهاد سازندگی، توجه**





اروند، آبگرفتگی‌ها و رودخانه‌هایی که در غرب و شمال ایران بود، می‌توانست تأثیراتی پل می‌کرد. «گردان» بهمراه «دالیل شرایطی» که در مناطق عملیاتی جنوب اتفاق می‌افتد، وارد عمل می‌شد و آب‌های راه دشمن برای توقف پیروزیهای مزمنه در منطقه عملیاتی راهی نمودند. می‌کرد. در پایان روز مادر می‌گفت: «درینه ایشان را زیر پای دشمن رانید، این گردان با تخصیص زیر پای دشمن را که تیکنیم، این گردان را خودش وارد عمل می‌شد. و تجهیزات خاص خودش وارد عمل می‌شد. و کنار همه این فعالیت‌ها و هم‌گامگان ایشان و سپاه اقدامات و خدمات سپاهی را دادند. پخش برای نیروهای رزمنده انجام می‌دادند.

اگر می‌شود به صورت مصدقی به
فعالیت‌های جهاد در حنگ سیدازیم.

قبل از ازادسازی آبادان و شروع عملیات نظامی در مهر سال ۶۰، جاده‌ای به نام «جاده وحدت» احداث کردیم، جاده وحدت، جاده آبادان به سمت ماهشهر راهه منطقه ایوانشانک در حاشیه آبادان وصل کرد و به نوعی آبادان از محاصره کامل درآمد.

بازنگی در
سال دفاع
از ۵۴ هزار
میلیون مردمی
جبهه اعزام
میان بیش
زید و دهم
آزاده و ایشانگر
ب و نظام کرد

گردانهای تخصصی در چه زمینه‌هایی فعال بودند؟

■ موارد متعددی پس از مبارکه ایران استحکامات کارش ساخت سنجار و پیغمراستان، قرارگاه و پل خوشبختی همچنین بود. و گردان به با توجه به نیازهای صورت احداث به در طول عملیات های دفع مقدس و رار عمل شده بعده ایامیه کارگاه

انقلاب آسیب پرساند. از این رو سدام را به عنوان مهده اصل جنگی وارد میدان کرد و چنگ را به حکمران تحریم کردند. با توجه به شدت وسعت حمله عراق امام خمینی دستوری بخواسته مدمدی را داد و جهاد سازنده‌ی به عنوان نهادی که با فرمودن امام خمینی تائیس شده بود، را درگیر راه را مخالف دانسته هر طور شده در جبهه‌ها خصم نمایند.

نهادهانطور که قیمتی، رسالت جهاد سازندگی عمران و آبادانی بود؛ بنابراین سعی کردیم از همین ابتدای جنگ روی این شاخه تمکن‌شوند و در کار همه فعالیت‌ها به جامع‌آوری کمک‌های مردمی، پسچ بیروها و اعام آنها برخوردار باشیم. اینکه با جمهه، پشتیبانی ماشین‌آلات و تعمیرات امداد ارتش و سپاه، رساندن مهمات و تدارکات به خطوط مقدم بیداریم.

کمی بعد که کار چنگ بالاگرفت ارتش و سپاه به عملیات های بزرگ و گسترده وارد کردند، جهاد سازاندگی تمرکزش را روی موضوعات و عملیات مهندسی معطوف کرد. با توجه به شکل چنگ و حضور دشمن در خاک ایران نیاز بود تا اقدامات

نهنده‌های ای موور کیرد که تیغه‌ای از بینوی
که زیرهای، ادوات و نیروها جریان کند و هجاتا
حدی هم توکن است این نقصه را در دوران جوانی
جریان داشت و گواه همه فرمادنها جنگ
و دوستان ارتشی و پهلوی، جهاد سازنگی
پس از آنکه بپاریزی در جهه ایفا کرد، هرچند جهاد
اسراری نیز نظری نظامی نداشت اما بر اساس نیازها
تلاش کرد این اهداف را با حفظ انقلابی
تک‌آدام و ساستان داشت از زمانی که مادر میدان شد.
و حمایت از روپرتهای زمزمه زنده وارد میدان شد.

جهاد سازندگی در طول هشت سال دفاع مقدس بیش از ۵۰ هزار نیروی مردمی و ارادات راه به جهیز اعزام شد. این میان بیش از ۳۰۰۰ شهید و دهاده را برای ایجاد و ایجاد انسانخواستاری داشتند. این امّار به تنهایی انسانشناس دهنده حضور قابل توجه نیروهای خود را در پیش از آغاز جنگ ایجاد کرد.

**ممثل سیاسی که در جنگ گسترش یافت و
وزیر امور خارجه که تراویح شد، جهاد می‌چنین تحولی
را طلب جنگ شاهد بود؟**

چندین لشکر و تعدادی تجهیزات زرهی، نفروت و مهمات و پشتیبانی های باید از آن جاده های عبور می کردند. ساخت سنگرهای فردی و اجتماعی، احداث جاده های ارتقابی، احداث سنگرهای فردانده، احداث سنگرهای اجتماعی، احداث سنگرهای سدده، اورزانس ها، پیمارستان های صحرایی، اسکله ها، خفر کاتال و مهمتر از همه احداث حاکمیتی که جان پناه زندگان بود.

در زمان ضروع عملیات، نیروهای هندنسی باید خود را مناطق آزاد شده های رسانند و خارج رهای و جاده های را احداث نمایند. زمان برایشان مفهومی نداشت؛ خواه روز بود، خواه نیمه های شب، یا به خود خواست را به این میزان داشتند و با توجه به شرایط کرگان راه اسازی اینجام می داشتند تا گرانهای رزم از طریق جاده های پشتیبانی به اهداف مورد نظر دست پیدا کنند. سازندگی امکان اجرای این اهداف را داده بود. خواه سازندگی، پیمانی یا نیروهای نظامی مخصوص داشت و توپخانه ها را به جلو حرکت می داده اند که آتش موتوری روی دشمن بزیرند. تمام این اجرای جان بایدی ها بجا بود. پیغام جهاد سازندگی ماندگار سازندگی، امکان اجرای این اهداف را داده اند که این راه را فراهم نمایند. گاهی هم جلوتر از همه و مقبال نیز مستقیم و انتش سنگین دشمن، با ساخت دیواری دقیق از ارتفاع ۳۰ متر، امنیت روازی و حیات زندگان را بقرار می کردند. بعد از عملیات های برای اینکه با تعداد کم از اتفاق داشتند، این راه را برای ادامه کار و نیروها را رایت می کردند. این راه را برای ادامه کار و نیروها را رایت می کردند. کمتر، باید کار و مهندسی اینجام نماید. جهاد سازندگی، قبل از عملیات، حین عملیات و بعد از عملیات، در چیزهای خواسته شده بود. از جمله نیز مأموریت روند حضور داشت. این راه را از جنگ نیز مأموریت زمان نیاز داشته باشدند.

از دوستان شهیدی یاد کنیم که همه و همسکر شما بودند.

■ **تعادل زیادی از ۳۷ شهید جهاد سازندگی، از دوستان و هم زمان من بودند. همین جای داد من کنم از همه شهدا به ویژه شهید حاج خلیل تبریزی، شهیدی که کنار جاده شلمجه - خوش شهر با هم بودیم و در نهایت همه مجاهد هایش، در والخر ۸ روی جاده قاو - ام القصر به شهادت رسید. ایشان از شهدای شاخص جهاد بود که نقش زیادی در جنگ داشت. شهید ای ایانلوا، روز سوم خرداد، دیقای در لحظه ای که رایه اعلام بیرونی می کرد، همان جایی که جاده را شکافتیم، همراه شهید عباس ملک مکان بر اثر اصابت کلوله تانک به شهادت رسیدند.**



و مهندسی در آن شرایط سخت و مشکلات

بود. یکی از مؤثرین

عوامل پیروزی در عملیات طریق القدس بود.

پل که تحت هر سختی و با وجود مشکلات

رسیار ساخته شد. همچنین احداث پل خیز

در عملیات کربلای ۵ به عنوان یکی دیگر از

عملکردهای ارزشمند جهاد سازندگی ماندگار

شد. مجموع این کارها باشد شد پیروزی های

پی بدیل و اقتدارخواه بزرگی در دوران دفاع

مقدس رفاقت، محروم، والغیر

و کارهای خارق العاده ای بود که در مجموعه

جهاد بیان عبور و پشتیبانی نیروهای زمینه

از عملیات های ساخته شده دست پیدا کنند.

جهاد سازندگی در عملیات های بیت المقدس،

هرچند که این ابتکارات، یکی از اکثر

پیروزی مردم ایران بود. جهاد چه ابتکارات

در جنگ پیروزی داشتند.

■ یکی از ابتکارات در عملیات خوب بود که

به کم سپاه به ساخت پل خبری به طول

۱۳ کیلومتر منتهی شد. طولانی ترین پل شناور

که آن زمان ساخته شده است. این پل شط علی

به ما اعتماد کردند و پهلوهای جهاد سرور

دادند و مشکر پسنداند. آن هم به ساخت جاده

جهاد سازندگی به ساخت سلسیلات هم

ورود گردید؟

■ چههای جهاد سازندگی یکی از اولین

موشکهای چشمگیری اسلامی را ساختند.

مسئلولان را توجه به شناخته که از ما داشتند،

به ما اعتماد کردند و پهلوهای

پشتیبانی روزنده اند. این پل را در خط شرق دجله و بین

در خط جزیره تونی میسر ساخت. کار بزرگ

دیگر جهاد در عملیات خبری احداث جاده

سید الشهداء^۱ بود. جهادگران در عملیات

والفجر ۸ از احداث خلیزی در مجموعه ای

مختلف ساخته دیگری، به خصوص روی جاده

استراتژیک قاو - بصره و در اتصال خط دفاعی

کارخانه نمک به جاده البخار، رودخانه اروند و

نیز امکان فروخته شایانی به سپاه کردند.

احداث پل بعثت به عنوان شاهکار مدنی

روی رودخانه اورنورد در مدت شش ماه در

منظقه بالاتلاقی و عمق ۱۸ تا ۲۰ متر در عملیات

والغیر بود. پل بعثت به عنوان یک کار بزرگ

و مهندسی امنیت اسلامی

با این امثال اینجا می باشدند.

■ چهاد رساندگی از قبل عملیات باید منطقه

را برای حضور و امدادی نیروها آماده می کرد.

یکی از اقدامات ما آماده سازی بود؛ آماده سازی

جهادهای ها^۲ هنگام اجرای عملیات های بزرگ

و مهندسی امنیت اسلامی

با این امثال اینجا می باشدند.

■ چهاد رساندگی از قبل اینجا می باشدند.

چهاد رساندگی



نقش مهندسی رزمی در قبل، حین و بعداز عملیات‌های دفاع مقدس



دکترسید جواد هاشمی فشارکی

زمان ممکن، زمین را به نحوی آرایش بگذند که بتوانند در مقابل تیر مستقیم محفوظ باشند و در مقابل تیرهای منعکس هم حداچیل آسیب را محتمل شوند. با اکر با محدودیت‌های هوایی محدود شوند. سپاهی می‌ستفرا می‌شده و موظف پودرم تا آخرین توامان آن منطقه را حفظ نمی‌کنند اما چنانچه که متواتست به حفظ یگان و محدودیت یگان و اجرای مأموریت مکنند. توامندی‌های یگان‌های مهندسی بود. در سپاهی از عملیات‌ها، ما پس از برپاری آرایش چند کاملاً عملیاتی هستند. در شرق رودخانه انتکای همه نواندی‌هایی که داشتیم، از موانع مخصوصاً مواعون آن عبور می‌کردیم.

نموده این عملیات خیر و نیز عملیات‌ها و فجر هشت بود. عملیات بدر که در شرق رودخانه دله انجام شد. انتکای این عملیات‌ها در حقیقت گلواه اجرای آن عملیات‌ها عمليات مهندسی بود که این توامندی جهاد شده بود و این توامان را داشتند که بتوانند با یک روش فریبیدند. قابل ملاحظه این عملیات‌ها عبور از رودخانه‌ای از جام به بدهند. حتی من شنیدم کارشناسان خارجی که برای ازدای از تنازعات چند که مدرن منطقه ضمور پیدا کردند در مقابل نظر این که صحبت شده باشد از داشتگاه‌هایی که نیروهای ما در آن جاها به عنوان مدرس و چه به عنوان مصل شرکت کردند، سوالات و مسئاله همه اینها در ارائه با بحث تکیه‌های عبور از رودخانه و تکنیک‌های عبور از رودخانه مختلط بود که ما در عملیات‌های ۸ سال دفاع مقدس انجام دادیم.

اکر خواسته باشیم نتیجه بگیریم، یگانهای مهندسی نقطه انتکای یگانهای مانوری هستند و برای هر عملیات و برای هر مأموریت، ضمور یگانهای مهندسی، راهکشاست؛ مخصوصاً اکر یگان مهندسی از حلقه‌های توامندی‌های این انتکاری هم حق برخودار باشد می‌تواند با استفاده از امکانات محلی که در اختیار می‌گیرد، کمک‌های سپاهی موتوری را به یگان رزمده انجام بدهد.

الف. قبل از عملیات

تصادف مخصوص تثبیت در فعالیتهای مهندسی قبل از عملیات‌ها را می‌توان امداده سازی منطقه و چنانچه این دفعه عملیات زمینگان اسلام علیه دشمن داشت. در امداده سازی، فعالیت‌های همچون راه سازی، پل سازی، احداث اوزار اسیان، سایت و آنچه می‌گرفت که در چهارچوب تثبیت خلاصه و تفسیری شود. برای مثال می‌توان به احداث جاده زمینگان نفوذی چهارراه سازنده در منطقه رعلی (سی) (بریز) در عملیات طرق القند و همین طور احداث راه نفوذی در منطقه کوهستانی و جملی در عملیات فتح المیبن اشاره کرد که نقش سپاهی موتوری در پیروزی این دفعه عملیات داشتند.

ب. حین عملیات

تصادف مخصوص تثبیت در فعالیتهای مهندسی در حین عملیات‌ها، به سرآزمای رسانیدن عملیات‌ها بود. بدین معنی که اکر همانه که با نفوذ رزمینگان اسلام، واحد مشترک بود بزای مثال اکر در حین عملیات واحد مهندسی نمی‌توانست موقع به احداث چادری شود، سرشوتن ععملیات‌ها در پرده ایهام باقی می‌ماند و ضمانت در بقای عملیات‌ها وجود نداشت.

ج. بعداز عملیات

تصادف مخصوص تثبیت در فعالیتهای مهندسی بعد از عملیات، در حفظ و نگهداری دستاوردهای عملیات زمینگان اسلام خلاصه می‌شود. آن دفعه عملیات‌ها در این دارد و ما در چند که به عنوان یک تحریر دقیقاً به آن رسیدم و دیدم که با توجه به محدودیت‌های فرآوانی که امداد چند داشتیم، تمام این سقف فراموشی توأمیم فقط با توامندی‌های مهندسی مرتقب نگیریم؛ یعنی اگر مبارزی آتش قابل توجهی سبست به شمش از داشتیم و یگان‌های ما در قابل آتش‌ها بشتابیم اسباب پذیر بودند. یگانهای مهندسی می‌باشیم اسباب پذیر بودند،

مهندسه نقش محوری در شکل گیری خط دفاعی، پیشگیری در عملیات‌ها و حین و بعد از عملیات‌های رزمینگان و بز مناطق پیشگیری و نقاط استقراری یگانهای داشته و تأثیر زیادی در امر اتفاق امنیت جانی و خسارات مادی دارد و است.

رسالت عملیات‌های رزمینگان اسلام علیه قوای شدم من خلاصه و تفسیر می‌شود. به این معنی که هرگاه این عملیات مهندسی نمی‌توانست نقش خود را بخواهیم و طبق برنامه انجام دهد، ضمانت برای حفظ و بقای عملیات‌ها وجود نداشت؛ علاوه بر آن که در حین عملیات خسارات سپاهی موتوری از لحاظ جانی و مالی وارد می‌شد.

وجود «ثبات» در جبهه‌ها در رابطه با عملیات مهندسی و مراحل مختلف عملیات‌ها اتفاق نمی‌افتد. مهندسی در مراحل اولیه این عملیات‌ها معمولاً فعالیت‌های رسانیدن «خطوط عملیاتی رزمینگان اسلام» مشترک بود بزای مثال اکر در حین عملیات واحد مهندسی نمی‌توانست طبق برنامه‌های از پیش تعیین شده نمایند و این احداث چادری کند. اطمینان نسبت به حفظ دستاوردهای عملیاتی هم و مفاسد را می‌قابل ایجاد کنند. (ضد) حمله دشمن وجود نداشت. همچنین در رابطه با جبهه در نقاط کفر و ایجاد محورهای نفوذی و بالادهای پل بر روی رودخانه‌ها و آبروها چه عبور رزمینگان و که همه نمایانگر نقش مهندسی و رسالت عملیات مهندسی در ایجاد ثبات و قائم در طوطو مقدم جهجه‌ها بود. با تقسیم مراحل مختلف عملیاتی به سه بخش (قبل از عملیات، «حین عملیات» و بعد از عملیات)، باید اذاعان داشت که واحد مهندسی در تمامی مراحل عملیات ضمور داشت و مستولیت‌های مختص خود را به دوش می‌کشید. منتها این تثبیت کنامی فعالیت‌های مهندسی در عملیات‌ها در «ثبات» و «ثامن» خلاصه این دفعه از وقایعیت می‌شود:

مهندسی دفاع مقدس و آموزه‌های آن

گفت و گو دکتر سید جواد هاشمی فشارکی، عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین (ع)

مہندسی
درجہ

و... صورت گرفت و مهندسی با اقدامات خود در باز پس گیری مانع انتقال اشغال، نقش مهمی را ایفا کرد اکه اگر نبود این اقدامات اسلامی، با عملیات های موافق نمی شدند و با اکر موفق شدند، نمی تو ساختند تثیت و حفظ شوند.

اما مریت چهارم، مساله پشتیبانی مهندسی از عملیاتیان نظامی بود. پشتیبانی مهندسی در مرحله تدبیر متوجه اشغالی و نیز در مرحله تقویت فارسی مرداز و ایجاد امنیت برای کشور بود که رمزدگان مهندسی، با قوه اینکار و خلاصتی بین رنگ خود، محدوده های بین اینکل خلق کردند. ساخت و نصب پل شناسو خیره طبله ۴۰ کیلومتری بر روی دریاچه های در عملیات خوب، احداث جاده هایی بر روی دریاچه هور برای اتصال به جزایر مندون و نیز ساخت و نصب پل شناسو و محکم و بین پل مهندسی ایجاد و بالغ بر روی سرت رودخانه خروشان ایجاد و نورد و بین ایران و افغانستان های امن و مستحکم و مجهز صحابی، مانند بین ایرانستان فاطمه الزهراء، این ایجاد و نمونه ای از این اقدامات است.

پیچمین ماموریت مهندسی رزمی، مقابله با خطرات ایمنی شهروندان بود. دشمن تهاجم اوزار طول ۸ ماه چنگ تحمیلی، به وسیله بمباران و موشک پاران، زیست‌سازمانی کشور، از جمله پل‌های مهم آنها، نیروگاه‌ها، ایجاد شده‌ها، فروگاه‌ها، تانری‌ها، را خراب کرد و با خسارت فراوانی آنها را برداشت. اما مهندسین کشور از این خسارات خود، در مرحله دسترسی به ایستگاهی از اقدامات خود، پس از تلاش کردن سپس به یاری از مهار خسارات لذا، دسترسی به ایستگاهی از اقدامات پنهان کننده هم ایشان را اینجا پرداخت. دسترسی به ایستگاه از این طریق بسیار ساده‌تر بود. این امر ایجاد شدیدی در میان ایستگاه‌های اسلامی مردم تخت فرش امام رضاعی که دشمن دنبال میکرد و آنچه شنید. تابانی ایستگاه‌های اسلامی مردم تخت فرش امام رضاعی در خدمت اینین شهروندان بود، این‌جا که شهرهای مختلف کشور را بینی داشتند. مهندسین کشور را در امان نمایندند و خسارات و تلفات فراوانی را تجھیم شدند. از این پس، مهندسین کشور شدید ترین خسارات را در این ایستگاه ایجاد کردند. جوچه تاثیین امینت جانی و روانی مردم، نسبت به این اهداف ایضاً فضای ایمنی ایران اسقاط مردم و نیز ایجاد شرکهای عصی و اختصاصی، در این دست مقترات کشور را تثافت کردند. این اهداف نیز دسترسی به ایستگاه ایمنی از راه عمل ایجاد شدند. این ایجاد نیز سبب شد که ایستگاه ایمنی از این طریق بسیار ساده شد.

زیرا در مرحله اول تهای جام غل‌گیرکننده دشمن درروزهای آغازین چند تا بیان می‌کند که درروزهای پیش از نبران مدعی سرمهزنی است و با خوش اراده امدادات، مانع پیشروی دشمن شدن است. عملیات انتقامی اب ایشان ب دست خود رساناند. طرح سدید شریف، کمال شهدی‌چمران، کمال غذیر و ... را با جاذبه موافق یا بر سر دشمن، سبب زمین گیر شدن لشکر زرهی دشمن شده است که گوئی ای که ادامه تحرک از دشمن سابل گردید و دشمن مجبور به توافق در پیشوایی های خود شد. و این اینها زیاد گردید را تصرف می کردند و عملیات های زیادی برای بار سبک گرفتی آن نیاز نداشت و خودهای پیش از نبران رخته می شدند و بعد از مدتی سپاه ازگار بود. به عبارت من توان گفت دشمن در تصرف اهداف اولیه امامی خود، با مشکلت مواجه شد و یکی از ادلیل آن آن همین اقدامات مهندسی زمینگان مهندسی داشت. در این قابق مقصوس بود.

از نقش و اهمیت مهندسی در دفاع
قدس برایمان پگویید.

■ دفعه مقدس هشت شنبه، حاصل نلاش
دلبریدن زندگان رفته و مقدس رفته های
چشمگیر و نظری کرد. سد دفاعی
خط کش را زندگان پیاده سپیسیت نشکل
می دادند و بزی موافقین عملیات ربخشی
دیگر درگز نشانه های روزه بود. زیرا اغلب بخشش های
مهندنسی، وزره بود. مهندسین پیش از عملیات
دان واسطه بودند. مهندسین پیش از عملیات
با پستی تمهیل از رفاهم من کرد و حین
پستی اتفاقات نیز با پستی کارکر و جاده و رفراز
من کرد و بعد از عملیات نیز با پستی نسبت به
ایجاد استحکامات اقدام نموده که جانچه
نیز اقاماتی صورت نمی گرفت، ثبت
موافعه زندگان میسر نمی گشت.

ماموریت مهندسی در دفاع مقدس چه بود؟

اسلام، در یک سلسله عملیات بین نظری و موقع به باز سپری مانع اشغال شده از دست دشمن شدند. در این عملیات های بزرگ، ارتقاندی همدنس، کوک رکن گاهی که می باست بر ارتیاط زمینی جهت ایجاد پشتیبانی از پیشوای رزمدگان تأمین می شد و این امر مهم، طاری و احداث پل های سریع نیز بود. از این ایام، این ارتقاندی ها در زیر دخالت اردون فربی داشتم، اخراجی تبول در زیر دخالت اردون



• نوآوری در ساخت قاچاق‌های چوبی برای عبور در مداربها و هور و نیزراها.
• ساخت بالی به نام ابابیل برای مناطق تندگی ای جهت بروزد و با هوایپماهی ای عبوری دشمن.

...و

چه درس‌هایی از تجربه مهندسی دفاع مقدس می‌توان گرفت؟

■ دفاع مقدس، دارای اثوبهی از تجربه شیرین و تلخی است که به عنوان یک چیز بزرگ برای باستی مورد کاوش فلک قرار گرفته، از آنها بهره برداری شود. بخشی از آن به عنوان حفظ هویت تاریخ پر افتخار کشیده رسانید و بخشی نیز به عنوان کاریست آن برای آینده استخراج شود. گرچه ممکن است که چندی مشاهده بر ایارع از اخواهیم داشت و لی با طبقیک با شرایط حال و آینده قابل بهره برداری خواهد بود. چه اینکه سپاهی از اقدامات بعد از چندی، با روحیه ای امن (موتاویم) دفاع مقدس شکل گرفت. بخشی از نوآوری‌های دوران دفاع مقدس، بهخصوص در بخشی دیگر شرکت‌های امنیتی ای اعماق از اقدامات دیگر گردید.

تعریه دیگر اینکه، بخشی‌های مهندسی کشور در زمان شروع جنگ تحملیم، به دلیل عدم آمادگی و بخشی ای از افراد ای اقدامات بعد خسارت‌زدایی در مقباله بازداشت‌ها متحمل شد و دیده‌ی زمان در برداشته مور و مهندسی ای اقهه خلاصه نهاد. خود را برای شرایط جنگی کشور آماده کرد. بنابراین در شرایط فعلی که فرضت هست، باستی تمدیدهای لازم جهت آمادگی‌های لازم در بخشی‌های مهندسی دستگاههای دولتی و شهرداری‌ها... صورت پنگیده از آن آمادگی لازم برای مواجهه با بحرانهای اختلال، بروز خودار شد.

تعریه دیگر این است که در طراحی و اجرای پروژه‌های ملی در بخشی‌های جیان و حساس، تمدیدهای لازم معمول برگردانه ای انتسب پندری را داشته باشد و در صورت مواجهه با خطر بین‌دانه در سرعت بران فاصل ایند. تجزیه دیگر اینکه ما در چندی به صورت تجزیه ای اقدامات را بکه ای بستیم؛ لکن در شرایط فعلی، باستی مهندسی و شرکت‌های مهندسی، از امکانهای لازم برخودار شدن و در طراحی هاشان، تمدیدهای لازم را برای شرایط احتمال آینده پیش بینی کنند.



آشنایی با ویژگی ها و نحوه ساخت پل شهید هزارستان

مرتضی نرمائی

پل، مهم‌ترین بنای راهسازی و با اهمیت ترین بخش مهندسی رزمی در آفند و پدافت محسوب می‌شود. وجود مواد طبیعی مثل آبراهه، رودخانه، هور... در عرصه نبرد جنوب و غرب کشورهای ضربوت کندر از آن به پل‌های و متناسب با وضعیت جغرافیایی منطقه بسیار نیاز داشت.

جهادگران سنگساز در طول هشت سال دفاع مقدس و همراهی با زندگان اسلام، موفق شدند در جنوب و غرب کشور ایجاد راهات متفاوتی انجام دهند که احداث پل، یکی از دهه حرکت ابتکاری آنان محسوب می‌شود.

پل پیشگاهی روز روختانه بهمن شهر، پل دوهای رودخانه کارون، پل لوله‌ای رودخانه شیراز، پل پلی خداهواز خوش‌شهر پل زندگان عبور از کمال، پل کهگیلویی رودخانه شیراز... از نمونه‌های ابتکاری در پل سازی توسط سنگسازان پی‌ستنگار بود.

در این مقاله، چیزی که احداث پل دوهای بربری رودخانه کارون با نام پل جهادگران (پل شهید هزارستان) که امکان عبور برادران رزم‌نده لشکر امام حسین (علیهم السلام) از شهربار داروخنی تا عرصه زم در عملیات خیر را به وجود آورد، با ذکر تاریخی و اعلانی آن ارائه شده است.

موقعیت محاصره آیا دان

عراق که مدت‌ها قبیل از حمله توسط قدرت‌های امپریالیستی جهانی و ارتاجاع منطقه از نظر نظامی، مالی، فکری، سیاسی، تدارکاتی و تبلیغاتی پشتیبانی می‌شد، پس از آنکه حمامه مقامات در خوش‌شهر حدود یک هاچ ازش آن کشور را بست خوش‌شهر متوقف کرد، به محاصره نمی‌ازد اتفاقاً نمود از طریق شلال شهر خوش‌شهر، به طرف پل مارد رفت، پس از کندر از رودخانه کارون، در منطقه مار، به طرف بهمن شیر رفت و در کوی دواخلاقی اوارد شد اما توانست آیا دان را انصاف کند و توسط مردم در همین نقطه متوقف و پس از چند روز به غصب رانده شد.

جغرافیای رودخانه بهمن شیر

رودخانه دائمی بهمن شیر از رودخانه کارون در محل وروزی شهر خوش‌شهر منشعب شده، از منطقه فیاضیه در شمال غرب آیا دان تا خلیج فارس ادامه می‌یابد. جهت حرکت آبرودخانه از شمال غربی آیا دان به طرف جنوب شرقی است. این رودخانه که محل تردی لنجهای ماهی‌گردی و قاچق‌های موتوری است، از ایستگاه ۱۲ و ۱۳ آیا دان می‌گذرد و پس از پشت سر گذاشتن کوی





ذوالفقاری در حاشیه جنوبی، به سوی خلیج
فارس می‌رود.

در حاشیه این رویدخانه، نخلستان‌های بزرگی
وجود دارد که توسعه کشاورزان منطقه احداث
شدته است. چزو و مدودخانه همراه با چزو و مد
درباست و لذا آب شیرین، ولی گل آسود کارون
که از این رویدخانه به طرف خور عبدالله می‌رود،
گاهی در اثر مدیریا شورشده، و پس از گردگویی
پیدا می‌کند.

طرح پل بشکه‌ای بهمن شیر

در پیش‌گفتاری که روی خبرشیر اشغال شده بود و
آبادان نیز در محاصره اتسون مدنی از راه را دارد،

نیروهای رژیمی معاوه‌های شهر نیاز مروری به
عملیات پشتیبانی و ارسال مهمات و تدارکات

داشتند. از طرفی به منظور مقاومت در برای
ارتش مجهز شدند، نیز از این امکانات

و نیروهای رژیمی بود. سدرا شهید امداد مصطفی
هزارستان و دیگر نیروهای ایشانگر جهاد

سازندگی استان اصفهان، دست به یک ایکار
و خلاصه از سیار جالب در زمینه احداث پل بر

رویدخانه بیاوریم و آنها را داخل قلّق گذاشتم تا
درون آب بیفتدند، صدمم به احداث پل گرفتمنم.

ملاظمه‌نمی‌کنید به همه چه شکل گردیدم
و به جول و قوه الیه و با گمک فکری که خداوند

عالی نیابت فرموده موقع شدیم پل زیرین که
ماشین از روی آن ترددیم کرد. از آن به بعد وقتی

دیدیم علکردش صحیح است، شروع کردیم
پس از احداث این پل بسیار مهم، سازندگان

آن انسان به ساخت پل دیگری در محل
اتصالهای درودخانه وحدت به

بهمن شیر نمودند که در خارج شدن آبادان
از محاصره دشمن،

تا نیز چشمکبری داشت، در حقیقت با
احداث پل بشکه‌ای

شهید هزارستان و ایشانگر جهاد
بهمن شیرپل احداث کردند، این اولین پلی بود

(به مسئولیت سدرا) رشید محمد طرحی
شهید محمد طرحی

فیاضیه به ان طرف بروز مرطوب می‌گردید.
که رده منشد و ارتیاط رویدخانه بهمن شیر را در

طب رویدخانه بودند، بدون آنکه کوچک‌ترین راه
عبوری، غیر از آب و قافقازی داشتند، باران

زمینه، رزمی‌ها را می‌آوردند و تاکن آب داخل
قابیقها می‌گذشتند و به این طرف منتقل

می‌کردند. ما رزمی‌ها را مشاهده می‌گردیم که



رویدخانه بهمن شیر، عملاً مقدمات شکست
حصار آبادان در عملیات تامن الامم، فراهم
گردید.

جمع آوری بشکه

تک تک بشکه‌های موره استفاده، از داخل
پالیسکاه آبادان جمع اوی شد. این در حالی
است که کل پالیسکاه زیر آتش مستقیم
و کمان دشمن شوند و امکان رفت و آمد در
پالیسکاه با خطر صد رسیده مواجه بود، اما
نیروهای معقد و ایشانگر جهاد سازندگی و در
پیشایش آن، شهید هزارستان، برای جمع
اوی بشکه‌ها از اغلب پالیسکاه و محل به
 HASHIWEHIE جهادیه شهیدیه هزارستان، نهایت ایثار امدادند.

ساخت پل

پس از آماده سازی
اماکن و وسائل مورد
نیازیار، کار ساخت
سطوحه‌های موره نظر
در حاشیه رویدخانه
شروع شد. برای اتصال
 بشکه‌ها به مدیکر،
کلاف‌های بانیشی و
میل کرد ساخته شد
و بشکه‌ها در آن قرار
گرفت، بدین ترتیب،
پس از آن، پل به طول
۱۵۰ تا ۲۰۰ متر احداث شد
تا ماشین‌های کوچک
بنواند راهی از روی
آن عبور کنند.
باران سیاحتی می‌گوید؛
ایکی از فعالیت‌هایی که

**سردار شهید «مصطفی
هزارستان» و دیگر
نیروهای ایشانگر جهاد**
سازندگی استان اصفهان،
دست به یک ابتكار
و خالقیت بسیار جالب
در زمینه احداث پل بر
روی رویدخانه بهمن شیر
زنده، آنان با استفاده
از بشکه‌های خالی و
اتصال آنها به یکدیگر،
توانستند از طbat الم
را جهت پشتیبانی از
زمینگان مستقر در منطقه
آبادان برقرار سازند.

بعضًا درون آب می‌افتادند. برادران جهادگر،
پیشنهاد کردند که روی مهمن شیر، پل احداث
شود تا تردد زمینگان با سهوهات انجام شود.
کچه ما بآhadat پل آشنا نیویم؛ اما جوون آنها
پیشنهاد کردند که شهادرن مصل پل احداث
کردند تا اقل توانی رضم‌ها را به این طرف
رویدخانه بیاوریم و آنها را داخل قلّق گذاشتم تا
درون آب بیفتدند، صدمم به احداث پل گرفتمنم.
ملاظمه‌نمی‌کنید به همه چه شکل گردیدم
و به جول و قوه الیه و با گمک فکری که خداوند
عالی نیابت فرموده موقع شدیم پل زیرین که
ماشین از روی آن ترددیم کرد. از آن به بعد وقتی
دیدیم علکردش صحیح است، شروع کردیم
پس از احداث این پل بسیار مهم، سازندگان

آن انسان به ساخت پل بشکه‌ای، نیروهای

زمینه توانستند با استفاده از خودروهای
سیک، به این سوی بهمن شیر تردند،

ماهوریت خوبی‌های خوبی را به پشتیبانی از
مدفانهای آبادان، به انجام برپا نهادند، با بهره برداری

از پل بشکه‌ای شهید هزارستان، این امکان به

وجود آمد تا زمینگان بتوانند نسبت به تخلیه

سریع محو راه عملیات از منطقه آبادان و
اعراض نیوی از این اندامه بر روی رویدخانه

به این مناطق، بخش عده‌ای از نارسایی‌ها و
مشکلات زمینگان مستقر در آبادان را بر طرف

نمایند.

شهید حاج مصطفی هزارستان قبل از شهادت،

در مردم پل بشکه‌ای بهمن شیرمی‌گوید:

«قلی از عملیات تامن الامم بهمن شیر

دهندند از طbat الم راه

شهید محمد طرحی

فیاضیه به ان طرف بروز مرطوب می‌گردید.

که رده منشد و ارتیاط رویدخانه بهمن شیر را در

طب رویدخانه بودند، بدون آنکه کوچک‌ترین راه

قفلی خلی بازدیر اش زیادتر باشد. ما دوچه را راکتیون و به هم لوکردمیم به استنگاه دوچه را هم روکردیم. سوون سه دستگاه باقی ماند. حدود ۳۰۰ متربر، آواره اما همچو لولا کروز بازدیر این حرکت این شده که ازوی روی پل بشکه ای، حداکثری توپویتا یا ایندیا مولوس من گذشت: اول ازوی ایندیا، روپرها نان چنچن من اوردند و بشکه ایان، بشکه ایان در دندانه مقدم، یعنی بازدیر این، از اول خلیل زیادتر بود. ازین استفاده دنیم که از همه نوع خودروهای قابل استفاده هست: زمان شروع کردیم ازین ایندیا استفاده کنیم از جمله زیر یزد به ۷۵ متر برای جاده وحدت (جاده خانی ماهشهر - آبادان) که به گفته برادران سیاه و اربنت، این یاری نقش سیار داشت. در شکست حصر آبادان شدت: چون کلیه ترددیها از این طرف احتمام مشد چون گذشت کمی از آتش دشمن دور بود، به همین خاطر در شکستن محاصره آبادان مکرراً بیکار آران بود. بعد هر جای دیدگر که دوچه در دست داشتیم، بعدها در هر چیزی که دیدگر که دوچه در دست داشتیم، بعدها در هر چیزی که دیدگر که دوچه در دست داشتیم، بشکه های این دنیم، معمولاً با بشکه های پلی امداد هستند. این دنیم اگردوهه در دسترسی پول، پل بزرگ تری طول ۱۵۰ متر، برای عبور ماشین کوچک از این دنیم اگردوهه در دسترسی پول، پل بزرگ تری احمد امداد هستند.

شناخت دوبله

سطحه با رارج پا دویه، مکعب مستطیلی است
فازی یا کوچک است که بتوت خالی ساخته است و
بصورت شناور بر روی این قرار گیرد. این
و سیله به منظور نقلاتی بار و سایل-ستکن
استفاده می شود. کارکردی دویه برای ساخت
پل بر لایه خاطر خصوصیت ساخته بودن قسمت
آن است. همچنین شناور بازی این
آن-ترن-خصوصیت دیگری است که این امکان را
دهد تا در این سمت اس تن اتا زن این و سیله برای
ساخت پل استفاده نمود. دویه با دارای حدود ۱۰۰
متر طول و ۱۰ متر عرض است که با از-قاعده
۵۰- سانتی متری خود، ارادی ۱/۵ تا ۲ تا ۰۵۰
متر و قادر به تحمل وزن در حدود ۱۰۰
متر باشد.

شروع کار

پس از روشن شدن طرح احداث پل و تایید آن توسط قرارگاه مطالعات کافی برای شناخت موقوعیت محل و امکانات موجود در منطقه آشنا شد. شناخت جغرافیای حاشیه رودخانه و تحقیق پیرامون امکان احداث پایه و مهارپل لازم بود.

ما در آیادان داشتیم، ساختن پل فاضلیه بود که بانیشی‌های شش متیر کلاف می‌ساختیم و بشکنها را داخل کلاfterها قرار می‌دادیم که به صورت یک دووبه شش متیر در آمد و چون بشکنها خالی از مواد بود، روی آب بماناور می‌شد. بعد به گمک‌لواد کلاف‌ها را به مددیگر تخلص می‌کردیم تا برق روزخانه را گیرد. یک پل طرف خسروآباد که روی بهمن شیر قرار داشت، اهمیت این پل به مورث بود

جاده وحدت، یک پل دوپهراه در انتهای جاده
وحدت و محل انتقال جاده به ورخانه بهمن
شهر احداث شود که ارتیاق آبادان به شهر
قرار گیرد.
برادر مصطفی هزارستان قبل از شاهدات در
موردن پل دوپهراه بپرسی روذخانه بهمن شیر
آزادی را در خود نداشتند و میگفتند:
- به مردم خودنگرانی شنستند.
- به مردم خودنگرانی شنستند.

ایکی اخراجتکاری کے از بول اول داریم، این است
کہ عراقی ہا یک شب کہ آب رہ روختانے کا رون
بالاً آمدہ بود، سہ تانچ دوہی برکار روختانے
رکھ کردن، این وہیں ہا باری نیش افدادہ بود
عقاری، ہا طاباں ہا ربارا
کہدہ بندہ و ہدہ بارا
من گوہ، رہ دشکنے را از سر، کنار همدیگر
می گذاشتم و قسمت صخیم آن را به همدیگر
جوش می داریم و بنشکه ها جوش کاری شدہ
را کنار همدیگر می چیدیم و کیبل گردی از روی
آوارہ و میلگردی از بیر آئها می کشیدیم و از
سر ہمہ بنشکه ہا یک

به طرف پل بهمن شهر
هادیت کردند که پل
پل بشکاهی ماند با بخورد
و آن را مراهم کند و
تفربیا به خواسته خود
جامه عمل پیوشنداشت.
و ای دیگر من دست نداشت
که خداوند شرود
هر راهی که سسته شود
را دیگر برای بنده
لذت بدم.

پلی زدیم به طول ۲۵ متر
برای جاده و حدت (جاده)
خاکی ماهشهر-آبادان()
که به چهار گفته برادران
سیاه و ارتش، این پل.
نقش بسیار مهمی در
شکست حصار آبادان
داشت: چون کلیه تردها
از آن طرف انجام میشد.

بعد از احداث با
اتکار پل دوبهای
سیم بکسل گذارنده
منشد که با پایهای
با مشکله جاوه داده
می شد و سمهه را در دو
طرف رودخانه به نخل ها
بسهنه منشد تا دراز
حرکت آب بتواند در جای
خود خودکشی کند.

اتکالیا دعوهای

بیانات

که امکان رفت و آمد در
هر دو حالت جزو و مد
وجود داشته باشد.

مشخصات فنی پل

پل دوپهایی جهادگران
با طول ۲۰۰ متر و عرض
۱۰ متر احداث شد: اما
برای اینکه لبه های پل
حفظاً داشته باشد، یک
متر از طرفین پل با نرده
حفاظت شده کارهای عرض
مغاید آن ۸ متر است. این پل، تحمیل ۵۰۰ تا
۵۰۰ تن بار راه خوبی دارد و توجه قطعات دوه بای
تعویض آن و جایه جایی دوه های سالم امکان
پذیر است؛ این پل دارای مزت جمع اوپری و
نسبت سریع است و سطح آن توسعه میل گرد.
عاج دار شده تا از لغزش خودروها پیش گیری
شود.

نتیجه گیری

نیروهای مخلص و ایثارگر جهاد سازندگی، با
انجام طرح هایی قابل توجه در دفاع مقسم،
شعار «خواستمن، توانستن است» را در عمل
به اثبات رساندند. اراده مستحکم و عزم اسراخ
امت شهیدپرور و پیروزه جهادگران برای و
پرکار، دینی استئکاریابانی واقعیت آشنا کرد
که امت مودو و یکارچه که تصمیم بر استقلال
گرفته است، پیروز است. درین راه، به کارگری
علوم و فنون همراه با تجربه، توانست این نتیجه
را به همراه داشته باشد که مبنوان از وسائل
نحوی در منطقه، بهترین شهود استفاده
نمود و راه پیروزی بر دشمن راهموار ساخت.

مکعب به ابعاد چهار متر با بن ریخته شدند
که پس از لولاندن دوه های به همدیگر، آنها را

چهار ماه طول کشید تا
آینکه دوه های چوکسکاری
و امداده شدن تا به

همدیگر لولاشدند، با
سیم بکسل به پایه ها
بسته شوند و بدین
صورت پل امداده بهره
برداری گرد.

محل احداث پل

پس از بیشتر سرگذاشتند حدود ۵۰۰ متر از
جاده اهواز - آبدان از سه راهی شادگان و از کار
دارخوینی به طرف آبادان، جاده ای اتکار رودخانه
کشیده شده است که جاده آبدان - اهواز را به
حاشیه کارون منصل می کند. در همین نقطه،
پایه های پل در زمین پر فرقه است و پل بزرگ
جهادگران را استحکام می بخشند.

انتخاب دوهایها

اولین چیزی که پایه امداده می شد، دوه هایی
بود که به عنوان مواد و اساس بنایی پل به
کار میرفت. برای اینکه از سه راهی شادگان و از کار
دارخانه کارون و بهمن شیر و بخش هایی از
رودخانه اوروند امکان مستحکم و انتقال و جود
داشت، موده برسی و وقت گاری که چوکسکاری در
آغاز پل، این راه احداث پایه های و بتوهای
و اسناد کار بنا نمایند و انتقال به محل احداث
پل انتخاب شد.

خروج اگل ولای

پس از امداده سازی پل بر روی آب رودخانه ای
انجام امور دقیق چوکسکاری و ساخت لوله های
مربوط دوهایی کی به وسیله بدک کش
در راستای همدیگر و در عرض رودخانه قرار
گرفتند تا لوله های به همدیگر متصل شده بیل
امداده بهره برداری شود. ایندا و انتهای پل که
به کار رودخانه مخصوص است، برای اینکه بودند
لذا برای شناسور شدن آنها بر روی آب، نیاز بهم
براین بود که آب و گل و لای درون آن را تخلیه
نمایند. شهیدگار رودخانه ای را با اینکاری
دیگر تواست تعداد بیشتری از دوهای را بر
روی آب شناسور نماید و به کمک بدک کش، آنها را
به محل احداث پل برسانند.

پایه پل

با توجه به اینکه احداث پل با طول بیش از
دویست متر بر روی رودخانه ای که جریان آب
نسبتاً شدید است، نیاز به استحکام زیادی
دارد. لذا برای به وجود آوردن چنین استحکامی
ضروری است که پایه های قوی در ماحصله
رودخانه احداث کرد. خاک بدای، بتون بزی و
دیگر مواد اجرایی آن نیزی از موادی مثل بیل
مکانیکی، هرزتیل و دیگر سوابل فنی مهندسی
دارد که تمام آنها توسعه جهاد سازندگی استان
تأمین شد.

در کنار رودخانه، پایه های سیمانی به صورت



بغس



بزرگان سید السُّعداء

خطاطی از سختی‌های ساخت جاده سید الشهداء در عملیات خیر

گزارش دادن کرد. گفتم: «آقای ستارا ما ان یک کیلومتر جاده ساختیم، رفتیم توانیم. دیگر کمپرسی هم دیده نمی‌شوند که عراقی‌ها به خواهند بینند. قیش هرچی خاک می‌برخیم فراموشی، که می‌فرستی. همان‌جا شده و خاک‌ها کمتر در می‌روند». جاهایی که نی نمود جاده سایز سخت تر بود. در افزایش دعوا شد.

گفتم: «آقای رضایی‌الا و بلان ول من کنم من موافقان ندارم و ایسم. با من با سیاه».

آقا محسن رضایی محکم تصمیم گرفت. گفت: «آقای ستار و فقایه اسلامی می‌روند جاده علی. چهاد می‌داند». گفتم: «اما امکانات می‌خواهیم. آقای زنگنه باید باید آن موقع وزیر چهاد بود. زنگ دند و آقای زنگنه آمد. تصمیم گرفتند که پانصد تا مائیل از سراسر استانها به ما مأمور کنند. ما سه هزار ختا روپو می‌خواستیم. حدود دو هزار کمپرسی مردمی بودند که من مرتفع از معادن رامهرمزن شن و ماسه آورند. پانصد دستگاه هم از خود استان خوشیان بود که حدود ۱۰ تا بیشتر دست سازمانهای ارگاه ما بود. آمد. آقای ستار وسیلی از پارک گرفتند. درستگاه‌ها بشپوش و پروپل خاک بیرونی بود که حدود ۱۰ کار، عشق و علاقه و شور گرفت. پیشوای جاده از روزهای متوجه رسید.

کمپرسی‌های مردمی

در عملیات خیر، ۲ هزار و ۴۰۰ کمپرسی به کار گرفتیم. ۲ هزار دستگاه آن کمپرسی مردمی بودند. حدود یک هزار و ۴۰۰ دستگاه آن را استاد مرکزی از طریق استان‌ها فرستاد. حدود ۲۰۰ دستگاه هم از خود استان خوشیان آمدند. به اینها بول من مددادن تا شش را از رامهرمزن حمل کنند. هر برای کمی از این دستگاهی بول من آمدند. حدود ۵۰۰ مائیل هم مربوط به جهاد شانزدهی بود و از افزایش چهارم، کربلا و اربعین آمدند. به این‌دادن کمپرسی هم نباید داشتیم، کمپرسی که از یک شهستان من آمد و مثلاً داده اند. یک ماه بود و می‌رفت و دیگر بزمی‌گشت.

افتادند. مأشین‌ها که راه رفاقتاند، رفتیم قرارگاه و گفتیم: «آقای رضایی کجاست؟ گفتند: «رفته!» تهان گزارش بودند. گفتیم: «آن رفتیم بروم!» دیگر کمپرسی هم شده! آقای محسن! این طوری جاده تعطیل می‌شود». گفت: «می‌خواهم بروم و ضو بگیرم». گفتم: «می‌خواهم بروم. کار دارم». جلوی در استاد. گفتیم: «رفیق دوست آمد تا بار دید. چهار پنج تا لندکروز بودند. عراقی‌ها هم آنچه را کوپیدند و بمباران کردند. تعدادی شهید دادیم. چند مأشین‌ها تکه باره شد. اکراطیه‌نیان نداری ما را بسرا گفت: «فردا ساعت ۱۱ به قرارگاه بایدیم. فردا محمدیتی رضوی هم گرفته می‌شد. ۴۲۳ متر ارتفاع آب و حدود دو متر هم پاتلاق بود. گل‌ها را به سرو کله نیروهایی باشید. گلوله توب هم می‌آمد.»

آتش دشمن

یک روز محسن رفیق دوست خودش تصمیم گرفت بیاید و بازدید کند. پوچه‌های نگیبانی نگذشتند. اندیشیدند. اینجا اعتماد زیاد نمی‌تویند. لندکروز مچ شده بود. دیده‌های عراقی هم گردیدند. آتش سنجک توپخانه و بمباران شروع شد. چند تا از کمپرسی‌های ما بمباران شد. آنها برگشتد و گفتند. دو ساعت کار تعطیل شد. گفتند کمپرسی‌ها ترسیند.

رفتیم شیش کمپرسی نشستم و حرکت کرد. حاج محمد اسماعیل شهید! گفت: «نامرد!» فلانی خودش امده نشسته بست فرمان. دارد می‌رود. یکی امده مأشین را از من گرفت. رفتیم روی رکاب یکی دیگر استادتم تا همه بینند. مأشین‌ها راه



گفت: «چرا ناراحتی؟» داستان را گفتم. گفتم: «این بدری ها به در داد من خوردند. سلاح سبک دارند. فکر دیگر نکنید». گفت: «باش و بروم! با هم رفتم تا جاده هور رسیدم. تا چشمش به کاتنیز من افکار. گفت: «این کاتنیز چه؟»

گفتم: «بچه های راننده باید بینند که من اینجا هم کامی پیش می کشیم! آلبوم می خوردند». گفت: «خود همین کمپرسی که می استند خطرات اسما» گفت: «این خطرش خلیل راننده ای را که تترنده و تو خط رونده» همان وقت حاج محمد حاج اسامیعیلی استاد، راننده کمپرسی بود. خلیل شجاع بود. گفت: «اما به قدر امام آمد، هدفمندان را تاختنیم». وقتی صیاد آمد، فهمید که شدن من چه آتشی دارد. بیدار گفت و یک دوره و گفت: «این نظرها که نمی زند؟» گفت: «نه، این نمی توک کلوله ای! بد، به معافونش کس کشه و گرفته و کلوله ای! توپخانه ایش بود گفت که توپخانه فلان و فلان این مسیر را می زند. باید خاموشش کنید.

گفت: «اینجا یک آتشبار توپخانه می اوری! آنجا ایستاد. صیر کت تا چند کلوله آمد. به آتشبارهای توپخانه دستور عالی داد. وقتی آتش رختند، دود غلظی و عجیب باند شد. تا درور عده ما یک کلوله هم ندیدیم. یک نفر را آنچا کشته تا آتش توپخانه هارا

کسی که می خواهد جاده را بیند و یک کابل کار بگذارد، همین کار را کرد. جلوی دست من، به فاصله ۲۰ سانتی متری در محل رکبازش یک کانال کوچک درست شد. خاک ها روی سرو موتوت مریخ. گفت: «اخبار ازین چه نوع سلاحیه؟ عراقی ها هر روز یک سلاح جدید امتحان می کردند! هم کوتیرهای هم مهین طور، می آمدند و می زند و می فتند.

نگران بودیم که شبها قابقیهای دشمن بیاند و کمپرسی های ازین دند. برای ماشین های ایمانیان می بیند و کمپرسی های ازین دند. برای ماشین های ایمانیان می بیند و کمپرسی های ازین دند. برای هر ۲۰ تا ۳۰ مامن کمپرسی، یک پارکینگ درست می کردیم. اینها مستقر شدند. ولی نکههانان فقط سلاح

سبک داشتند. هم کوتیرهای می آمدند کیمی کم می خورد؛ چون این خطرش نی می توانست خلیل بالا باید جا پایگاه را بگیرد. برای هر ۲۰ تا ۳۰ مامن کمپرسی های اینجا می زندند. بايد کارش را از سطح باین انجام می داد. اینجا کامی هم نمی شد. همکاری کردیم. ازین طرف، سه شیفت کار می شد. مثلاً ۵۰ متر از آنجا زمین و ۱۵ متر از طرف حزبه کار می کردیم. ازین طرف، سه شیفت کار می شد. روحیه ها را خراب می کردیم. رفتیم قرارگاه و صحت کردیم. ایت الله شاهروdi (زنیس) باقی قوه قضائیه ای از سطح سیستمیون لشکر بدر و معاف ای اینجا بود. به هم آنچه نشسته بود. به ایشان گفتند، «تعادادی نبرو بیاورید! آنجا گفت: «چه نیوی بیاورند؟» به سراغ صیاد رفتیم.

**طرح صیاد شیرازی،
برای واحد هایی که در
منطقه بودند، تعاداد
زیادی دستگاه مهندسی
انتقال یافت. تمام
لشکرهایی که در منطقه
بودند، کارهای
عمومی خودشان، مثل
ستگسازی را، خودشان انجام
میدانند.**



کمپرسی اش را حلقه داشت ببرد. اگر از ندade اش محروم باشد می شد با مشکل برایش پیش می آمد. کمپرسی اش را می گذاشت و میرفت. به همین دلیل راننده های لودر و بولدوزر هم رانندگی کمپرسی باید گرفته بودند.

با طرح صیاد شیرازی، برای واحد هایی که در منطقه بودند، تعاداد پایا دستگاه مهندسی انتقال یافت. تمام لشکرهایی که در منطقه بودند، کارهای عمومی خودشان، مثل سنگسازی را، خودشان انجام می داشتند. فقط بعضی اوقات راه شاهر دهنده زیادی می شد و نیاز به کمک بود. بجهه های شاهرو را به آنها مأمور می کردیم، ولی برای ما اصل، جاده بود. بجهه های از نقطه سفر مزی در داخل حزبه، خاک بزرگ داشتند و می رفتند. تقریباً هزار هم تیپیت شد. عراقی های هم نالامید شدند. فهمیدند که نمی توانند جایزرا پس بگیرند.

ساختم جاده را سرعت دادیم، بعضی از روزها مثلاً ۵۰ متر از آنجا زمین و ۱۵ متر از طرف حزبه کار می کردیم. ازین طرف، سه شیفت کار می شد. همکاری می کردیم. مکتر بود. بعضی از روزها سخت تر بود. نمی توانستیم کمپرسی بیشتری داخل حزبه ببریم. چون حجم آتش عراقی های سنگی بود، متوجه پنجم داشتند و وقتی فهمیدند، حجم آتششان را این جاده زیاد کردند.

آتش نموده

بیشتر مواقع از ریختن فروند هواییمکه ام آمد سه فروند فقط جاده را بمبان می کرد. شناسنی که نمی توانستیم این بود که در بعضی جاهای دو طرف جاده، آب بود؛ بدب می آمد و من افتداد داخل آب و کل و ای می آورد و ببرون می بیخت. موج و صدایش هم گرفته می شد. ۳ تا ۴ متر از قاعده آب و حدود دو متر از باقی بود. لکه های راه بر سر و کله نبردهای را باشید. گله ای توپ هم می آمد. ۶۰۰ متری جایی که خاک خالی می کردند، نشسته بودیم. عدد داشتیم که باید به همچه راننده های ما را بینند و گویند که خودشان اینجا هستند. به غلامضای بوغیری گفت: «او برو جلو ماشین های تا وقتی سر و ته می کنند، داخل آب نفستند. همین که روی زمین ظی می گشیدم و آقای بوغیری از وظیه می کرد، صدایی شنیدیم و وقتی چشمدم را قادر بدمیدم که مصمم بکمپرسی این قدر پایین آمده که فکر کردم به ما خوب است. با تیربارش روى جاده گرفت. مثل



روی جاده، زیرت عاشورا و نماز شکر خوانده
می‌شد. قیامتی شده بود. یک سری عرب محلی
هم آمدند. گفتم: «عربها چرا بودند؟» گفتند:
«مردم محمدیه و روستاهای سوسنگرد هم
چشم‌نشان به اینجا بودند!» به یکی از آنها گفتم:
«شما اینجا چه کار دارید؟» گفت: «اما شب و روز
رادبو عراق کوش می‌کنید، تلویزیون عراق نگاه
می‌کنید، صدام گفته اگر این جاده تمام شود،
فرمانده اعلام می‌کنم!»

خوشبازان در غیم حال که ابر می‌شد، هم
می‌شد. از یک طرف می‌گفتیم: «خدایا به حق
ایران اعلام کرد. بعد از هفtra احمد کاظمی ناماس
گرفت که ما مکسری امکانات داخل جزیره
داریم و خواهیم جایه گذاشت.» یک ساعت به
ماکمرسی دیده. بعد از ظهر در جلوی سنگرم
نشسته بودم. در اصل جزیره، نیز کاروان اوردن
بولوزر، تانک، نفری، خودرو و کامرسی بیرون
می‌آمد. روزهای بعد در امام ریزی کردیم تا فریک
جاده کم شد. سه کیلومتر باقی مانده راه هم شد
ریزی کردیم.

گوهانوس

دشمن حق شلب هم با هی کوتیر دور نمی‌زد.
دید داشت. برای آنکه ارتدنده‌ها دید داشته
باشند و داخل هر یونیت، مجروب شدیم کنار
جاده، فانوس‌گذاریم. چنان طرق جاده نیز بود.
۵۰-۴۰ متری که نیز نشده بود، یک طرف
شیشه فانوس‌ها را گل که می‌ملبدند با کنارش
یک که خاک می‌برخندن تا دیده نشود. جاده
فانوس‌گذاریم. این روش ایجاد است. بروز کار
می‌کردیم. در طریق القدس و فتحالمیں،
شباه کار نمی‌کردیم. دشمن مرا می‌دید. ولی
اینها در طول شبانه روز، هیچ وقت کار تعطیل
نمی‌شد.

یک گوهانوس درست شده بود. دو تاشیین
بود و یک مسنول داشت. آقایان «خلیل حسن
پیری»، «اللر کردی» و «اعباس خواری» و «محمد
ایراهیمی و رکنیان» که ترتیب مسنول آن بودند.
روزانه فانوس‌ها را تمیز می‌کردند؛ چون بعضًا
دود می‌زد، نفتش می‌کردند. ترددی غریب
همه را روشن می‌کردند و آنچه می‌آوردند. چند
مانده، بگذرانید شن
ریزی بکنیدم.

باد کامپرسی فانوس را خاموش می‌رفت. گاهی
باد جاده فانوس‌گذاریم. به دلیل اینکه جاده
سیدالشہدا و جاده خیربرد بود.

منبع:
* عبور از رمل، خطاطرات و بالغفل حسن پیری، به قلم
** محمدمهدي عبد الله زاده

آمد. گفتم روی این تابلو برو. رویش نوشته
بود بزرگ‌خواه خبریم. «بنویس بزرگراه
سیدالشہدا!»

خدای کعبه شاهد است که ضربان قلبی خلی
تند شده بود. از اهواز سوسنگرد و محمدیه
هر کس می‌آمد. با خود یکی دو گوسفند فربای
می‌آورد. گفتم: «۵۰-۶۰ تا گوسفند؟» یکی گفت:
«نه آقا! ۳۰۰-۴۰۰ تا گوسفند اینجاست». صحیح روز
تول آقامام حسین! هوا ابری شد. هاوی
خوشبازان در غیم حال که ابر می‌شد، هم
می‌شد. از یک طرف می‌گفتیم: «خدایا به حق
زهرا باران نیاید که اموزجاده تمام شود!» از
یک طرف هم می‌گفتیم: «خدایا این هم از این
نرود!» گریدر در مسیر دشمن داشتیم؛ مرتبت
تیغ میزد. چون هم مزین را خسی می‌کرد،
ماهی اش کن اگر باران آمد، وایستد. گریدر
گریدر حسین تن کرد. پوی می‌گفت: «احاجی این
قدر شیب پایان کامرسی ها سر می‌خوردند. ویر
می‌روند!» (افتند تو آیا).

هداد نکند. دواتا پوب خد هوابی اولی کن
آوردن تا هلی کوتیر عراق نزدیک شد. صیاد
اعجوبه‌ای بود. آدم عجیب و غریب بود.
روز دوم های کوتپرده من آمد. ترددیک اورلی کن
شاد، اولی کن روشن آتش کرد. سریع پایین
روی آب رفت. طوطی که وقیع ملطف کارمی کرد
آن ب این طرف و آن طرف می‌باشد.
فرار کرد. اولری کن من توانست
پایین را زیند؛ جلویش اکابر

زد بودند. تا دیده نشود.
میگاهد و سوختها بیشتر
بمبان می‌گردند. سرعت ساخت
جاده در یک روز، به ۷۰ متر رسید. همه
شاد بودند و دعا می‌گردند که باران نیاید. خدا
هم لطف کرد و باران نشد، چون زمین گل
من شد.

در عملیات طریق القدس دعایمی کردیم که باران
پایاید تا یوتایم روی رملها برویم؛ به عکس،
اینجا دعایم کامل و باران شاهرو می‌گزارش
تیپ و شکری. تا آدم ایجاد است که دامن
خبر می‌زند. نگهبانی را درداشتیم. علی
مقابله از تبلیغات آمد و گفت: «تابلوی بزرگراه
سیدالشہدا!» (اکاشتیم).

گفتند کامپرسی را بگیری بروند و جاده را
تعطیل کنند. کتفم، تعطیل کنم اینها همه
مرخصی می‌روند. یکی شان هم نمی‌ماند.
کامپرسی را بروی دارند و درمی روند. شن ریزی
مانده. بگذرانید شن
ریزی بکنیدم.

عرض ۱۳ متر، پر از
کامپرسی و ماشین‌های
چرخ‌اورخودشده بود.
اگر ابر و مه نبود، معلوم
شود، فرمانده اعلام می‌کنم!»

کنده نشد. کامپرسی





رازیک جاده گمنام

در سیان تمام بزرگراه های جهان، تھایی جاده نهان و صور دارد. نام این جاده، «سید (اسحید)» است؛ جاده ای که با مردم رسانی همراه، فرد را به چشم رساند و او را سر عقل آورد. در دل این جاده، رازهایی نهضت نه کن را تبریزی نمودند. تبریزی را رازرا («جای ناصر ابراهیمی») فاضل نمایند گفت:

وقتی اولین پیروی، فاش را هدیه هدیه کرد، تا سعی پیشانی چشم، ۷۲ روز طول نشید. ۲۲ پیروی، میان دنمه های تسبیح، رفته و آمدند ناصوری به طبل ۱۴ الیوترا برخی فیض همراه ترسیم کردند. وقتی آخرین را نتیه دادند، جاده را به چشم روند و رفست، ساعت ۱۲ ظهر روز سوم شعبان بود و این راز را جاده سید (اسحید) است: ۷۲ روزه ۱۴ الیوترا، اذان ظهو روز سوم شعبان.

«جای ناصر ابراهیمی» گفت: هنوز هم هیچ سخنی را نداشتند نام این جاده را چه نمی انتخاب ردا

خود باوری و امید،
درجنگ به مأکمک کرد

پای خاطرات استاد دانشگاهی که در چنگ، مهندس رزمی بود

سیده سمیرا مطیعی فخر

آنچه برای شهدا تاریخ است، برای ما خاطره است! این سخن «استاد دانشگاهی بیان کرد که سال‌ها در خط مقدم چند تحقیقی به مهندسی زمین می‌پرداخت. او پس از ۴ سال، از روزگار جوانی خود برای جوانان امروز می‌گوید و از استادگی به متابه مهندسی دستاورده مردم ایران طی این سال‌ها یاد

دکتر ابراهیم گشتنیسی راد، عضو هیات علمی و استاد بخش مهندسی مکانیک دانشگاه شیراز است. او از جوانان روزهای جنگی است. من کویدم کمی پیش از زمان بیست و چهار پنج ساله بوده و دانشجویی خود را شروع کردند که آبادان که بالقابل فرهنگی به جهاد ساندگی پیوسته در سیستان و بلوچستان خدمت کند اما جنگ آغاز شد و او به آبادان بازگشت و قسمه حضورش در آن بحیجه این نقطه اتفاق نمی شده.

استان داشتگاه های امور پس از این مدت رفته و در سایر ایام شهروندی خود را کارشده، این دوره تاسیق خدمه شد ادامه یافت. درین زمان با هدف قرار گرفتن استنگاکه صادوسیمی در آیانه، او متولی انتقال اسپرسیات به سرتیر نشد. بعد از جنگ دوچرخه شد اما دوباره در این پیشنهاد ۱۳۶۰ برای انجام فعالیت های تبلیغاتی، همراه با گروهی از جوانان راهی آیانه شد و با پوشش افسوسی داشتگاه های فارغ التحصیلی در سال ۱۳۶۲ فعالیت های چنیتی در حوزه مهندسی روزی آغاز گردید.

دلیل هم مجبور بودیم قسمتی از آن را روی آب نگه داریم که غرق نشود. قرار بود آن زیردریایی از اون درود به سمت خوب‌عبدالله حرکت کند و پشت عاقق‌ها بیرون بیاده کند که متناسفانه چون موتورهای مک‌صدایی برای آن بیافرینیم، با وجود تلاش‌های مستمر متوقف شد و به عملیات رسیدیم.

تیب الہادی

استاد دانشگاه شیراز و چون ساله آن روزها، پس از این پرونده به مهندسی ریاضی تدبیح الهادی برخاست. از او افرادی بود که برای انتقال لودر و بولوزر ره سمت دیگر اورده بودند. به انجام عملیات و فلکر، طرح ریزی می‌کردند که خود را در این عملیات ندیسند و از آن که بازپرسی کنند، عاملیات انجام شدند. از دید پرونده های کنستانتین ازاد اند شد. در این قابیلی بود که سیستم کنترل از راگووندیگار و اوان اوان از این قابیلی و کارائی این جنین داشتند. افزودن این ایجاد را در اینجا می‌دانند. افزودن این قابیلی به سیستم کنترل از داده دور و روابط ایجاد شدند.

شناوری ساختم، در نهارها مرتبًا جزر و مد
می شد و پل های تابت، گاهی منفجر می شدند
و مشکلاتی دیگر نیز داشتم: بنابراین مخازنی
که را درست کردیم و روی آنها ورق های اعجاج دار
گذاشتیم که همه رانای جزر و مد می توانست
بایین برود و بالا باید و از مشکلات تردید روی
نهاد کنداه!

آنچه در این میان جاذبیت پیشتری از ساخت پل های شناور داشت، مانع شبه زیردیواری بود. ازو از خواستمند درین باره پیشتر توضیح داد. و مدت زمان ساخت این شبه زیردیوار بود. را ۶ ماه عنوان کرد و بیان داشت: «باخش از این مدت ۶ ماهه در مرطمه درآخوند و باقی چون جلوی هوای اهواز را روی طرح کارمی و مدمتی بگذارند، در از درودنکاره بر سمت پهمنام شیر قرار بود. از این شبه زیردیوار برای عملیات والقیر شوهد؛ از آنجا که می توانست ۲ فرست
۸ استفاده شود؛

پروژه‌هایی از دل تحریم

گشتنی ارادا پروره ساخت یک شبه زبردیاری
سخن گفت. استاد او در این پژوهه، دکتر محمد مهدی علیشاھی، عضو هیأت علمی دانشگاه شیراز و دکترای مهندسی هواشناسی از دانشگاه ماسپوسوت امریکا بود که در زمان چند روز درگذان امام حسن عسکری شیراز با گروهی از دانشآموختگان و دانشجویان به ساخت آن شرکت نمودند. دیگر همه کمادین.

و فارغ التحصيل بشهادة بودم ساخت یک شهید زبردی را در پادگان امام حسین علیه السلام شروع کردیم و آن را برای آزمایش به منطقه چند کیلومتری همدان، کارهای هندسی ساخت مجموعه‌ای باشناور برای ایجاد ارتباط بین شهرهای آذربایجان بود تا مسیری سریع برای رسیدن به منطقه قوه ایجاد کنیم. در هنگام هنوز عملیات فواید انجام نشده بود.



داشتمیم شبه زیدراییان را من ساختیم، با من کارمی کرد. تا به نامزد کرده بود و گاهی در فکر فرمودیم رفت. ماهم با او شوختی من کردیم و من گفتم: تو در فکر ۲۵ کیلومتری شیزار هستی! در عملیات والفرج، ۸ سمت وونگنکار در نخلستان عراق، آن طرف آب، از شش زیستی زمین گیر شده بود. در این سمت نخلستان،

لشکر ۲۵ کیلومتری اهالی باید مزد و شهید نوزوی، خاکبزیر اتیپ الاهی باید مزد و شهید نوزوی، چکلپوت خوارث از لرد مقدم، با سه سپهی رفت و با لود شروع کرد به ساختن خاکبزیر، جایی که حتی اصولاً هم جرات نمی‌کرد بود و زخمی‌ها را بایورد. در همان هنگام، دو گاشت، آمد و گفت: «آنها را لو در دوباره برگشت و پس از سه روز و سه شب کار مذاوی، خاکبزیر را رد و پجه‌های ۲۵ کیلومتری مساقط شدند و جایو نبوری زمزمه عراق ایستادند. شهید نوزوی بعد از همان سه شب‌انهصار، همان جا شهید شد».

خودباری و امید بذرگان اقلایی که در جنگ می‌بودند

از استاد پرسیمید: «تجربه جنگ، چه چیزی به شما افزوید؟ و او در پاسخ گفت: «فکر می‌کنم که انقلاب، بیشتر به ما مکن کرد. انقلاب این باور را در امام ایجاد کرد که تواییم روزی پای خودمان را باستینیم، این خودباری و امید در زمان جنگ، به ما مکن کرد و باعث شد جرات کنیم که بی هچ تجربه‌ای، شبه زیدراییان بسازیم با قایقی و بجز طراحی کنیم».

خدمت می‌کرد و در عملیات والفرج ۸ وظیفه حفاظت از جزاير مجنون

را برعهده داشت.

از آنجا که عراق فکر

می‌گرد ایران از طریق

خطوط خود را در این

منطقه تغییر داده

بود؛ پس گونه‌که هر

حمله‌ای از سوی ایران،

در همان حفره‌ها و

نیزه را سکوب شود.

از همین رو به یعنی

وجه انتظار داشت عملیات افزای انجام شود.

از همین رو، عملیات والفرج ۸ را باید از نظر

امتنی و اطلاعات سپار عالی برپمود.

شهید نسینیان از این‌جا شروع می‌کرد که باید

ایجاد گایز مناسب باشد. پیاده کردن و دور و

بولوژر در آن سمت از ورنزه، کارخانه

باشد. پیاده کنندگان از

پیاده زمین‌های را شناسایی

کردند. از درخت‌هایی که به مثابه برج دیده بیان

بودند، پیاده می‌رفتند و با دوپریون،

منطقه را نگاه

در تیریز دشمنی، اما همان‌که

که چهاره او را نگاه

می‌کرد، هیچ نشانی از ترس نداشت و همیشه

لیخندر چهاره داشت. او ابری شرکت در عملیات

والفرج، ۸ تیپ خود را بر جزیره مجنون رها کرد

بود و با حس فداکاری و آرامش خاطر در شرایط

سخت، در آن عملیات به شهادت رسید».

قهرمانان از دل مردم

عضو هیات علمی اندشگار شیزار نفر سوم را فردی باغنون شهید نوزوی معرفی کرد و گفت:

«این شهید نوزوی اما هل کوچمه رسرخ

بود.

آن زمان که در پادگان امام حسین بودیم و

از طریق سیستم رادیویی هدایت شود. در آن زمان به شدت تحت تحريم موتورهای قایقی بودیم؛ چنان‌چه عراق‌تحمیران همچون جنگنده میرزا ۴۰۰ و موشک‌های آنزو ۳۰ داده بودند که به بگونه‌ای این آسیب‌ها را جبران می‌کردیم. قرار بود در صورتی‌که شرایط خیلی سخت شود، این قایق‌ها را بلوی نفو و به صورت کنترلی به جلو بفرسیم تا مشکل‌های عراق را مهدوم کنند».

مکانیک از معرفتی که شوپیدند

استاد داشگاه شیراز، تاریخ از شهید رنجبر نام برد و در توصیف او چنین گفت: «شهید رنجبر از اهالی مردم شفاف بود. به گمانه ۶ فرزند داشت و مکانیک ماشین‌آلات سگنین بود. ایشان در زمانی که عملیات نبود، راننده‌ها و مکانیک‌ها را در حرم مجمد می‌کرد. هم در سنگرهای روش زوجخانه‌ای را از اندانه خود و هم جلسات این‌جا را درآورد شرمند از ورنزه کنار قریم. باید زمین‌هایی را شناسایی کردیم که باید نیزه را سکوب شود. ایجاد گایز مناسب باشد. پیاده کردن و دور و

نهاده شدند. شهید رنجبر که مسما خود را بد و تب بالایی داشت، پیاده در میان به اهواز رفته بود و زمینی که این اتفاق افتاد، از راه رسید. داروهایش هنوز دستش بود که بی‌درنگ روی شیب‌زدیری‌ای رفت. پیاده کلی را داده بود که از یک طرف مکشید و از طرف دیگر رها می‌کرد. کابله را کشید و ما شهید زیدرایی را به آرامی با لود بپرین اوردهیم و شناور کردیم. او به تنها یاری کار را انجام داد. این فقط بخشی از فدائیانی‌های شخصیتی بود که هر کجا به او می‌گذستم. تواناییت عجیبی در چهارداش تمام این امید را خانم داد. این فقط بخشی از فدائیانی‌های شخصیتی بود که هر کجا به او می‌گذستم. تواناییت عجیبی در چهارداش

مشخصیت دیگری که استاد از باد کرد، شهید سینیان از اهالی ابروی بود که در تیپ

های ابروی بود و در عملیات والفرج شهید شد».

شهادت با چاشنی لبخند آرامش

مشخصیت دیگری که استاد از باد کرد، شهید

حسینیان از اهالی ابروی بود که در تیپ

جاده عشق

شهید سید مرتضی اوینی



اما عاشوراً از زمین کرب و بلا می‌جوشد و تو را فرام خواهد؛ چگونه من توان خفت و جهان را در کف جهال و قدره بدها رها کرد؟ نه، شه هنگام حقن نیست.

زمنده‌ای که خستگی چشم‌هایش را به حرمت باز نگاه داشته، در موورد کار خست ریزی توضیح می‌دهد، او خسته بود و پلک‌هایش بی اختیار بر هم می‌آمد، اما با فشار، چشم‌هایش بازار گهه می‌داشت و کار می‌کرد. ساعت چهار بعد از نیمه شب، وقتی که ما بازگشتم، او هنوز بیدار بود و فرضیه براي حقن نیافت بود. و... آن دیدگری که از دروپین می‌گيرد، از ترس ان که می‌باشد شاهنامه‌ای در نیشن پيدا شود.

لورجی جوان، بالآخر به مصايخه تن می‌دهد، وقتی از می‌پرسند: «از اينکه این موقع شد، کار می‌کنم، چه احساسی داری؟» می‌گويد: «احساس ندارم جزو اينجا، و اين همه معرفت را جزو اينجا می‌دانم، در کجا من توان باقی؟



و بالآخر همان را نهاده آشنا.

جاده به پایان می‌رسد و مواقع تخریشده، از خط‌ضلع‌های دشمن، در می‌گردد. حاج غلب خوب است؛ فکه: فکت، حاج از این باطلان گذشت و همچنانکه می‌گذرد. سرمه، فرمادهان گفتند که دیگر کار تمام شد.

لورجی در این سیاه، صبح سریسداده و ظلمت را تا پنهان در نظر داشت و است: ما را آن رانده بیاند. چنان در انتظار عدالت است و این را آن رانده بیاند. حاکمیتی را آن رانده بیاند. میکلیک و آن پریده بندجه و پنج ساله مشهدی را.

آن دلور، نتمیلی از غله ایمان بر آهن بود و آن بالا، بر گرد آن اغله، اهقانی، همه شه شاپاکرده بود و هنوز هنوز کار می‌کرد. بادام افتاده که خلی جیزه را از این سریسداده و دوباره از خوستیم بر مانت بگذارد و این باید...

رانده بیل مکالیک، پاره باره گردان، قول آن‌آندن، سوار شد تا دور از هفاظتی جاده ایام کند. خون حیات از شهروان‌های جاده‌ها در تن پرقدرت سیاه شفق، پخش می‌شود و اقلافی اسرازگشتهای شه همچنان می‌گردند؛ اما باز همچنان شه همچنان است: این رشته ایمان و ای انسان نیاشد. ریشه را با شاخ و برگ و کل پیوندی نیست. ریشه ما در خاک ایمان محکم است و ساقه ما مثل دست‌های دعایمان، تا عرض رفت است. آینده از آن ماست.

منبع:

گنجینه انسانی، گفتار متن مستندهای روایت فتح.

رانده بکه لود بیدار می‌شود.

- جاده دارین من زنین براز زمینه داده؟
بله، آنچه اخابول کنک.
- همیشه بچهه من آیدی؟
بله، آنچه اخابول کنک.

لورجی جوان، از زنی آنکه شاهنامه‌ای در نیشن شاد شد، مرتباً من گفت: «اگر خدا قبول ننکد! خلو، معیار قبول

اعمال است و چهه، چای روی روسیست. این انسان خود همواره در مختصر خدا می‌باشد، شانه، همچون برقی که در تائیں آفتاب می‌بندد.

مگر نه این است که حیات عدالت و عشق، به ذوب می‌شود. نهین نزد واسطه است و از همین مطلع است که

نور در حق و سمعت و مکان، متجلی می‌گردد؟ در اثبات صحتی این آنلای خوشبودی جوان، بکی بیل مکانیکی، به کنندگانی که در کارگشایی آن پیوند

کجا واردید؟ درست که دشمنی که شد، اگر تسریع نماید، در کنار راستی هرچه افسانه‌ای جیبتر، تراز خیمه‌ای را فتح می‌کند. صحتی های شهرين آن رانده کاميون و چهره مهربانیش، سپار آشنا می‌نمود.

کجا واردید؟ درست که دشمنی که شد، اگر تسریع نماید، در کنار راستی هرچه افسانه‌ای جیبتر، تراز خیمه‌ای را فتح می‌کند. صحتی های شهرين آن رانده کاميون و چهره مهربانیش، سپار آشنا می‌نمود.

بیست و دوم دی ماه روز سوم عملیات، در کنار لحظه به لحظه، کوچکتر می شد. اگر تسریع نماید، در اول عراق در م سور شملجه، شکفت، او است. این کندگاری آن شکفت پیشتری همراه است: اما

عمرما هصر شکفت هاست و اگر کسی می‌خواهد قدرت سیاه اسلام را بینند، بدین جای باید.

شلمجه، روز سوم عملیات کرلای پنج طایله داران سیاه، سرمه سر رسیده‌اند و ظلمت را تا پنهان ترین روزایی دیار عدم، باز پس می‌رانند.

چنان در انتظار عدالت است. خون حیات از شهروان‌های جاده‌ها در تن پرقدرت سیاه شفق، پخش می‌شوند و از ساقه ایشان، ریشه را با شاخ و برگ و کل، پیوندی نیست.

لحظه‌ای که جیان رفت و امدقطع شود و از خدا نیازهایم که جیان رفت و امدقطع شود و از همین نزد واسطه است و از همین لحظه‌ای هرگز نیاشد.

نور در حق و سمعت و مکان، متجلی می‌گردد؟ در اثبات صحتی این آنلای خوشبودی جوان، بکی بیل مکانیکی، به کنندگانی که در کارگشایی آن پیوند خود را دارد؟

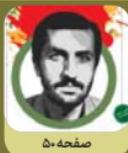
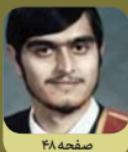
بیست و دوم دی ماه روز سوم عملیات، در کنار میدان امام رضا تا بیانی از کجا وجود داشت که راستی هرچه افسانه‌ای جیبتر، تراز خیمه‌ای را فتح می‌کند. صحتی های شهرين آن رانده کاميون و چهره مهربانیش، سپار آشنا می‌نمود.

در کار میدان امام رضا تا بیانی بود که همه بیان را به تاریخ، در خود نوشتند داشت: «با وضو وارد شوید!» مزد و از قدرت ما در ایمان است و دزه و در خاک مهربانی کنید بپر آن شهادت می‌دهد.

هیچ منعی در برابر ایمان تاب نمی‌آورد. اگر تسریع نماید، در اول عراق همچنان که در راه خدا بیدار مانده از دشوار از است و سرمه سر رسیده‌ان است. همین مهندس زمزی، بیش از پیش اشکار می‌گردد. روز

سوم عملیات، پیش از آن که زیرمی بعث، فرشت هرگونه دشمنی را پیدا کند، شکفت‌های از راه‌های تدارکاتی و مجموعه مستحکمی از تأسیسات دفاعی، دز تسریع شده را شکست نایابیر ساخته بود.

شهردادی مهندسی





شمع صراط

مروري کوتاه بر اقدمات شهید سید محسن صفوی در قرارگاه صراط المستقیم
سید محمد مهدی صفوی

به عنوان مدیری شاخص و توانمند در عرصه مهندسی رزمی، وزارت سیاه را مامور به تأسیس مصوبه‌ای، قرارگاه به نام «صراط المستقیم» در تازویان شد.

وزارت خانه‌ها در امر جنگ، به نحو مطابق تر شهید صفوی درباره نقش مهندسی وزارت سپاه در عملیات خبری، این گونه می‌گوید: «بعد از تشکیل وزارت سیاه، ممکن است بزرگترین سیمه‌محسن صفوی محول گردید. قرارگاه صراط المستقیم، تمام پروژه‌های مهندسی و رازخانه‌های مختلف را زیر پوشش خود قرار داد و علاوه بر پشتیبانی آنها، نسبت به حسن اجرای پروژه‌های فوق نیز نظرات فنی می‌گرد.

هر چند قرارگاه صراط با مذاقل امکانات، آثار فعالیت کرد، اما توابعی در دوره دیرین شهید

صفوی، در مدت کوتاهی توانست چایگاه دیگر دوستانهان تمام شد، کاری ندارم، متنهن و پیراهه در مهندسی رزمی بودند، ازان خود گند. آن پل شناور ۱۳ کلوفنی، نصب این پل با زحمات طاقت فرسای برادران و وزارت سیاه بود و خدا رحمت کند تمام شهیدانمان را خصوصاً برادران مرحوم حاج آقا سید عباس جولاوی را

قرارگاه صراط المستقیم، نامی آشنا در مهندسی دفاع مقدس است. این قرارگاه با حضور شهید سید قاسم صفوی شکل گرفت و قوام گایات و توانست در مهندسی رزمی جنگ، سپاه ایران‌گزار باشد اما می‌ارزشید است او مقامهای در مدت کوتاهی محل شد و سبب گردید بسیاری از عملکردها و مستندات خفور مومنین قرارگاه مهندسی رزمی در دوران دفاع مقدس، به دست قراقوش بیرون شود. در این نویتار، تلاش شده تا بر اساس مستندسازی آخرين سخنواری شهید صفوی در جمع مدیران کل دفاتر مهندسی استان‌ها و فرماندهان جنگ در زمستان سال ۱۳۶۵ و همچنین دیدگاری در همزمان، او به معرف عملکرد شهید صفوی در قرارگاه صراط پرداخته شود.

قرارگاه صراط المستقیم

متدهای پس از جنگ، با توجه به لزوم شرکت گسترده‌تر دولت در جنگ، هیات دولت،

قاراگاه صراط و سایر سازمانها

قاراگاه صراط، فقط پل میان دولت و جبهه نبود؛ بلکه توانمندی آن، بسب پشتیبانی تمام سازمان‌های حاضر در جبهه شده بود. شهید صفوی، این‌گونه توصیف می‌کند:

«رسالت است که بیانی هستیم؛ ولی از یک طرف، به نخست وزیر مرتبت هستیم، از یک طرف با وزارت‌خانه‌ها، از یک طرف با فرماندهی خاتم؛ ولی وزارت سپاه هم هستیم. ما هم اکنون در عملیات‌ها، هم سپاه را پشتیبانی می‌کنیم، هم جهاد را پشتیبانی می‌کنیم و هم ارتش را



پشتیبانی می‌کنیم. آمرار و اقام، نشان دهنده این مطلب است که ما در مواقع عملیات، تمام مهندسی جبهه را عiem از ارتش، جهاد و سپاه را پشتیبانی می‌کنیم.»

نظرات

پکی از وظایف قاراگاه صراط مستقیم، نظرات فنی پژوهی‌ها، عماری‌ها، کوشش و وزارت‌خانه‌ها انجام می‌گردید. بود. کرچه در همه موارد اجرای پژوهی‌ها، قاراگاه صراط، با اتری از وظایف موقوله، در اجرای پژوهی‌ها نیز نقش ایفا می‌کرده است، اما آنچه حائز اهمیت است، نکاح شهید صفوی به بعد پایداری پژوهی‌های مهندسی و آینده‌نگری در اینجا می‌گردید. بود. یک چهارمین مهندسی، آینه‌های این راه را در همه موارد اجرای این اقتضای این اتفاق را می‌داند. اما ماندگار و قابل بهره‌برداری باشند. او می‌گوید:

«این کارهایی که این باره این جبهه به باند، مایه است نظرات فنی بکنیم که این کارهایی جبهه به باند، این جاهد هم‌بماند. این بیمارستان ماند. ما سال است داریم می‌جنگیم، شما باید بینند جاده‌هایی که در قلعه‌ای می‌باشند شد، در بیت المقدس ساخته شد، کدام‌ها در حال حاضر اینجا مانده است. ما وظیفه داریم این کارهایی که صورت می‌گیرد را نظرات فنی

خارج بود.

شهید صفوی درباره یکی از اولین همکاری‌های وزارت‌خانه‌های دولتی، این گونه می‌گوید:

«ما اولین کار عمده‌ای که همان موقع سال ۶۳ بود که اولینش بیمارستان صحرایی حضرت امام رضا (ع) در جاده خضرت ساچب از ایمان در منطقه حواله‌عظیم بود. ظاهر این بود که اولن کار از اولین مسکن و شورشی از احتماد داده ایلی باطن امرش، هشتاد درصد کار را قاراگاه از سطح احتماد داد.

ورود نیروهای وزارت‌خانه‌ای دولتی به جبهه، نه تنها این جبهه را در جنگ شد، بلکه سبب این وزارت‌خانه‌ها در جنگ شد، اینها بجهه نیز گردید.

شهید صفوی با مدیریت و نگاه عمیق خود، توانست از ظرفیت‌های گوناگون مهندسی سایر شخصیت‌های این جنگ بجهه نیز بپردازد. اینها را داشتند. فناوری خواهی خواهی و قیمتی که اینها را داشتند، در هر چهار روز از این روزگاری در در مهندسی جنگ، بهره‌برداری کردند. سردار سرلشکر فیروزآبادی در این راه می‌گوید: «کار برگزی که شهید صفوی حقیقی حق در احتماد آمد، شد. نتوانست از ظرفیت‌های گوناگون مهندسی سایر شخصیت‌های این جنگ بجهه نیز بپردازد. اینها را داشتند. فناوری خواهی خواهی و قیمتی که اینها را داشتند، در هر چهار روز از این روزگاری در در مهندسی جنگ، بهره‌برداری کردند. باستثنی از فرهنگ جبهه، عجین بشود. شما من خواهید از دیگران عبور کنید و اراده منطقه شوبد.

خوب بعضی از دوستان غیربرزمدنه که ظواهر اسلام‌آمیز هم درست نبود، روزهای اول، با محاسن مرتب و متفاوت از عرف جبهه، وارد شدند و مایه خواستیم در هر صورت در جبهه از ایشان استفاده کردیم. تخصص داشتند: امکانات داشتند و الحمد لله علیرغم همه مشکلات، این مسائل

که قادر جسمت کشید، اولین نمود تشکیلاتی مهندسی وزارت سپاه در عملیات خیربر بود؛ تحت عنوان همان دولتی، این گونه می‌گوید: در آن دیگر بودند.

وروددستگاه‌های دولتی به جبهه

یکی از خدمات بزرگ شهید صفوی در عرصه مهندسی خنک، ایجاد و ساخت خصوصیات نیروهای مهندسی وزارت‌خانه‌های دولتی و امکانات و تجهیزات آنها در منطقه زیستی زیستی بود. او به خوبی توآست توانمندی‌های وزارت‌خانه‌های دولتی را وارد عرصه مهندسی جبهه نماید. تکریت، مدیریت و معاون روزهای شهید صفوی دولتی به مشکلات، موضع و روزهای سهولت خصوصیات دولتی به جبهه‌ها، سبب سهولت خصوصیات دولتی در عقبه امسال متعددی بودتا شدابنها را قاعده بکنیم که بیاند و پیشند و سانههلهات لازم را برایشان ایجاد کنیم. حالا مشکلات خود ما یک طرف، پرادران زمینه‌ای مادی در جبهه نیز بپردازند. اینها را داشتند. فناوری خواهی خواهی و قیمتی که اینها را داشتند در جهه کار بکنند، بایستی که با فرهنگ جبهه، عجین بشود. شما من خواهید از دیگران عبور کنید و اراده منطقه شوبد.

خوب بعضی از دوستان غیربرزمدنه که ظواهر اسلام‌آمیز هم درست نبود، روزهای اول، با محاسن مرتب و متفاوت از عرف جبهه، وارد شدند و مایه خواستیم در هر صورت در جبهه از ایشان استفاده کردیم. تخصص داشتند: امکانات داشتند و الحمد لله علیرغم همه مشکلات، این مسائل حل شد: اسی ما خیلی تلاش کردیم تا برادران این نیروهای از جبهه، مهندس زمزی جبهه و برادران عزیز جهادمنان، قانع شوند هر خصوصیات آنها در جبهه، آنها مقعدت بوندگاه که استفاده از این نیروهای انسانی شود و می‌گفتند اینها فقط امکانات را بگیرید و بعض امکانات که اینها داشتند در دست ما و سیستم سوابی و سیستم جبهه، نگاهداری نمی‌شد و نمی‌شود و بعض کارهایی که اینها می‌خواستند انجام بدنهن، از توان فنی ما

وروود نیروهای وزارت‌خانه‌های

دولتی به جبهه،
نه تنها اینها باشند

مهندسین و متخصصین

این وزارت‌خانه‌ای دار

جنگ شد، بلکه سبب

وروود امکانات و تجهیزات

آنها به جبهه نیز

گردید.

با مدیریت و نگاه

عمیق خود، توانست

از ظرفیت‌های گوناگون

زمینگان اسلام به

عنوان مفصل از این

دولتی و خصوصی

در مهندسی جنگ،

بهره‌برداری کند

مقایسه بایمارستان خضرت خاتم در سه راهی فتح که در عملیات خیر استفاده شد، زمین تا آسمان مقاومت است. بایمارستان افلاطون الزهرا در منطقه عملیاتی والقفه در مقایسه با بایمارستان خضرت خاتم، زمین تا آسمان مقاومت است. در بایمارستان خضرت خاتم، یک کالوله توب آبد در محوله بایمارستان نزدیک سنگ منفجر شد، سه تا از دکترهای ما را شهید نمودند و در بایمارستان خضرت خاتم در محل پرخور ۸، بمب ۱۰۰ پوندی روی سقف بایمارستان منفجر شد و هیچ خسارتی تمثیل نمودند. سه تا از این فریمها پس از سان سقوس برداشت. این خبر توسط مهندسین برادرهای دکتر ما و قنی تویی مملکت پیجیده بایمارستان روی سریش بمب منفجر شد و خراب نشد. یک هفتنه بعد، آن قدر دکتر آمده که دیگر بهداری گفت جاداریم نگذید که این را چگاهی که ساخته شدند در عملیات خیر، بجهه ای را از پیش نتوی کو و سوار قایقها شدند و عملیات را شروع کردند. در عملیات بدر، بجهه ای تمام تا لب اسکلهای که ایجاد شده بود، پیغامی از خود خواهی از طرف هم احداث شده بود، با اینکه باینگی هم شده بود، در نهاین بیان شدند بر اسکله، این قندروی روزی اسکله سوار قایق شدند و حکمت کردند و مامن بینیم که مثلاً هر کجا پیشتر این قصه در بدر پر دید جنوبی جزیره شما علی، پیغامی از خوبی این روزهای چندین هزار بیرون از مهندسی مهندسی ماهرو بیک اینگرهای روحی در جبهه با این حرکت دیده شد.

سخن آخر

معرفی و شناخت شهید صفوی، دارای ایجاد پیهان و آشکار گوتاکی ایست و در این مقاله، تئهای قسمتی از سوابی ایشان در قرارگاه صراط المستقیم پرداخته شده است. شهید صفوی، تفسیر و منتدی مجموع از مهندسی رزمی و پیگیری هایی نظری سرعت عمل، ابتکار خلاقیت، آیندندگی، توجه به پایداری سازه های عمرانی، مدیریت بر زمان و مکان، مدیریت بر درون انسان ها توجه و استفاده از متخصصین و... برخورد دارد و است. امروز سیاسی از هم زمان شهید صفوی به بعد روان پژوهی های مهندسی از تئگار در درجه های گوتاکان، به مهندس اسلامی خدمت می کنند و سیاستی از نیویاهای قرارگاه صراط، در مهندسی سیاه و مهندسی وزارت دفاع، به قابلیت خود ادامه می هند و خفور آهان داور رشد های شهادی مهندسی جنگ است.

فاو همین طور، در کربلای ۴ همین طور در کربلای ۵ همین طور هم اکنون در بدترین شرایط و در بدترین نقاط ممکن، این بجهه ها دارن کار می کنند؛ یعنی روی جاده دسترسی به منطقه عملیاتی والقفه کربلای ۵ تا حال ماجنیون بارگردانی متفاوت است. در بایمارستان خضرت خاتم، یک ایجاد شده تندیم. منفجر شد و هیچ خسارتی تمثیل نمودند. سه تا از این فریمها پس از سان سقوس برداشت. این خبر توسط مهندسین برادرهای دکتر ما و قنی تویی مملکت پیجیده بایمارستان روی سریش بمب منفجر شد و خراب نشد. یک هفتنه بعد، آن قدر دکتر آمده که دیگر بهداری گفت جاداریم نگذید که این را چگاهی که ساخته شدند در عملیات خیر، بجهه ای را از پیش نتوی کو و سوار قایقها شدند و عملیات را شروع کردند. در عملیات بدر، بجهه ای تمام تا لب اسکلهای که ایجاد شده بود، پیغامی از خود خواهی از طرف هم احداث شده بود، با اینگی هم شده بود، در نهاین بیان شدند بر اسکله، این قندروی روزی اسکله سوار قایق شدند و حکمت کردند و مامن بینیم که مثلاً هر کجا پیشتر این قصه در بدر پر دید جنوبی جزیره شما علی، پیغامی از خوبی این روزهای چندین هزار بیرون از مهندسی مهندسی ماهرو بیک اینگرهای روحی در جبهه با این حرکت دیده شد.

بعد روانی عملکرد مهندسی

شهید صفوی به بعد روان پژوهی های مهندسی در افراش روحیه زمینه ایان، سیاست های مهندسی ماد، نموده های این موضوع را می توان در قسمت های از سیاست از ساختن و انتقال کرد. (الحمدله ما می بینیم که بایمارستان خضرت امام رضا شافعی که این این بین این مهندسی وسیع بود و بایمارستان بتوان پیش ساخته بود، در

بینکیم که این کارها بدان، جزء سرمایه های ملی این مملکت محسوب بشود.

اجرا

شهید صفوی درباره پروژه های اجرایی که قراردادهای صراط، مستول اجرای آن بود، از جمله احداث ایلن پل، کامکاجه جاده شاهد شهیدت در عملیات های دیگر مورد نظر رسانید. پرسکوهای ایلان پل، ایساکوهای طراحی و اجرا کرد. چندین گذاشتیم، ولی هم اکنون زمینه ایان با استقامات و با توکل به خدا، ایستاندان و دارند کار نکنند. سردار فاضل درباره نقش شهید صفوی گویی:

(ایل بعثت روی رودخانه ایشان از زمینه ایان پل، بعینی از روی جاده خندق که در اسلام، احداث شد که نقش شهید صفوی در احداث ایلن، کاملاً بازرس بود. اسکله هایی که در عملیات های دیگر مورد نظر بود، با سکوهای پرتاب موشک را ایشان طراحی و اجرا کرد. در می شدیم، می شدیم که رسانید، کیلومتر ۱۰ رسیدیم، با خمیاره ماریز، چندین دفعه با هاگلکورت ما را هدف قرار می داد و ما داشتمیم به ان نزدیک آنها نزدیک می شدیم. کیلومتر ۱۰ رسیدیم، با خمیاره های این روزهای چندین هزار بیرون از مهندسی ماهرو بیک اینگرهای روحی در جبهه ایشان دیدیم. زیردست که ایشان دیدیم. سردار مهدی مبلغ نیمیز درباره پژوهه های اجرایی به فروانه ایشان می گوییم. با ساخته شد و عملیات بدر هم از روی همین جاده انجام گرفت. چگاهه شهیدت هست ایشان شد و پیکی از خصوصیاتی این ایشان بود که به محض اتمام اسفلات آن صورت بگیرد، بر بودند همه همان دستند، بجهه ها رخصی شدند؛ بجهه های محروم شدند؛ بجهه های کی جاده ساخته شد و عملیات بدر هم از روی همین جاده انجام گرفت. چگاهه شهیدت هست ایشان شد و پیکی از خصوصیاتی این ایشان بود که به محض اتمام اسفلات آن صورت بگیرد، بر بودند همه همان دستند، بجهه ها رخصی شدند؛ بجهه های محروم شدند؛ بجهه های کی جاده ساخته شد و عملیات بدر هم از روی همین جاده انجام گرفت. چگاهه شهیدت هست ایشان شد و پیکی از خصوصیاتی این ایشان بود که به محض این اصول فتن، به محض اینکه جاده تمام شد، اسفلات کرد؛ وی محمدالله را رعایت آن اصول فتن، به محض اینکه جاده بودکه به طول ۲۶ کیلومتر تمام شد. جاده دیگر بار در ممان منطقه دارد ساخته می شود و اگر فرست بشود بنواید بپیلید، خوب است. در آن لحظه، این کارها صورت گرفت. در منطقه آیان، جاده های سازی در نخل های برای ایجاد آمادگی برای والقفه و بعد از عملیات تمام سایت های موشکی که اینجا مرتبا ساخته می شود و مرتب چابهار می شدند و این سایت ها، توسعه بجهه های شما ساخته شده. در خود منطقه

اسم این جاده را بگذارید
جاده شهید صفوی ...

خطاطی، از شهید سید محسن صفوی، فرمانده قرارگاه صراط المستقیم

شهید سید محسن صفوی، فرمادنده قرارگاه مهندسی رزمی صراط
الستقیم، بعد از عملیات کربلایی، در حمله اماموتی از جبهه به
هران آمد و در هنگام بازگشت، در حمله ای دشمن، مظلومانه به
شهادت رسید. خاطراتی از زبان خانواده و همزمان این شهید بزرگوار
باهم مخواهیم.

عقائد دعای امام

همه نگران بودند. پل شهید سلیمان پادشاهی را در زور عدو بروی رودخانه بهمن شیر نصب می‌شد. پس از دفع امام مسافر گرفت و حاج احمدآقا کوش را برداشت. سردار ایس اسلام کوش سردار ایس اسلام کوش از شاهزادگان اسلام بتواند راحترانه رودخانه بهمن شیر هستم تا مشغول احداث پلی بر روی رودخانه ایس اسلام بتواند راحترانه زندگان اسلام را بازگرداند. تزدهد معاذین و جوړونه نطقه عملیاتی والغیر را به پیرامستان علی بن ابی طالب می‌داند. پرسانند: آما تاکون د مرته کشست خوره‌دایم، اخضخت امام بخواهدی برای امام دعکنند که امشب موفق شوند. حاج احمد آقا حله سمهله را به اطاعه امام رساند. امام مسنهون را در اتفاق شما موقف شوید. من هم ایش شما دعا کنم. تلاشتان را مسامع کنید. که شنیدن این بشر و شور شفعت خاصی در زین بجههای ایجاد شد. صحیح زود اولین آمویلسان از روی پل سوره کرد و بجههای به شکر ایام اسلام الی رس بر چند چهار نهادند.^۲

پیرزین با ناراحتی وارد مقر سپاه شد. گفت: «سازاره دادسرا مراجعة کن، انشا الله مشكباتن اهل شد». ساعتی گذشت و زن دوباره بر سرای من آمد و گفت: «در این موقت مسئول رسیدگی شکایات، مرا از اتفاق پیرون فکرده» در ممان اتفاق پیرون سردار ایزکار گذشت؛ با شنیدن اتفاق خشنان پیرزین، به من استفسر داد: «ما همه را به دادرس مراجعة کردیم و نجوعه برخورد کارمند دادسرا را به ایشان گزارش دهن. وقتی وارد اتفاق مسئول شکایات مسم، آن اتفاق را به گرم گردید. پیرز پشت مسئولین مربوط کار رسیدگی نمی‌داند، اما اتفاق شد. نهان مرد ابتدا تندی، او را اتفاق پیرون کرد.

پیرزین به سمعه میر سپاه سهادست مسئولیت را از او گرفت. محسن همیشه دادشت مسئولیت که تاب و طاقت شنیدن حرف ظالمی را دادار، چگونه می‌تواند بر مسند عدل و داد شنیدن و پیکارهای مظلوم و مدافعان علی^۳ باشد؟

سندعدل

واخر سال ۱۳۵۸ در منطقه شهستان در حال خدمت بودم که پیرزین با نازاری وارد سپاه شد. «امیر دادرسا مراجعته کن، ان شالله مشکل‌گران حل می‌شود». ساعتی گذشت و در نهادهای سپاه از مسؤولیت خود برداشت. پیرزین به شکایات، مرا از اتفاق پیرون کرد: «در همه اتفاقات اینجا مطهیر سردار مصطفی از تفاوت گذشت، با شنیدن سخنان پیرون، به من دستور داد که همه اهله و دادرسا مراجعت کنم و توانم برخود رخورد کارمند دادسرا و فوت و آتش ایشان را شاهد هم، آن‌ها تا آن‌جا که گرفتند پیرزین بنشست. پیرزین از مسؤول شکایات شدم، آن‌ها می‌توانند می‌توانند باید این اتفاق را باشند. ناگاهانه باشند، اما از آن‌ها پیرون کرد. این اتفاق را میرسویع به مقام سپاهی فرمود و مسلمه ایشان را که گفتند، سردار مصطفی فروزان ایشان را می‌دانند و اخبار نمودند و هاهنگان می‌توانند میرسویع، کار رسیدگی شکایات را از او گرفتند. سید حسن‌خان اعتماد داشت مسنویه که این و طاقت شنیدن حرف مظلومی را ندارد، چگونه علی‌باشد؟

یوند آسمانی

جاده شهید صفوی
کی از جاده های شلمجه رو
خودش احداث کرده بود و مرتباً
هم زیر آتش دشمن رفت و آمد
کی کرد و گفت: «اسم این جاده
باشد!» بگذارید شهید محسن
صفوی، وقتی شهید شد، همان
طور که دلش می خواست، شد
جاده شهید محسن صفوی.^۴



آخرین دیدار

ظرف روز دوازدهم بهمن ماه آقا محسن تماس گرفت، اما او در میان صحبتها گفت: «افکر نمی‌کنم دیگر هم دیگر را ببینم»، با شنیدن این خبر، حالم به شدت بد شدت اینکه روز بعد دوباره محسن تماس گرفت و گفت با برادرش به اهواز برویم، با خوشحالی، چندان را بیستم که بجهه‌ها فریاد زند، «بابا آمد» نازاخت بود، مدام راه می‌رفتمن. دیر کرده بود، مدام راه می‌رفتمن، شاهزاده‌ان زندگی مسجد صدری بود، طاقت خود را در پروردی، چادرم را اندام خدم سرم و فرم تو خیابون شلوغ صدای سخنرانی از لبلندگوی سخنران معلمون نبود، اما مسجد می‌آمد، صبح علیه شاه راهیمیان شده بود و پنج تا از روحانیان های شهرها را دستگیر کرده بودند، در مسجد فقط مردانه بودند، لایه‌ای کرد، از نازاختن ایشان تعجب کرد، مدنی کارکرده بودیم، اما فکر نمی‌کنم شما رویه‌تان را از دست داده‌ایم، با خذنه در جنگ نسبت باش تا آخرین روز جبهه‌های منام». نیم تقویت است ما از همه کارهای خود بپردازیم، این دن، در همین لحظه، کنیم، سجاد و ایوند، هرگز کارهای ایستادن، نصویرهای خواه و دستیاری کردند، در همین حکم، محمد مهدی نیز در گوشش ایله ای آقایی مهایش بوره، عمامه مدنی دارد، برای چون‌چون حرف مزته، سرچشیده دور شد، دیگه سعادتمند شدم خود محسن استاد داشت، دست می‌کرد، مادرم گفت، به ساعتی شست که او مده و خونه هم مرتب و تعبیز و مرتک بکرد، دور هم نشستم، آقا شیرینی هم امداده برسیدم، مگه مهمنون داریم؟ گفت، نه اون موقعه عادم هم بیش ماندنگی کرد، مادرم گفت، به ساعتی شست که او مده و خونه هم مرتب و تعبیز و مرتک بکرد، دور هم نشستم، آقا محسن پرتوال تعارف کرد، از اجل پوسترش را ورقته بود، پرتوال را که دست بکردید و باز کرد، و سطحی یک گردن بند فیروزه بود، گفت: «الولد می‌باشد!» بر ق شاد را می‌شد در نگاه خواند، باورم نمی‌شد که آقا محسن این گوشه تو لمد راجش بنگیرد، آن گردن بند، همیشه بایم با ارزشترین هدیه زندگی ام بود.^۸

سخنرانی تأثیرگذار

دیر کرده بود، مدام راه می‌رفتمن، شاهزاده‌ان زندگی مسجد صدری بود، طاقت خود را در پروردی، چادرم را اندام خدم سرم و فرم تو خیابون شلوغ صدای سخنرانی از لبلندگوی سخنران معلمون نبود، اما مسجد می‌آمد، صبح علیه شاه راهیمیان شده بود و پنج تا از روحانیان های شهرها را دستگیر کرد، از نازاختن ایشان تعجب کرد، مدنی کارکرده بودیم، اما فکر نمی‌کنم شما رویه‌تان را از دست داده‌ایم، با خذنه در جنگ نسبت باش تا آخرین روز جبهه‌های منام». نیم تقویت است ما از همه کارهای خود بپردازیم، این دن، در همین حکم، محمد مهدی نیز در گوشش ایله ای آقایی مهایش بوره، عمامه مدنی دارد، برای چون‌چون حرف مزته، سرچشیده دور شد، دیگه سعادتمند شدم خود محسن استاد داشت، دست می‌کرد، مادرم گفت، به ساعتی شست که او مده و خونه هم مرتب و تعبیز و مرتک بکرد، دور هم نشستم، آقا شیرینی هم امداده برسیدم، مگه مهمنون داریم؟ گفت، نه اون موقعه عادم هم بیش ماندنگی کرد، مادرم گفت، به ساعتی شست که او مده و خونه هم مرتب و تعبیز و مرتک بکرد، دور هم نشستم، آقا محسن پرتوال تعارف کرد، از اجل پوسترش را ورقته بود، پرتوال را که دست بکردید و باز کرد، و سطحی یک گردن بند فیروزه بود، گفت: «الولد می‌باشد!» بر ق شاد را می‌شد در نگاه خواند، باورم نمی‌شد که آقا محسن این گوشه تو لمد راجش بنگیرد، آن گردن بند، همیشه بایم با ارزشترین هدیه زندگی ام بود.⁸

آخرین دیدار

قرابه‌های صراط المستقیم زیر نظر قرارگاه مهندسی رزمندی خاتم الانبیاء تمام طرح‌های مهندسی وزارت‌خانه‌های مختلف را بر عهده گرفت و علاوه بر پشتیبانی آنها، نسبت به محسن اجرای پروژه‌های فوق نیز نظارت فلی‌می‌کرد، نظیر نظارت بر تاسیس بیمارستان‌های «فاطمه الزهرا (س)» در منطقه جوبیده، بیمارستان امام علی (ع) در آیان، بیمارستان امام سینی (ع) و چندین بیمارستان کویری و نیز نظارت بر حسن اجرای جاده‌های مهم مواصلاتی مانند: جاده امام صادق (ع)، جاده همراه و ... که در سرنشوشت جنگ تأثیر بسازی داشتند، با توجه به دو منظوره یونی قرارگاه، علاوه بر پشتیبانی و نظارت بر طرح‌های وزارت‌خانه‌های شرکت‌کننده در جنگ نسبت به اجرای طرح‌های مهم و مورد نیاز جبهه نیز همکاری دو تبع مندسی رزمی (اکوثر) و (اوذر) و گران مستقل فاطمه الزهرا (س) اقدام می‌کرد، احداث جاده‌های پل‌هایی تعمید خاک در هورها و جزایر مجنون و خیر شمال، مانند جاده‌های «شهید همت»، «شهید جولانی»، «قدمربنی هاشم» در منطقه های جزیره جنوبی و احداث دخانی سیار مه و استراتژیک فاطمه الزهرا (س) در منطقه چوبیده بر روی رودخانه بهمن شیر زندگی دهانه خلیج فارس و نیز سایت‌های متعدد خلائق که در جنگ از همان طبقه ایله ای شدند، این مسیر موردنیزی ایله ای طرح‌های جنگ، از همان طبقه ایله ای طرح‌های شبانه‌روزی بود که با مدیریت سید محسن صفوی، باعث پیروزی های تعیین‌کننده‌ای در صحنه‌های دفاع مقدس گردید.^۹

تلذیشان روزی

قرابه‌های صراط المستقیم زیر نظر قرارگاه مهندسی رزمندی خاتم الانبیاء تمام طرح‌های مهندسی وزارت‌خانه‌های مختلف را بر عهده گرفت و علاوه بر پشتیبانی آنها، نسبت به محسن اجرای پروژه‌های فوق نیز نظارت فلی‌می‌کرد، نظیر نظارت بر تاسیس بیمارستان‌های «فاطمه الزهرا (س)» در منطقه جوبیده، بیمارستان امام علی (ع) در آیان، بیمارستان امام سینی (ع) و چندین بیمارستان کویری و نیز نظارت بر حسن اجرای جاده‌های مهم مواصلاتی مانند: جاده امام صادق (ع)، جاده همراه و ... که در سرنشوشت جنگ تأثیر بسازی داشتند، با توجه به دو منظوره یونی قرارگاه، علاوه بر پشتیبانی و نظارت بر طرح‌های وزارت‌خانه‌ای شرکت‌کننده در جنگ نسبت به اجرای طرح‌های مهم و مورد نیاز جبهه نیز همکاری دو تبع مندسی رزمی (اکوثر) و (اوذر) و گران مستقل فاطمه الزهرا (س) اقدام می‌کرد، احداث جاده‌های پل‌هایی تعمید خاک در هورها و جزایر مجنون و خیر شمال، مانند جاده‌های «شهید همت»، «شهید جولانی»، «قدمربنی هاشم» در منطقه های جزیره جنوبی و احداث دخانی سیار مه و استراتژیک فاطمه الزهرا (س) در منطقه چوبیده بر روی رودخانه بهمن شیر زندگی دهانه خلیج فارس و نیز سایت‌های متعدد خلائق که در جنگ از همان طبقه ایله ای شدند، این مسیر موردنیزی ایله ای طرح‌های جنگ، از همان طبقه ایله ای طرح‌های شبانه‌روزی بود که با مدیریت سید محسن صفوی، باعث پیروزی های تعیین‌کننده‌ای در صحنه‌های دفاع مقدس گردید.^۹



علاقة دولترقه

حاج همت، علاقه و ارادت عجیبی
نسبت به شهید سید محسن
صفوی داشت. شهید صفوی، آن
موفق فرمانده سیاه شهروصل بود و
حاج همت فرمانده سیاه پاوه، حاج
هشت روزی به شهرضا آمد و کارت
عضویتش نیار به تدبیت اعتبار
داشت. کارتیش را به شهید صفوی
داده بود تا ماضکند. شهید صفوی
به حاج همت گفته بود: «شم که
خدوت فرمانده سیاه پاوه هستی،
چه نیازی به کارت سیاه شهروصل
امضای من داری؟» حاج همت با
فروتنی باشد داده بود: «من دلم
نم خواهد امضای شما پای کارت
شناسایی ام باشد». شهید صفوی
نیز به شهید همت علاقه و افزایی
داشت. بعد از شاهادت من در
عملیات خیری، پول خالی که توسط
قرارگاه مهندسی رزمی صراط در
منطقه هور احداث شد، به دستور
شهید صفوی، جاده شهید همت
نامگذاری شد. جاده ای که یکی از
شاھکارهای مهندسی چند بود
و عملیات بدر از این جاده صورت
گرفت».

پیش نوشت:

۱. کتاب شمع صراط، راوی: همسر شهید.
۲. کتاب شمع صراط، راوی: سید مجتبی قمری.
۳. کتاب شمع صراط، راوی: غیاث‌الله هدی.
۴. ماهنامه طراوت، شماره: ۱۰.
۵. کتاب پایگاهان و حوال.
۶. شمع صراط، راوی: همسر شهید.
۷. ماهنامه طراوت، شماره: ۱۱، راوی: شهید.
۸. ماهنامه طراوت، شماره: ۱۲، راوی: همسر شهید.
۹. ارسالیستشکر فیروزابادی.
۱۰. کتاب پایگاهان و حوال.
۱۱. کتاب شمع صراط، راوی: همسر شهید.
۱۲. نرم افزار چند رسانه ای شمع صراط.

درباقیار

محمد‌مهدی مدام بی‌قرازی
می‌کرد و پدرش را می‌خواست.
با خود گفت، اگر سید
محسن تماس گرفت، می‌گوییم
محمد‌مهدی مدام بی‌قرازی
اینکه برادرم تماس گرفت و گفت: «حال
مادر خوب نیست؛ باید به
اصفهان بیایی» من منتظر تماس
آقا محسن بودم، به برادرم گفتم:
«اگر خبر شهادت داشتم،
بدهن، به اصفهان نمدم». را
یک ساعت بعد برادرم به زمزمان
شاید سیدی به مادرورت رفته باشد
و تواند با شما تماس بگیرد. دلم
لرزید. فواراً با قرارگاه تماس گرفتم.
از لحن سمعت، متوجه شاهادت
سید شدم، سرم گیج رفت. گوشی
را هرا کرد و فرادر زدم، ایجه‌ها
بابایا به اصفهان که رسیدم، اول
وقتی سمعار، مطمئن و استوار
کنار پیکر محسن نشستم. تمام
بدنش سوخته بود. بدستم،
سورش را پاک کرد، احسان
کردم به من خنده از صورت
نورانی و مهیان محسن، خجالت
کشیده حریق نزن، نه سال و سه
ماه و سیزده روز زندگی مستقر،
به پایان رسید و من فقط ۵۵
کنار سید محسن بودم. زندگی و
مرگ آمیخته به مه است؛ آما چه
زیباست شیرین که بشوی
در آسمان حوالی منطقه امیدی به با
دیدار گردید. همایمان بود
و خاکستر وجودت. قتوسی شود
و علم به زمین افتادهات را بر فراز
دشت ها به اهتزاز راورد».

شاهدت

عملیات کربلا ۵ شروع شد
سنگرهای سرداران مسئول
توبیاخان، آن طور که هایاسته
بود، مورد لذخوار و بسیار شدید
نکنند، به اصفهان نمدم. را
اینکه برادرم تماس گرفت و گفت: «حال
مادر خوب نیست؛ باید به
اصفهان بیایی» من منتظر تماس
آقا محسن بودم، به برادرم گفتم:
«اگر خبر شهادت داشتم،
بدهن، به اصفهان نمدم». را
یک ساعت بعد برادرم به زمزمان
شاید سیدی به مادرورت رفته باشد
و تواند با شما تماس بگیرد. دلم
لرزید. فواراً با قرارگاه تماس گرفتم.
از لحن سمعت، متوجه شاهادت
سید شدم، سرم گیج رفت. گوشی
را هرا کرد و فرادر زدم، ایجه‌ها
بابایا به اصفهان که رسیدم، اول
وقتی سمعار، مطمئن و استوار
کنار پیکر محسن نشستم. تمام
بدنش سوخته بود. بدستم،
سورش را پاک کرد، احسان
کردم به من خنده از صورت
نورانی و مهیان محسن، خجالت
کشیده حریق نزن، نه سال و سه
ماه و سیزده روز زندگی مستقر،
به پایان رسید و من فقط ۵۵
کنار سید محسن بودم. زندگی و
مرگ آمیخته به مه است؛ آما چه
زیباست شیرین که بشوی
در آسمان حوالی منطقه امیدی به با
دیدار گردید. همایمان بود
و خاکستر وجودت. قتوسی شود
و علم به زمین افتادهات را بر فراز
دشت ها به اهتزاز راورد».

حال بهشتی

حقیقت این است که تقاضش
برادر محسن صفوی، در تقویت
چیزهای و تقویت روحیه
فرماندهان و زرمانگان اسلام
در چند، سپاه قابوچه بود
اما آن چیزی که باعث موقبیت
قرارگاه صراط بود، کوشش، تلاش
پشت کارشانهای روزی و توجه و
دلسری شهید محسن صفوی
بود. با او مقیمه و در مناطق
 مختلف جبهه‌ها، پروژه هارا بازدید
می‌کرد. به چشم خود مشاهده
کردم بیانکه مهیسی که از جاده
عبوری کرد. محسن راه علوان
فرمانده قرارگاه صراط المستقیم
می‌شاخت توقف کرد، می‌آمد
و با این روح حریف بود. او هم با
صممیت، پاسخی را می‌داند.
این بهتیسم همیشی او شکفتند
شکوههای ایمان و اعتقداد را در
ضمیر انسان متجلی می‌کرد. در
آن شایسته سپاه بخت و پر فرار
و نشیب، شداید چند، یکی از
مسانی بود که قرارگاه صراط
با آن درگیریزی زیاده داشت. در این
حال تنها چیزی که روحیه می‌داد
همان حال خوش شهید محسن
صفوی بود. من به این حال
می‌گویم: «حال بهشتی».



قصری برای مهدی...

به یاد هندنس شهید مهدی با کرسی،
فرمانده لشکر ۳۱ آشورا

تولد: ۳۰ فروردین ۱۳۳۳ میاندوآب
تحصیلات: هندنس مکانیک
مسئولیت: فرمانده لشکر ۳۱ آشورا
شهادت: ۲۵ اسفند ۱۳۶۷ رودخانه دجله
مزار: بنی نشان

زندگی سخت

رفقیم توی شهر و یک اتاق کرایه کردیم، بهام رهچه به عنوان هدیه عروسی بهمان دادند. گفت: زندگی ای که من سخته ها گفتیم: قبول. برای همه کارباش بر زمامه داشت: خیلی هم نظم و سخت گیر غذا خیلی کم می خورد. مطالعه خیلی می کرد. خیلی وقت ها می شد روزه می گرفت. معمولاً همان روزی بوده باشد که او نظریم داشت. بلند موش و تلویزیون را خاموش کرد. چند وقت بعد همین آقای شهردار، شریک زندگی ام شد.

هدیه عروسی

هرچه به داشت: خیلی وقت ها می شد نان خالی م خوردیم. شده بود سرتاسر مژستان، آن هم ایوب تبریز یک بیت نفت هم توی خانه مان نداشت. کف خانه مان هم داشت. برای این که آنها نمک نکند چندلا پتو فروش و پوسینیم می اندانیم زمین.

کوکت مولافت

سال پنجاه و شش، پادگان ارومیه خدمت

راه افتادیم توى شهر، نزدیکی های فوجدار، یک حلبی آباد بود. رفتهنیم آجرا. توى کوجه سپ کوجه هاشش پراز آب و گل و شل شده بود. آب وسط کوجه صاف من رفت توى یک از خانه ها در خانه را که زد پیرمردی اسد دم در ما که دید شروع کرد به بد بی راه گفتن به اشیدار. می گفت: آجنه این چه شهرداریه که ما داریم؟ نمی آیدی سری به مون بزنه، بیبینه چی می کشیم. آقamedی باش گفت: خلی خوب پدر جان اشکال نداره. شما به بیل به اما بده. درستش می کنیم. پیرمرد شنیدم مشروب فروشی های شهر، یک یک دار آش می گیرد. حالا مفهیدم چراز خبری نیست.

پیرمرد

فکش اذیتش می کرد. دکتر معاینه کرد و گفت: قردا بیا پیمانستان، بايد مکلس می گرفت. عکسش که ام آسده شد، رفتیم دکتر بینند و سطه ها غیبیت رز توان گزروهای پیمانستان دنبالش می گشتم. دکتر داشت رنگ فرنگی بالآخره پیداش کرد. یک نفر را کول کرد بود داشت از لبه های مردی باری: یک پیرمرد را.

اقای شهید رهار

دختر خانه بودم. داشتم تلویزیون تماشا می کردم. مصاحبه ای بود با شهردار شهرمان. یک خرد که حرف رز خسته شدم. سرش زدن از داخله بود پایین و آرام آرام حرف می زد. خودم گفتمن: یک دیگه چه جوش شهرداریه را خودم گردم. چند وقت بعد همین آقای شهردار، شریک زندگی ام شد.

خودکاریت مال

باش گفتمن: توى راه که برمی گردیم، به خوده ایشان بخواست بخواه تومن. بقیه بیو را داد لوازم التحریر خربید، داد به یکی از کسانی که شناسایی کرده بود و می داشت محتاجند. گفت: اینم گفای کتابهای این ماههون.

خودکاریت شهید رهار

باش گفتمن: بدهم بده. همان یک دفترچه باشد و یک خالی می کرد. یک دفترچه باشد و یک خالی می کرد. از درور گذشت. بیانیه ایشان را داشت. تا چیزهایی که می خواستم تویش بتویسم. یک دفعه بهام گفت: نویسی ها جا خوردم. نگاهش که کرد، به نظر کنم کی عصبانی شده بود. گفتم: مگه شده؟ گفت: اون خودکاری که دستته، مال بیت الماله. گفتم: من که نمی خواهم کتاب باهش بنویسم، دوشه تا کلمه که بیشتر نیست. گفت: نه.

اخلاق مهدی

توى اینشین داشت اسلحه خالی می کرد: با دوشه تابسیجی دیگر از عرق روی لباس هایش می شد فهیدی چفتر کار کرده کارش که تمام شد. همین که از کنارمان داشت می رفت به رفیق گفت: جطوری مشد علی؟ به علی گفتمن: یک بود این؟ گفت: مهدی باکری؛ جانشین



METROPOLITAN COLLEGE
TASSAN-A-CHASS
B-MAJ-H-A

داد و با افراد مختلف صحبت کرد. حتی با یکی از نظامیان بازنشسته‌ای که در تهران بود و از مسکن‌ها و مسکن‌های خود را در آنجا بود، رودخانه‌ای خوش‌بازنگاری آهانگی را برداشت. کرد. آن روز در تهران و استانها فریضت و امداد کرد تا سازمان فرهنگی چه روزی در چه ساعتی، آب رودخانه بهمن شیر متغیر می‌شود و همچوین حرکت تندار و در آن حین می‌توان عملیات ساخت از پل را شروع کرد. اقاسی راه از قریب، حدود ۶۰ کیلومتری شن و خاک آهاده کرد و لوهه‌ای بریز کتابلی شد و سرعت لوله‌ها در داخل آب اندانختند و منقوش کارکرده شدند. در همان مدت کوتاهی برخانه‌ای بزیر کرد بد، پل فاو زد شد و فرود و افتاده‌گراندان خودروها و توپ و تانک و امدادات از همین پل از جامد شد.

شہادت

باره‌ای خواستند پل فاو را بسازند؛ ولی به مشکل برخورد کرده بودند. ساخت پل فاو کار سختی بود. بزرگ آن به اندازه عرض رودخانه بهمن شیر بود. به دلیل سرعتی که آب رودخانه اوروند داشت، شهید آقاسی، زاده تحقیق، اتحام

رتبه اول دانشگاه

در طول تحصیل، به لحاظ برتری علمی و اعقاقدش به اقلاب اسلامی و تلاش‌های بی‌درباره او در اینچنان اسلامی کانادا، از مرکز جهانی مناقفین و گوهه‌های چیز، در آمان نمود و مشکلات را در مسیر تحصیل و فعالیت‌های سیاسی مذهبی‌اش به وجود آوردند، اما او با اینها مقابله فکری و اثناک در نفع، نشان همه جهت افسای چهار گوهه‌کاری از خدا بی خبر شروع کرد. کاشهنسان خود را در پرشه مهندسی سازه و کاپیتالیست‌ها از دنده در پرسنل پی‌سازی در آشکارهای تکنولوژی کارآمد با معلم بالی‌گرداند و رتبه اول دانشگاه را کسب نمود.

بازگشت به تورنتو

روزی که دانشجویان پیرو خط امام، سفارت امیریکا را لاذن آسوسی اسپریکسردیدند، حسن فخری‌زاده افغانی را روز پنجشنبه ۲۷ آبان ۱۳۹۰ در آن راه راهنمایی و سخنرانی موضع ایران را تایید کردند و روزنامه‌اموند کنان‌آهم با این خبر اعلام کردند که این اتفاق باید از پیروزی انتخاباتی اسلامی اسلامی اسلامی می‌گفتند و این رئیس این‌چشم اسلامی دانشجویان در کنادا می‌شد و مسجدی را در اختیار می‌گیرید. امام که به ایران تشریف اورده‌است، او به تکمیل آمد و از کشور شیوه نداشتند و زد که دولت تکمیل مایع و رویداد به ایران می‌شود.

گفتم، پسر جان امگر تو نمیگذرد که فقط حرف امام براتی خواست. مادر نام امام فاطمه بود و دریس پسر خواهیانی این حرف را وروی اور گذاشت و بخوبی تو زنگو بشکست و با فرشته دادن گردارند و احدهایشان، دو سال را در یک سال و خردمندی تمام کرد. استاندار از او مرسید: موضع تزییں میگویی، سایت! این اختیار گرداری های قیمتیست من گویید: سایت موشکایی زمین به هوا، او را بر سایت برد و بودند. بعد از تعریف من کرد که ما را بر سایت بردند و در میان دخترانی که بهم پنهان بودند با توکل به خدا نیامن و قدرتمندیم. اما ماند و در پیاره چشمان حیرت زده استادانش، نتش را با نامه عالی قول بود.

در انچون اسلامی اذانشوچیان مسلمان کلان‌آزادان، فضیلت ششمکری مدارست و ای مقتدرین نبیرهای فرهنگی در پرگزاری مجالس مذهبی و علمی در دفاع از حریم اسلام و مکتب تشیع پیاری ارشاد و هدایت اذانشوچیان مسلمان و فرقه مسلمانان بود.



عصر روز سوم

روایت زندگی و شهادت شهید محمد طرح چی،
فرمانده پشتیبانی جنگ جهاد خراسان

عملیات دارخوین - که به نام «فرونده دل قوا، خمینی روح خدا» مشهور

بود - عملیات آزادسازی کرخه نور ایفا کرد. به خاطر مسئولیت حساسی

که داشت، همیشه در خط اول جبهه بود. در حالی که هدایت و هماهنگی

خودروهای بزرگ راسخانی (النجم) می‌داد در عملیات سندکسازی و ایجاد

سدهای طولانی و بلند خاک نیز شرکت می‌کرد.

شهید طرح چی، جهاد سازندگی و پشتیبانی - مهندس بنجگ جهاد

خوازستان - را در میان خدمتش تأسیس کرد. وی در این مقطع، فرماندهی

قرارگاه کربلا را بر عهده داشت و از سوی مدیرکل امور جهادگران جهاد

سازندگی، رده فرماندهی همتزار با فرمانده لشکریه وی اعطاشد.

محمد طرح چی در یکم فروردین ۱۳۳۲ در شهر مشهد مقدس، دیده به جهان

گشود. پس از اتمام تحصیلات دانشگاهی در رده کارشناس مکانیک، در یک شرکت

راهسازی در استان خوزستان مشغول

بد کار شد. با صدور فرمان حضرت امام

مبنی بر تشکیل جهاد سازندگی، در فاصله

کمتر از روز به جهادگران جهاد سازندگی

پیوست. او مدتی قبل از آغاز جنگ، برای

انجام ماموریت به کشورهای سرکردگد و در غربه چند، در ایران

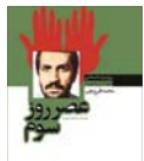
حضور نداشت. پس از مدتی کوتاه به ایران بازگشت و بدون درزگ، به

سوی جمهه رهسیار شد.

با نظرت و هماهنگی وی، جاده های استراتژیک و نظامی زیادی در

جهههای مختلف جنوب ساخته شد. طرح چی نقش بسیار موثری در

۳ روز اتفاق می‌افتند. به تصویر کشیده شده است.





ان مثيل دكتور مصطفى
ميميديه و فرمانده سياه
ای منطقه شده بود.
ی طرح احداث خندق
زمینه ای تخت اشغال
طرح شد، محمد چه
ادانات شنیده دکتر جهان
د، عملی کند. این فکر
در منطقه پادگان حمید
اداروی در ذهن رضوی
ی چرخد و چشمانش
نیمه باز به سقف
بوزد و خوابش
برید.

حمد بدون
قد احافظی رفت!

اجیان و طرح‌چی، در
سال ۱۳۵۲ در دانشگاه
ملی تکنیک تهران،
م دوره بودند و حال
که بار دیگر در جریب‌های
یک‌گر، در کنار هم قرار
رفته‌اند. در آن دوران،
جان دانشجویان.

مان و طرح چی، در سال
در داشنگاه پلی تکنیک
نم، مهندس دوره پودن و حال
از دیگر و در جبهه‌ای دیگر،
از هر قرار گرفته‌اند.
وران، میان دانشجویان،
بندهی هایی وجود داشته
چ چ، چه گروهی بود که
به آنها نزدیک شدی،
تقریباً تو اینستی به حلقة
معتقدات، راه سام،

مه یا بد و هنگام نمانز هر سه مردم نماز
دعا و بعد از خودن مخواسته شان
غیرین و خارج - خوار - غزال - گزندن تا بخواهد
ساقی نبود - غزال - گزندن باید و دشکارش برای
شان شناسان را سپته بودند
شمن درگران - راحت خود را پویدند اما
هر سه نفرشان کنید باید و بودند
پرسه با مقدم فکر کنند: چه زمانی که در
اشغال خوشمیدند - چه زمانی که
اوای از را ملاقات مکنند - چه زمانی
و حواسی مکشتبند - بینی استیا

و چشمهاي
صحبت ميان
و آن جوان
شود و همين
آغاز آشناي

مطریج که جراحتش تا حدی سگنک است،
عابرگرایم پیشنهاد رانندگان برای انتقال با
آزادی اسلامی ایران می‌باشد. این امر ممکن است
و من می‌باشم کارها را زودتر انجام بدهد تا خصوصیت
رسانی و مخصوصیت زور به قلرباش را حفظ کنند. آن
که از طبقه می‌رسند و درباره تاریخ اتفاق
از سایر زندگانی‌ها پرسیش می‌کنند. محمد
حسینی خوشبختی داشت. اولین
آنکه خانه‌ای را خودش در مناطق جنگی احداث کرد.
و فوتی که تجربه‌هایی همچو
نیز است. در اثر شدت جراحت، مطریج
که جراحتش تا حدی سگنک است،
عابرگرایم پیشنهاد رانندگان برای انتقال با
آزادی اسلامی ایران می‌باشد. این امر ممکن است
و من می‌باشم کارها را زودتر انجام بدهد تا خصوصیت
رسانی و مخصوصیت زور به قلرباش را حفظ کنند. آن
که از طبقه می‌رسند و درباره تاریخ اتفاق
از سایر زندگانی‌ها پرسیش می‌کنند. محمد
حسینی خوشبختی داشت. اولین
آنکه خانه‌ای را خودش در مناطق جنگی احداث کرد.
و فوتی که تجربه‌هایی همچو
نیز است. در اثر شدت جراحت، مطریج

جمعه دیگر خدا مرا حمت کند!

یک از اولین هاشدم، از خاکباز دشمن عبور کرد. قبار بود کار احداث خاکباز بعد از فتح خاکباز سوم اجام شود و ای اکثر هوازش من شد، همه چیز خراب می‌شدند.

بعد از صبحانه، هرگز می‌رودت با کار خودش برسد که در همین لحظه، ورشابی (مهدی) و روشابی، فرمانده پیشتبانی و مهندسی جنگ (جاده و حدث قفل) می‌کنند. جاده‌ای که طرح آن را خودش داده بود، تا اینجا که هنگام محاصره آبادان، شمشیر می‌شود و بعد از آن، جاده‌ها را بر حمل می‌رسد که اینکه باید را به محمد ایضاً می‌داند. در همین شب، شمشیر می‌شود و آیا اینکه باید بروند و دو تا نانک که پشت خط دشمن ماندندان را بیاورند؛ کاری که محمد همینه انجام داده است، مقرر می‌شود که مهدی و مهدی، بعد از آنکه این طرح از خط آبادان آمدند، به شعبیه بروند. هنگام سرکشی شاهزادگان، راجعه به پل و جاده صحتی می‌کنند و روزایی یاد شاهنشاهی می‌افتد که چقدر برای این جاده رحمت کشیده بود و دستاً و شاهدات شاهنشاهی را می‌آورد. روی پرده ذهنش به نمایی در می‌آید. بعد از مادرسته، محمد طرح چیزی و مهدی میرزاپی، سری به قرارگاه می‌زنند تا محل جدید ستدان اوریزی کنند. از این پردازش این طرح، او سوار ماشین می‌شود تا بروند. کارش تا عصر طول بکشد و ضری و نجایان، هماچنان‌مانند. ناکار کار کردند تا اینکه ماشین طرح چیزی از موضعه بروون رفت.

در راه مأموریت جدید، مهدی و روشابی و محمد طرح چیزی راچ یعنی به موضوع شهادت صحبت می‌کنند. مهدی به شاهمنامه محمد نگاه کرد که هنگام حرف زدن درباره شهادت، برق می‌زند و در خوشبینی و هرگز این قدر جزوی و مفصل درباره شهادت صحت نگردد. خودرو در حرکت است و محمد چشمش در اطراف جاده می‌چرخد. نکاهی به پادشاهت های مهندسی خود کرده و مطالubi را به آنها اضافه می‌کند. وقتی به مقصید مسنت، محمد پیغمبردی را می‌بینند که اذان را شروع کرده است. محمد چندحظایق موضعی اذان شده بود و سیر در آسمانها پرداخته بودند. سیک شده بود و پاهایش روسی نمی‌بندند. هزار خلسله سبکی شده بود و با اذان اوج می‌گرفت. کم کم همراه با مودن شروع به زمزمه کرد، اشده‌ان علیاً‌الله...

گروه به بالا کوه می‌رسد و در آنجا با یک گروه کوهنورد خارجی ملاقات می‌کنند و محمد همچنان در تپ می‌سوزد. شب را همان جا اتراء می‌کنند. شب هنگام، ذهن محمد، به این سو و آن سو گیریزند؛ به کارهای پیش رو، به قول سره زده، به کارهای آینده... و روی (جاده و حدث قفل) می‌کنند. جاده‌ای که طرح آن را خودش داده بود، پسندون. به همه پیش کار آبادان، شمشیر می‌شود اینکه باید می‌رسد و همان جا شاهدیت می‌شود و بعد از آن، جاده‌ها را خرمشه بر نام او راه خود می‌گیرد.

فرکه، محمد را به درودسته ایشان می‌رسند. در اینجا می‌گذرد. در راه، محمد سخن آغاز می‌کند و به کسی اشاره می‌کند که قرار است او را در اینجا بگیرد. وقتی به محل موردنظر رسیدند، این جوان را ملاقات می‌کنند. ناجیان، در اینجا طرح چیزی ایجاد نمودند. در فرقا، این جوان را ملاقات می‌کنند. ناجیان، در اینجا طرح چیزی ایجاد نمودند. در عین حال محکم می‌دید. متواضع و فروتن و در عین حال محکم و مقنقد گرام بر می‌دادند. بازندی ملایم بیز روی لبهای پسندند. بادیه و تعریفهایی که از او شنیدند، بود. قلب از طرح چیزی و ناجیان را سمت او کشاند. هر دو هم‌دیگر را ناشناخته در بغل کرفتند. این جوان، کسی بود جزیسیده‌حمدانی و پسری، طرح چیزی و ناجیان، به سراغ راندگان پیویزند. بودند و هم‌دیگر را زیر نظر رفته، مشغول کار هستند. یکی از این راندگان، میرزاپی یا سردار شاهدی مهدی میرزاپی، موسس واحد تخریب بگاهای هزارسان و فرماده تیپ امام موسی کاظم(ع) که در عملیات مهیم شاهد شد است که بعد این نیز به شمار دوستان پهلوانان صممی محمد اضافه خواهد شد.

ناجیان از افکار خود بپردازند می‌آیند و متوجه می‌شودند که محمد، در تپ می‌سوزد. وقتی همه منوچه و سعیتی می‌شوند، اصارب را لغو برname کوهنوردی می‌کنند. محمد مخالفت می‌کند و هم‌گزین، عماک، کوه می‌شوند. در مسیر قله کوه، محمد در فرض استفاده کرده و از مقابل دشمن مقاومت می‌کرندند و از نزدیک شدن دشمن به کارون و عبور از آن جلوگیری می‌کرندند. فرمان اخوان خمینی برای شکسته شدن حصر آبادان، اضایای شاهنشاهی را پیشی ها با احداث خفرخانه را پیویسند و کاتالایانه را می‌زینند. مهندسی محمد اضافه خواهد شد.

ناجیان از افکار خود بپردازند می‌آیند و متوجه

گروهی بود که وقتی به آنها نزدیک می‌شند، به سختی می‌توانستند به حلقه معرفتمندان راه بیایان. گوش هایشان تیز بودند از صدای از هر گوشه مملکت بود، پسندون. به همه پیش کار داشتند. هر راه مملکت گفته تا رفتگر محله را نقدمی‌کردند.

در جریان محاصره سوستنگرد، رزمانی که عشاپیر، آن طرف رودخانه ممنظرند تا به طرف دیگر پیوندشان، باز محمد طرح چیزی است که مسلطرا به درستی حل می‌کند. سپس همراه ناجیان به حمیده باز می‌گردند. در راه، محمد سخن آغاز می‌کند و به کسی اشاره می‌کند که قرار است او را در اینجا بگیرد. وقتی به محل موردنظر رسیدند، این جوان را ملاقات می‌کنند. ناجیان، تو مصافتی ایکه طرح چیزی ایجاد نمودند. در فرقا، می‌دید. متواضع و فروتن و در عین حال محکم و مقنقد گرام بر می‌دادند. بازندی ملایم بیز روی لبهای پسندند. بادیه و تعریفهایی که از او شنیدند، بود. قلب از طرح چیزی و ناجیان را سمت او کشاند. هر دو هم‌دیگر را ناشناخته در بغل کرفتند. این جوان، کسی بود جزیسیده‌حمدانی و پسری، طرح چیزی و ناجیان، به سراغ راندگان پیویزند. بودند و هم‌دیگر را زیر نظر رفته، مشغول کار هستند. یکی از این راندگان، میرزاپی یا سردار شاهدی مهدی میرزاپی، موسس واحد تخریب بگاهای هزارسان و فرماده تیپ امام موسی کاظم(ع) که در عملیات مهیم شاهد شد است که بعد این نیز به شمار دوستان پهلوانان صممی محمد اضافه خواهد شد.

ناجیان از افکار خود بپردازند می‌آیند و متوجه می‌شودند که محمد، در تپ می‌سوزد. وقتی همه منوچه و سعیتی می‌شوند، اصارب را لغو برname کوهنوردی می‌کنند. محمد مخالفت می‌کند و هم‌گزین، عماک، کوه می‌شوند. در مسیر قله کوه، محمد در فرض استفاده کرده و از عرفان، حقیقت و اخلاق و دین می‌گویند. وقتی گروه به قله کوه می‌رسند، محمد می‌گویند: «ابن کو، در وافق نفس می‌کنند. مهدی به چشمان می‌کنند. مهدی به چشمان را می‌خواهند. زدن درباره شهادت، برق می‌زند و می‌درخشد. او هرگز این قدر جزیی و مفصل درباره شهادت صحبت نکرده بود.

در راه مأموریت جدید، مهدی و روشابی و محمد طرح چیزی راچ یعنی به موضوع شهادت صحبت می‌کنند. مهدی به شاهمنامه محمد نگاه کرد که هنگام حرف زدن درباره شهادت، برق می‌زند و در خوشبینی و هرگز این قدر جزوی و مفصل درباره شهادت صحبت نکرده بود.

می‌آییم بالا...



بمباران، بدنش لایه‌هده شده و بیست روز بعد از شهادتش، هنوز کسی سراغش را نگرفته بود و بدنش کشید که این دادن و می‌گفتند: قربان در مادراتا تکان دادند و می‌گفتند: قربان در مادراتا بعد از بیمارستان، سری هم به معراج شهدنا می‌زندند. در معراج شهدنا، بدن را داخل یک پتو قرار داده‌اند. اما پیور نگاهی به آن می‌اندازد.

جسد تکه تکه شده یک شهید است: اما او طرح چی نیست. اما پیور با دیدن آن وضعتی،

حالش درگون می‌شود و ابراهیم نیز جلو

می‌اید تکاهی بپندارند. وقتی لای پتو را باز

می‌کند، سر جنابه بر من گردید و صورتش هوایا

می‌شود و آجاست که هر دو می‌بینند که آن

بیکر تکه پاره، بازمانده بدن محمد طرح چی

است.

هر چند کامدانش باور نمی‌کند که از طرح چی، با

آن قد بلند و قامت قوی و روشنی، باید به همین سر و

دست و گفتگوسته باقی مانده باشد. یعنی

محمدی که می‌خواهند به مشهد بفرستند،

همین است؟ باید بدر و خواهش، باید بجهه

های جهاد خراسان، باید همین سر و دست

را بفرستند؟ راستی حالا این سر و دست را

باید با چی به مشهد

بفرستند؟ بس از اینکه

دوستان را مخدوم داع

کرند، آنچه از برای

مانده بود را با هوایما

به مشهد می‌فرستند؛

یعنی تنها حسنهش را...

منبع:

سیدعلیرضا مهرداد، عصر روز سوم، واپسی زنجی شعبانی محمد طرحی، فرهادنی بشتبیانی جنگ جهاد خراسان

ان صلاتی و نسکی و محیای
ممانت الله رب... مهدی دویاره
ساخت می‌شود، بغض در گلوبیش
چنبره می‌زند و اشک زبان،
ادامه می‌دهد: «انها خوبین!
حرف هایی بود که شنیدم!
بعد یه گلوله دیدم که مستقیم
به سمت محمد امید و بعد هم
صدای انفجار و توفان و دود...

من گند و هردو به طرف تخت او می‌روند.
ابراهیمی، ملحظه را گرفت و کشید. ملحظه از روی
دست ماجروح بود و للاش می‌گردید و آن را روی
مورتنش بکشد. خودش بود؛ مهدی و رشایی
کسی که در دور بعد از طهره را مونتس، یقیه بود
خط شجاعیه و قرار بود مواظب طرح چی باشد.
به پنهانی صورت اش می‌برخت.

حال و روش ایشان که بهتر شد، پیش از آنکه که قبل از دیگر شدن در اعماق، می‌آمد، استینی با
آن زند و گویید: «بهتر است اول احوال خود را
نمی‌توانم از آنچه به نام ایشان می‌گویید؛
میان سرو و سدای انجشار و هجمون آتش داشتم
دست را در حالت قیوت بود و هرچه می‌گذشت
دست از اینهند و می‌برد و می‌سادی باعیشان
بلندرت می‌شد؛ ان صلاتی و نسکی و محیای و
معمات الله رب...» مهدی دویاره ساخت می‌شد.
بغض در گلوبیش چنبره می‌زند و اشک زبان،
ادامه می‌دهد: «انها خوبین! حرف هایی بود
که شنیدم! بعد یه گلوله دیدم که مستقیم به
سمت محمد امید و بعد هم در این طرفه می‌شوند
توفاون و دود... سرم رو بلند کردم و به چاه نمای
به محمد نگاه داشتم. در محل نماز محمد، گویی
بزیر ایجاد شده بود در اطراف گوکی، شبانی
پراکنده، توک و بزرگ افتداده بود...»

ابراهیمی و امایور با دیدن آن وضعیت،
سکوت و بغض، از بیمارستان خارج می‌شوند
تا محمد را بایاند؛ شهید محمد طرح چی در این
بار نیاز شهیدی می‌گستند که احتمالاً قابل

شناسایی نداشت.
معلومات نیوک در آن کن محمد کجا آرام خوابیده
است و آیا قصد دارد به قول خودش که گفته بود
سه روز دیگر به مشهد خواهد آمد. عمل گند
با آخرین همه ها شهر را پیشند و محمد را
با پولیویز با لود اور آنجا کار کرد و با
تدارکات راه را تامین کرد که در طراحیان یا طراحی
و اجرایش باتأمين نیرو و تقویق راندگانش را

محمد حمام داده است.
ابراهیمی و امایور، از تقدیم چند می‌شوند تا
دنیال محمد بگردند. آنها اینجا به بیمارستان
«اکستان» (بیمارستان اندی شاپور سابق

در اهواز) می‌روند. در آن بیمارستان، اتری از
طرح چی نیست. آنها خوشحال و نگران، به
بیمارستان «اکستان» (بیمارستان اندی شاپور سابق
با نگرانی، از در پشت بیمارستان، وارد بخش
می‌شوند. آن دو بکه بیک، تمامی اتفاق ها را
حس و خود می‌گند تا اینکه در یکی از آنها،

یک مجروح جنگی، توجه ناجیان را مغطوف خود

عمل به قرار در عصر روز سوم

مقهیهاد سازندگی، نماز جماعت مغرب و
عشاء تمام شده و ناجیان، رضوی، ابراهیمی (از
نیویهای ارش) و امایور (محمد تقی امانیور)،
عضو هیأت موسس وارت جهاد، چلوي درب نمازخانه جمع می‌شوند و قبل از
همه چیز، موضوع صحبتیان محمد است که
آمدنش با تأخیر افتاده، گروه، وارد آن طرح
و برنامه می‌شود. هر کدام گوشاهی نیستند
و به دیوار نگذه اند. فضای اتفاق، یا خال
حول و هوش طرح چی بیرون نمیرفت.

بعد از شام، همه دار می‌گشند تا بخوابند.
اشاهزاده می‌شود به اینکه ناصر ابراهیمی، چطور
به گروه کشیده اند، بخواب و فکر و خیال
و دلشوه، امانتشان است. همچنان که
در گروه طرح چی، نجوه آشناشان شان با طرح چی و
پژوههای جنگ است؛ روزهایی که همراه با
طرح چی احمد اداده اند، چند فقره شدن با خوابند
و فردا، همان روز سوم است. روزی که محمد
می‌باشد برای عمل به قول و قراری که داشته،
به مشهد برو.

اذان صبح، نماز صبح و خود صبح، نگرانی ها را
کم که نه بلکه بیشتر می‌گذند؛ چراکه محمد،
هنوز هم نیامده است. ذهن مشوش ناجیان،
او را با خود به دهلاوه می‌برد. اینجا که همان
شهید می‌شود و محمد طرح چی، بنایانگار

«اجهاد سازندگی» و بشتبیانی مهندسی جنگ
جهاد خوزستان، دست به کار می‌شود و یک تنه،
تبات به طرح باز می‌گرداند. ناجیان می‌دانست

که در هر جاده ای ماسنیون از پسران از پسرین از بیش
حاکمیتی حیثیت داشتند که می‌گذشتند از بیش
امان است، بگوئند از طرفه درست طرح چی در
آن است با پولویز با لود اور آنجا کار کرد و با
تدارکات راه را تامین کرد که در طراحیان یا طراحی
و اجرایش باتأمين نیرو و تقویق راندگانش را

محمد حمام داده است.
ابراهیمی و امایور از تقدیم چند می‌شوند تا
دنیال محمد بگردند. آنها اینجا به بیمارستان
«اکستان» (بیمارستان اندی شاپور سابق

در اهواز) می‌روند. در آن بیمارستان، اتری از
طرح چی نیست. آنها خوشحال و نگران، به
بیمارستان «اکستان» (بیمارستان اندی شاپور سابق
با نگرانی، از در پشت بیمارستان، وارد بخش
می‌شوند. آن دو بکه بیک، تمامی اتفاق ها را
حس و خود می‌گند تا اینکه در یکی از آنها،

خاطراتی از رزمندگان و شهداي مهندسي جنگ

جاده‌ماوصل شد، قلب امام شاد شد

سیل بند ۳ کیلومتری

در عملیات رمضان با توجه
به استفاده از روش‌های جدید و
دشمن اینجا راههای نسبتی، نقش
اساسی داشت. دشمن با توجه به ضعف
که از پیشوای نیوگردان داشت، با تملیه
کانان ماهیانه که در پیشنهاد پسرانه زیر، جزو
زمینگان اسلام را که دستوریهای مقتضی
دو دیپ خواهیزی مقدماتی، اقدام به احداث
برگزار باید اعلام کرد. مترقب اتفاق و
برای حرج ایران آب نمودنند که عمل
معجزه‌آسایی بود و باین اقدام، از تلفات
خودی به طور ستمگری جلوگیری
ترفند دشمن با شکست مواف
کرد.

فیدشمن

در عملیات میمک،
اندۀ پشتیبانی و مهندسی جنگ
هران، در ارتفاع گزینی، متوجه آتش
شمن روی دستگاه‌های مهندسی
بود. هزار دو توپ را به قدر داد
وی زمین فشاریاد و دستگاه را زمینه
دنده آن را زد. دشمن هم تمام توجه
جلب شد و پس از آن، از دستگاه
کل شد و بهینه ترتیب، هم کارگاه
و هم دستگاه‌ها و ماشین‌آلات
سالم ماندند.

جاده‌سازی در باتلاق

فرمانده تهم مهندسی جهاد فارس، شورای راهبردی طرحی سازمان و گفتگو هرچه آخر در کوههای آجرپیزی ایرانی بود، به اینجا حمل کردند. اجرهایها بر مصادر ۲۰٪ سانتیمتر، که بالاتر می‌رسید و سپس پیچه ازتفاق جاده را با خالک رس پر می‌کردند. شما مایل باشد اهلمن اینجا را تابانی‌تبار نپنداش و بدهید. این را سطح جاده، از آن فر شدن ریزی خواهید بود. در صورت وصل شدن جاده، مخصوصی هایی توانید آن را مشاهده بفرمایید. حدو۰،۶۰۰ متر مکعب شن در گلکومت ۱۷ جاده شماش بیاورند. آنها ماهش هر ده کیلومتر را بدهید. آبادان-آبادان ماهش هر ده کیلومتر را بدهید. رضوی که می بود که بقدت های فر های آن نو کوش نماید. مانند کارهای این منطقه کنید. باید براي مستانه که آب بالا خواهد گردید این منطقه بسیار بیشتر کنید. جستنگ اکنون باید ازتفاق جاده را زیاد است و باید باز شن ریزی خودش را بخواهید.

قلب امام شاد شد

سنگین، تجمیع
کامیونها، پیش از پیش
شده بود. همین که
وصل شد، یکی شعار داد
و مصل و سد، گرفتار شد.
کرچه شعرش نداشت.
فرازهای کردن عارضه هم
بود. همین که گوسفند
تاس بیند، چون از اوردن
مخلوب، دو نفر از رانندها
پارکری توسط هلهکوبی
شهابات رسیده اند. یکی
نه توانته است بود و در
خود را از خلیله کرد، به سوی
در آنجا رانندها را مرد
بود و شهیدان آنکو^(۱)
با تواعیصی که داشتند،
وصل جاده شریت شهادت
و به عهدی که با خدای
بسته بودند، عمل کردند.
و مصل الهی را بیست
سیستندند.



پاکسازی میدان مین با بولوژر

در ابتدای عملیات رفع مین، قرار یود گروه تحریب و راهنمای از سیاه و ارتش بیاند؛ ولی متأسفانه به دلیل این که بچه‌های گروه تحریب و راهنمای شهید شده بودند، کسی همراه ماند. وقتی سد شکسته شد و بچه‌ها به میدان مین رسیدند، نه کسی برای خشک کردن آمده بود و راهنمای داشتند که ما را هدایت نماییم. تا صدمیج، پشت میدان مین، سرگردان ماندیم. دیگر معلول مین خواسته بود: چراکه منجر به نابودی ماماند. با توکل به خداوند، یکی از برادران جهاد، به نام ابوبیان، سوار بولوژر شد و برای خشن کردن جلو قفت. گفته شد که اگر من همه این فض نفر بود، رد می‌شودیم، اگر دشمن که بمنفر شد. این برادر، یک سری رفت که خوشبختانه مینهندند نفر بود که برادرت ردم شد. بلکه متوجه گیری رفت و راه را باز مسدود نمایند. متأسفانه در میان بازگشت، موشکی به او خودر و به شهادت رسید و دستگاه‌هاش آتش گرفت. برادر گلگار برای حاموش کردن آتش دستگاه رفت که موشک شد و امداد و همراه شهادت رسید؛ ولی باللاش و ایثار برادران جهادگر، راه بار شد و توائیستم با استفاده از آن معبر به پیشوای و بدان خود ادامه نهاد. هرای این باره بود که در این عملیات، به ایتکار شهید ساجدی و سایر جهادگران، میدان مین توسط ماسنین لات سنگین مهندسی، پاکسازی می‌شد.

تائزن غنیمتی

در بازار دراز، جاده صعب العبور را حداث می‌کردند و دشمن که با پل تانک، سه راه گرم رامورده‌هدف قاره‌ای برازی همه شده بود یک دریسر زیر، یک شب رانده بولوژر که بولوژر شکرخورد و را داشت را باز کردند و بر دندت را دیابات جدید بیاورند. تانکان را خودش کرد که آمار بارم و بروم این تانک را زارک بیننداران راه سنگر تانک دشمن را پیش گرفت و به سنگر تانک رسید. همه عراقی‌ها در سنگر بودند و کسی کار تانک دیده نشد. او هم داخل تانک رفت و با کمی روشن کرد و از صیب از جاده دشمن، به طرق حقه شدن حرکت کرد. برای اول صیر در اختیار تبروهای خودی قرار گرفته بود. در آن زمان که بنی صدر حتی اسلحه سبک نمی‌باشد، به پاسارسان نمی‌باشد. به دست اوردن یک تانک برای چه هاک را پیروزی بزرگ بود و این کار کسی نبود جوشیده محدود گوکی که بعد از سرنشست به شهادت رسید.

کاریگریز، زیرگاریز و خمباره

در منطقه سملجه، به علت آب‌گرفگی منطقه، جاده‌سازی به سخت انجام می‌شد. به علت نزدیکی دشمن و کوتاه بودن حاکمیت‌باید در تاریک‌های مطلق شد، مصالح محلی می‌شد. به همین خاطر دشمن سریع تردد دستگاه‌ها و حاکمیت‌ها را مورد هدف قرار گردید و مارما برای اینکه توانیم کاران را از جامد گفتم، مجبور بودیم با آتش توانخانه‌ای خود، به آنها حمله کنیم تا دشمن، فرست کاف برای انجام کار نداشته باشد. درینک از شبههای عملیات جاده‌سازی، دشمن آتش سنگی تهیه کرد. اکثر نیروهای ایرانی، مجبور شدند دستگاه‌ها را هلاک کردند. در پیش تیکزیز سنگی گردیدند. دستگاه‌گیریز، بزرگترین دستگاه بود و اگر هوا روسن می‌شد، دشمن می‌توانست به راحتی را بینند و منهدم کند. به همین دلیل بدون اینکه با راننگی گردید راشنا باشیم، پشت دستگاه نشستیم و زیرگار تبر و خمباره، مسیر سبزی ریزی شده را تسبیح کردم.

صحیح متوجه شدم به طور معجزه آسایی، سریع تسطیح شده است.

کل، همه‌مان راجحات داد

در منطقه جزیره مجنون، یکی رو زد ماند و عمليات در جایی که به آن قاره‌گاه علیاتی شهید یکی معرفی بود. گران پیشیانی، قرار بود با هم این امام علی ع نجف ایاد به همه راه لشکر عاشورا، قرار بود با هم این عملیات شرکت کنند. بین لشکر عاشورا و جهاد سیدالشادا بود، با وجود احداث حاکمیت‌ها که بین مقر لشکر عاشورا و حاده سیدالشادا بود، پروردی این جاده، یک مقر کاتیوشای طرف دشمن هدف گیری می‌کرد. این مقراز طرف دشمن شناسایی شده بود و به شدت بر سر آن آتش ریخته می‌شد. مقرر شده بود راه عبور با احداث یک پل انجام گرد و شهید باکری، در این مورد سیار اصرار داشت: «جون هم تدارکات سریع انجام می‌گرفت و هم جاده عملیات در موقع عملیات آماده بود. با یک دستگاه اوردن و یک دستگاه بیل مکانیکی و یک دستگاه جرثقیل که حامل یک لوله فلزی ۱۲ متری بودند و بعد از ۱۷ نفر نیروی انسانی، برای تسریع در کار راهه شدیم، در وسط کار که اوردن، بیل مکانیکی و نیروی انسانی در یک محدوده نزدیک به هم کار می‌کردند ایکا و زور یک گلکله کاتیوشای شنیده شد و بعد از آن گرد و خالک پیچید. بعد از فروکش کردن گرد و خالک، متوجه شدم این گلکله، در وسط نیروهای ایمنی و دستگاه‌های راه را شکر کردن و احداث نکردند. جهادگران خدا را شکر کردن و احداث پل را به پایان رسانندند.



دشمن همی تواند سبب خیر شود

این خاطره مریوط به دورانی است که

قسمتی از آبادان و قسمتی از رو روی رود کارون در نزدیکی خوشهر، در اختیار نیرهای بخت بود. در منطقه بیمارستان طالقان آبادان که نیروهای ملکی مستقر بودند، گردان پشتیبانی و مهندسی جنگ، با شکه درست روش طرقیت برای آمیولانس و حداکثر ۲ نوز و هدف این بود که مجرموان جبهه‌های نزدیک آن، راحت به بیمارستان برسند. عراق که از احداث پل را تخریب کنند، اتفاقاً راز بذرخوشهر در مسیر رودخانه بهمن شیرروانه کرد تا پل را تخریب کنند. در این کار مهم موقع شدند. همه نازاخت بودند، در این بیان، چند دوبه شناور پیشنهاد داد از همان موضعه‌ای که رژیم عراق فرستاده، برای ساخت پل دو بهای استفاده شود. این کار برای نحسینین بار صورت گرفت و شهید هزارستان با تعداد دیگری از جهادگران، تواستند به خوبی پل را مونتاژ کنند. طرقیت عبور این پل، از ۲ تن به ۱۰۰ تن رسیده بود. بنابراین وسائل سنجک نیز متواترستند بیور نکند. این تصریح باعث شد ساخت پل دو بهای در مناطق دیگر هم دنبال شود؛ حتی در دو خانه کارون در زمان عملیات بیت المقدس، واقع در ایران، که دشمن هم متواتر سبب خیر شود؛ اگر خدا بخواهد، برین اساس، احداث پل دو بهای توسط گردانها و واحدهای پشتیبانی و مهندسی جنگ، در همه مراتق جیجه گشتن شافت.

در آسمان به سوی ملکوت پر کشید

از پس کاروان شهدای سنگرهای بی‌سنگر که پدر انقلاب را در روتاستها کاشتند، پارسینکین امانت بر دو شهان سنگنی می‌کرد. از شهید شهشهان بگوییم با از شهید شوریده؛ از شهید رحبیگی، طنزپرداز قوی اغلاط هفتگی با شهید فتح العصان حاطر دکنم؟ از شهید ساجدی یا شهید زارع را دیگان بگوییم؟ از شهید شادلو یاد کنم با از شهید انتشاری، اما امکاری در دستان قلم قده حاج عباس را بگوییم؛ او که با آغوش بار در اخیرین روزهای جنگ، در قله شیخ محمد، از کردیهای عراقی میزبانی کرد و که می‌دانست شگری گیاه را خواهاد دید، دورین را برداشت و گفت، عکس این راننگان را به بیت پرسانید که اینهان بدانند که در کدامین نقطه غریب و با همه شجاعتی، بود لبند منظمه را شکافته و مسیر زندگان را تلاش خود باز کردند و در همین حال بود که خمیره در کنارشان به زمین افتاده پنهان غنی ارادان و رزاعتی و حاج عباس، به شهادت رسیدند و در شب جمعه آخر ماه مبارک رمضان، در حالی که خمیره، در کشته شد. دره می‌بچید و وقتی بالگردها، نم مروجوش را به آسمان بردند، در آسمان به سوی ملکوت پر کشید.

سنگرهای بتن

شهید ساجدی در زیر آتش متراکم دشمن در میمل، مثل گروههای به فکر چاره‌اندیشی و تدبیر بود. او یک گروه از زیر آتش شدید دشمن حرکت داد و به خطوط عقب آورد. در عقیه، یک سری سنگر تیتی وجود داشت که این سنگرهای را به خط مقدم منتقل نمود و در آنجا نصب کرد. با استفاده از همین سنگرهای بود که از تعداد ثابتات مایه طوف محسوس شدست. در واقع این اولین سنگرهای بتنی بود که در خطوط نصب می‌شد و به نحو مطلوبی نتیجه مثبت می‌داد. بعد از کم شدن آتش دشمن، شهید ساجدی، که اکبی چهل پنجاه نفری ایجاد نمود و کارکان در اهواز ایجاد کرد و دست به ساختن این سنگرهای زان اکبی سنگرهای راه محلی به نام المهدی منتقل می‌کرد و از آنجا به خاطر رمل بودن منطقه، سنگرهای را قطعه‌هایی می‌کردند و پس از انتقال به طبق مقام، در آنجا دوباره اتصال داد. نسبت می‌کردند که همه این کارها، با انتکار و مدیریت شهید ساجدی انجام گردید.



هدف‌های بزرگ داشت‌ه باش

آموزه‌های مهندسی شهید مصطفی
احمدی روش برای مهندسان جوان

پول و مقام ارزش‌ناردن؛ مردم‌داری را بعض

همیشه به شوخی همه چیز را رد می‌کرد و با خنده سوالات را می‌گذاراد. مخصوصاً خانه ما که می‌آمد، اکثر آن سعی می‌کرد ما از نظر روحی مشکل نداشته باشیم و به گفتگو از خود بگذرانیم. یعنی بود که از مخصوصات بازی و این بود که نسبت به دنیا بسیار بی‌تفاوت بود و براي پول و مقام، ارزش قائل نمی‌شد.

مخصوصات نسبت به دنیا بی‌تفاوت بود و دل پستگی نداشت و دغدغه او کارش بود. از کاش کنم گذاشت و در کار کوشش بود و هر کاری را شروع می‌کرد. باید حقاً به نتیجه میرساند.

نسبت به سروشوست مردم، حساس بود و به کسانی که از لحظه مالی گرفتار شدند داشتند، به ما سفارش می‌کرد و چون خودش به این صورت به این کارها نمی‌رسید، پیشتر به ما سفارش می‌کرد که نسبت به کسانی که احتیاج دارند، نهایت سعی و کوشش را به کار ببریم.

مردان مرد، سرباز انقلاب بوده‌اند

مصطفی حد و مرزی قاتل بود و به قول دوستان نزدیکش، خط قرمزی داشت که نمی‌گذاشت کسی از آن عبور کند و آن «اهربی» بود. او واقعاً نسبت به رهبری حساس بود و به جزو از همه کس و همه چیز انتقاد می‌کرد. بدش درباره او می‌گوید «لاتین‌داری» از وکیل‌های مهم فرزندم بود و قاطعه‌ای می‌گوییم که مصطفی، سرباز خوبی برای حضرت امام جامعه‌ای بود.

اولین شهید نسل سوم، یک‌مهندسان بود

خانواده‌اش درباره او می‌گویند: مصطفی، اولین شهید نسل سوم است و

نسبت به بقیه شهداً بعد از جنگ و انقلاب، کم سن و سال تر است. به نظر من، اگرمن هم به جای رژیم صهیونیستی بودم، باشناختی که از چهام داشتم، نمی‌فرمم سراغ کسی دیگر و مصطفی را دریا نزور انتخاب می‌کردم.

دغدغه‌پیشرفت ایران، براي آدم خواب و خواهان‌نمی‌گذار

مصطفی از اولین کسانی بود که غنی‌سازی را انجام دادند. او مدتها و چندین شب پی‌بار بود و تنهایاً خالت ایستاده پاشنشته باشی سانتریفیوژ خواب می‌فرستاد. یادم چه سهست؟ فروزهای بود که زنگ زد منزل و گفت: رئیس جمهور می‌خواهد خبر خوش را به شما بدهد.

برای هدف‌بای‌دمبارزه کرد

مصطفی اگر می‌خواست بلکه با پیش برو، به هر طریق می‌نیشت و نقشه‌ی می‌کشید. کار سازمان، برای مصطفی خیلی مهم بود و همیشه می‌خواست که کار سازمان پیش برو.

از آن روزی که به یاد دارم، مصطفی همیشه شدمی کرد و دلیل این مستله آن بود که تا آن جا که می‌توانست، می‌باشد برو و بای پیشبرد اهدافش، می‌جنگید و پیچ و وقت عقب‌نشینی نمی‌کرد. مصطفی براي همه مامثل یک کوه بود. مصطفی واقعاً چنگی‌جو بود و وقی می‌خواست هدفش را به سرانجام برساند، هیچ چیز جلوگارش نبود.

هیچ چیز با اتزاح را نیست

مصطفی می‌گفت باید تا آن جا که می‌شود، مرغه‌جوبی کرد. بیت‌المال برای مصطفی، خیلی مهم بود؛ اما بیش از بیت‌المال، حق الناس برايش



بخش از سخنرانی به مردم عظیم انقلاب در دیدار با خانواده مهندس شهید احمدی روش

(دو) جنبه ارزش در وجود جوان شما کاملاً تبلور پیدا کرده که هر کدام به تنهایی به نحوی مایه افتخار است؛ یعنی جنبه علم و تحقیق و پیشرفت و تسلط بر کار مهم و حساسی که زیر دست اوست که یک استعداد بزرگ و یک تفکر که معنای حقیقت کلمه است. این، یک نهد از شخصیت این جوان است که این خودش ایله افتخار است. اینها زنده که هستند، از اینها میتوان افتخار و سرشناسی آنها هم برای پدرو و مادرشان، خانواده‌شان، زن و بچه‌شان، هم برای کشورشان، ایکن نبعد داشت. اهمیتش از این بعد پیشتر است: آن، بعد معنوی و این است: همان چیزی است که او از اینها می‌گذرد ای شهید شدن. حال شهید شدن از نظرنا که اهل دنیا هستیم و داریم زندگی می‌کنیم و به خصوص شما که پدربر، همسرید و خب، می‌بینیم که نسبت به این محبت فوق العاده است: تلاخ است: چون از دست دادن است: فقدان است. در عرصه ظاهر زندگی، این، فقدان است: لذت ایست. پوسته شهادت، این است: فقدان و از دست دادن و ندیدن جای او! یکن لذت شهادت، خیلی بتر از اینهاست. لذت شهادت، این است که ای انسان، یک بشیر، ناگاه از درجات عالیه الهی سر درآورد؛ مقامات فرشتگان بالاتر بود در آن زندگی اصلی همه مداد از چهل سال، بینهاد سال شمشت سال هفتماد سال خواهان وارد آن شویم و زندگی ایدی است، جایگاهش عالی شود؛ رتبه عالی داشته باشد، مور توجه باشد؛ غصیض در روز قیامت به دیگران برسد؛ (یسعی نورهای بین ایدیهم و بیانمهم).

از جمله خصوصیات بوقت قیامت بودن فضاست: چون خوشبیدی وجود ندارد؛ و سیله نوی و خود ندارد؛ و این مهده آحاد بپردازی حالت طمانتد. و قی، که این بندگان خوب - که از جمله بیرونی هاشان، همین جوان شمام است - حرکت می‌کنند، نور اینها در جلویانشان و در کارهای تلاوی پیدا می‌کند. دیگرانی هستند که در روز قیامت با حسرت به اینها گذاشتند و می‌گویند که از نورتان به ماده‌هید (کسانی که شایسته این نور نیستند). اینها در جواب می‌گویند: (اجروا و رانم) قالموسوا نورا؛ بر بود پیش سرتان را زنگ کنید. یعنی آن زندگی کنید؛ این جای کسی نور نمی‌دهند. این بناست نوی داشته باشید از آن جان نور را کسی کنید؛ این جای کسی نور نمی‌دهند. این نوی است که آن جا دادند؛ این جا بروز و ظهور پیدا کرده. این، بعد دوم شخصیت جوان شما و همه شهداست.

خدا، انشاء الله، به شما صبور و اجر بدهد؛ بر دل ای شما، بر دل این پسر کوچولو، سکینه و آرامش ایلار فرماده. هر کسی در هرجایی می‌تواند خدمت کند. وقتی خدمت شما داده شد، خدا این جو را پادشاه را هم به بترین هایم دهد که داد. پس ازین که مصطفی شما به شهادت رسید، من شنتگم که داشتجوهای داشگاه شریف و جاهای دیگر نامه نوشتند، امضا کردند و گفتند که ما می‌خواهیم رشته‌مان را به این رشته تغییر دهیم».

مهم بود. مصطفی می‌گفت: نباید مدینون کسی باشیم. برعک از مدیران دولتی برای پیشترفت خود، حق مردم را نمی‌هشند و اول مصطفی هرگز این کار را نمی‌کرد و همیشه می‌خواست حق مردم را بدهد. مصطفی وقتی مدد حق را کسی است، یک لحظه هم غفلت نمی‌کرد.

کار، کار است و خانواده، خانواده

مصطفی خیلی به همسر احترام می‌گذاشت و اکم با محبتی بود: مثلاً اکم من مریض می‌شد و یک سردردی می‌گرفت، اصلًا طاقت نداشت و می‌گفت: من طاقت ندازم که سختی عربزانم را ببینم؛ چه مادر و پدر و چه همسر و فرزند. مصطفی دای بوسعت دریا داشت.

یک رشته را آفرش برو

مصطفی خیلی به همسر احترام بود و او را همچرا از مشکل سوال می‌گردید. اطلاعاتی داشت و اکم دوستانش در زمینه کاری از او ازtemamی و اطلاعاتی می‌گرفتند و همیشه کارکار لذت است و به همیشه کارکار می‌گردید که کجا کار لذت است و به آن جا میرفت و در درد کوتاهی هم از موضوع سر درمی‌آورد. یکی از بیوگاهی‌ای بازی او، همین قدرت کشف بود.

هدف‌های بزرگ داشته باش

خیلی به مصطفی اصرار کرد از سازمان بیرونی بپایانی، می‌دانستیم که الارزه بیانی سر مصطفی می‌آورند و لی فکر مصطفی چیزی دیگری بود و همیشه می‌گفت: باید کار کنم که آمریکا و اسرائیل ناوارد شوند. می‌گفت: اگر ما بناشیم، پس چه کسی این کار را انجام دهد؟ مصطفی از روز خودش را خوب می‌دانست. مصطفی با وجود این احتیاطات کارش مطلع بود، همیشه می‌خندید و هیچ وقت غم به داشت راه نمی‌داد و همیشه می‌گفت: تو رس و مردا مصطفی به آزوی قلبی خودش رسید. مصطفی از قبل می‌دانست که شهیدیم شود.

بخشی از برنامه های ستاد ملی کنگره شهدای استان قم



▲ برگزاری جشنواره تئاتر افلاکیان



▲ رزیابی مواسات: توزیع بسته های معيشی در بین خانواده زندانیان استان قم



▲ مراسم گرامیداشت شهدای هفتم تیر در هفته قوه قضائیه

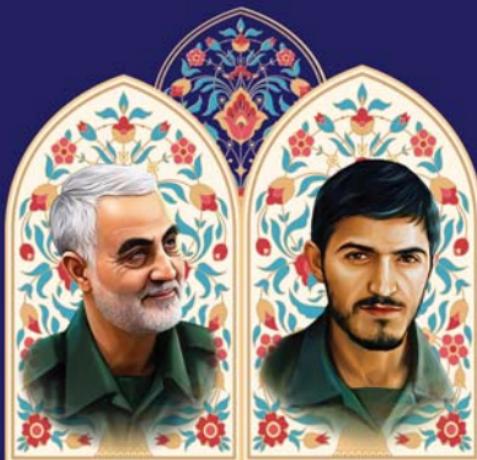


▲ آیین رونمایی از تابلوهای کوچه‌های مزین به نام و تصویر شهداد



▲ یادواره شهید رشید و شهدادی تخریب مدافع حرم

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ أَكْبَرُ
مَنْ يُصْلِي إِلَيْهِ الْجَنَاحَيْنَ



قَدْتَ سَرْمَدَشَاهَ وَسَرْفَازَى

کنگره ملی شهدای استان قم

گرامی باد یاد و خاطره سرداران و شش هزار شهید استان قم

